



شیر زنان آریایی

واقعیت و حقیقت محض!

تنها راه رهایی ایران، آگاهی است

تا زمانیکه :

۳۰۰ آیت‌الله،

۴/۰۰۰ حجت‌اسلام،

۱۰/۰۰۰ امام جمعه،

۵۰۰/۰۰۰ آخوند،

و میلیونها مرد و زن گرفتار در تعصبات و باورهای

دست و پاگیر مذهبی در ایران زندگی میکنند،

مردم کشورمان هیچگونه آسایش و آرامش

نداشته و هرگز پیشرفت نخواهند داشت!

پاینده ایران



پشت هر آخوند موفق هزارها آدم
بی شعور و نفهم و خرافاتی است.



شماره ۲۲۸، سال سی و چهارم، تیر ماه ۱۴۰۲

No.228, enuJ/July 2023

« تنها راه رهایی، آگاهی است »

مجله پژوهش زیر نظر شورای نویسندگان منتشر
و بتمام گروههای ملی و آزادیخواه وابسته است

هم آهنگ کننده: دکتر مصطفی عرب
صاحب امتیاز: فاطمه عرب (M.B.A - M.A.)
مشاورین فنی: مهندس امیر و علی عرب
روابط عمومی: زهرا و دکتر لیلی عرب
دستیاران: پرینستون، عالیا و سوفیا

پژوهشگران و نویسندگان شخصاً مسئول
نظرات و نوشته های خود هستند

آدرس و شماره تلفن مجله:

9008 Caminito Vera

San Diego, CA 92126

(858)566-5566

Website:

www.pajouhesh.org

Emails:

arya5@aol.com

editor@pajouhesh.org

تنها راه نجات دین و مذهب از آسیب بیشتر، خروج روحانیت از پست‌های حکومتی سیاسی و پرداختن به مسایل اعتقادی جامعه است که البته دیر شده و نسل‌های ۵۰ تا ۹۰ اکثراً بدون مذهب و اعتقاد دینی هستند.

پنهان نمودن صورت مسئله نمی‌تواند از آسیب بکاهد.

در تلویزیون ما تنها جامعه‌ی دیندار و متدین نشان داده می‌شود، ولی در زیر پوست شهر همه ما می‌دانیم دیگر چیزی به‌نام دین در بین اکثریت مردم کمتر موضوعیت دارد. ما نتوانستیم طی ۴۳ سال بر اعتقادات بیافزاییم یا حداقل حفظ کنیم. با تمام بودجه‌های بسیار سنگین چندین هزار میلیاردی و ده‌ها نهاد دینی حوزه‌های علمیه عملاً خروجی آنها صفر و حتی منفی بوده است.

دین اسلام هرگز این نیست که ما داریم تبلیغ می‌کنیم.

ما ظاهرسازی و تبلیغ را بر تربیت نسل ترجیح داده‌ایم. اگر در خانواده‌ی اقوام خود بنگریم، متوجه می‌شویم به‌جز چند پیرزن و پیرمرد که آنها هم تربیت شده‌ی سالیان بسیار دورند دیگر اغلب پرورش یافتگان جمهوری اسلامی حتی نماز نمی‌خوانند که هیچ، بلکه تمام مظاهر دین را تمسخر می‌کنند؛ هرچند مسئولان در تلویزیون اصرار بر دین‌داری جوانان نمایند.

آینده نشان خواهد داد که ایران تبدیل به بی‌دین‌ترین و سکولارترین کشور مسلمان خواهد شد.

نشانه‌های این تغییر بنیادی در رفتار و ذهن کجی‌های جوانان و مردم به آنچه مسئولان می‌گویند و می‌خواهند مشخص است. استقبال مردم از نوروز و جشن سرور بی‌نظیر مردم از آثار این تغییر بنیادی در عقاید مردم است.

خداوند همه‌ی علمای دین را که سالانه میلیاردها تومان بودجه برای حفظ اسلام می‌گیرند را هرگز نخواهد به‌خشید؛ ما هم نه‌خواهیم به‌خشید.

اگر همین بودجه‌ها را صرف زدودن فقر می‌کردند بیشتر ارزشمند بود تا آنچه تا کنون دیده‌ایم.

ما مسلمانیم و اگر می‌گذاشتند خودمان عقایدمان را حفظ می‌کردیم، اما متأسفانه چنین نماند.

ما فاصله داریم از اسلام، آن هم بسیار زیاد.

برخی طلبه‌ها به‌من می‌گویند ما نمی‌توانیم با لباس روحانیت بیرون برویم از بس مورد ناسزا و سخنان ناروا از طرف مردم قرار می‌گیریم.

یک روز یکی از طلبه‌ها به من گفت فرزندی دارم چهار ساله دستش را گرفتم تا برای خرید به بازار برویم؛ هنگام خروج از منزل به من گفت اگر بالباس بیابی من با تو بیرون نمی‌آیم، آنجا تمام وجودم را سراپا شرمساری گرفت.

به‌یاد سخن مرحوم آیت‌اله طالقانی افتادم که می‌گفت:

«روحانیت اگر وارد حکومت شود نه تنها خود، بلکه دین را نیز از بین خواهد برد.»

به‌منزل بازگشتم و درعالم تنهایی گریستم. همسرمتوجه حال خرابم شد؛ پرسید چرا منقلبی؟ گفتم چرا نباشم؛ امروز بیست سال تحصیل مرا در حوزه، فرزند خردسال‌ام به چالش کشید.



گفتار محمد زکایی، استاد حوزه علمیه قم

ما باختمیم، خیلی بد هم باختمیم!!

آینده نشان می‌دهد ایران تبدیل به بی‌دین‌ترین و سکولارترین کشور مسلمان جهان خواهد شد. ما باختمیم، خیلی بد باختمیم؟! اخیراً مشاهده شده در فضای مجازی، مردم از مرگ روحانیت، ابراز شادی می‌کنند.

دلیل این شادمانی ملی از مرگ یک انسان چیست؟ کجای دنیا مردم یک کشور از مرگ یک انسان چنین به وجد می‌آیند؟ آیا مرگ یک انسان می‌تواند شادی بیاورد؟

اگر دقیق شویم درمی‌یابیم شادی مردم از مرگ یک انسان نیست، شادی آنها از مرگ یک عقیده و یک تفکر رادیکال است که خود را در قالب شادی از مرگ یک نماد آن تفکر به‌نمایش می‌گذارند و این موضوع برای آینده‌ی آن عقیده بسیار خطرناک است.

در آینده‌ی نه‌چندان دور با خارج شدن نسل‌های گذشته دهه ۴۰ به پایین از زندگی دیگر چیزی به‌نام مذهب و اعتقاد در بین نسل‌های جوان کمتر خواهیم دید و شادی امروز مردم در مرگ یک روحانی اولین نشانه‌های مخالفت عمیق و قلبی مردم با ایدئولوژی سیاسی می‌باشد.

مردم عامل فقر و بیچارگی و گرفتاری خود را در این ایدئولوژی می‌بینند و با مرگ هر نفر خصوصاً از مسئولان شادی خود را بروز می‌دهند.

به‌نظر می‌رسد سیاست آسیب فراوانی به‌دین و مذهب در کشورمان وارد ساخته و هر کدام از ما متوجه فاصله گرفتن از اعتقادات مذهبی در بین احاد مردم شده‌ایم.

۶۳۲ میلادی ← رسول الله فوت می‌کند
 محمد طی تنها ۲۲ سال پس از ادعای رسالت، ۲۷ مرتبه جنگید
 تا ثابت کند برای صلح آمده است و بعد از او پیروانش نیز
 همانطور ادامه دادند:

۶۳۲ میلادی ← ابوبکر، پسر محمد و عمر حرکتی نظامی
 را آغاز می‌کنند تا اسلام را به تمام بلاد صادر کنند:

۶۳۳ میلادی ← جنگ در عمان

۶۳۳ میلادی ← جنگ حضرموت

۶۳۳ میلادی ← جنگ کازیم

۶۳۳ میلادی ← جنگ ولاجه

۶۳۳ میلادی ← جنگ اولیس

۶۳۳ میلادی ← جنگ عنبر

۶۳۴ میلادی ← جنگ بصره

۶۳۴ میلادی ← جنگ دمشق

۶۳۴ میلادی ← جنگ اجنادین

۶۳۴ میلادی ← مرگ ابوبکر و به خلافت رسیدن عمر

۶۳۴ میلادی ← جنگ نمارق

۶۳۴ میلادی ← جنگ سقطیه

۶۳۵ میلادی ← جنگ جسر

۶۳۵ میلادی ← جنگ بویب

۶۳۵ میلادی ← فتح دمشق

۶۳۵ میلادی ← جنگ فحل

۶۳۶ میلادی ← جنگ یرموک

۶۳۶ میلادی ← جنگ قادسیه

۶۳۶ میلادی ← فتح مدائن

۶۳۷ میلادی ← جنگ جلولاء

۶۳۸ میلادی ← جنگ یرموک

۶۳۸ میلادی ← مسلمانان رومی‌ها را شکست می‌دهند و وارد

چارالسلام می‌شوند

۶۳۸ میلادی ← فتح جزیره

۶۳۹ میلادی ← فتح خوزستان و حرکت به سوی مصر

۶۴۱ میلادی ← جنگ نهاوند

۶۴۲ میلادی ← جنگ ری (در ایران)

۶۴۳ میلادی ← فتح آذربایجان

۶۴۴ میلادی ← فتح فارس

۶۴۴ میلادی ← فتح خاران

۶۴۴ میلادی ← عمر کشته و عثمان خلیفه می‌شود.

۶۴۷ میلادی ← فتح جزایر قیبرس

۶۴۸ میلادی ← حمله به بیزانسی‌ها

۶۵۱ میلادی ← جنگ دریایی علیه بیزانسی‌ها

۶۵۶ میلادی ← عثمان کشته و علی به خلافت می‌رسد:

۶۵۸ میلادی ← جنگ نهروان

۶۵۹ میلادی ← جنگ صفین، اولین جنگ میان مسلمانان، علی

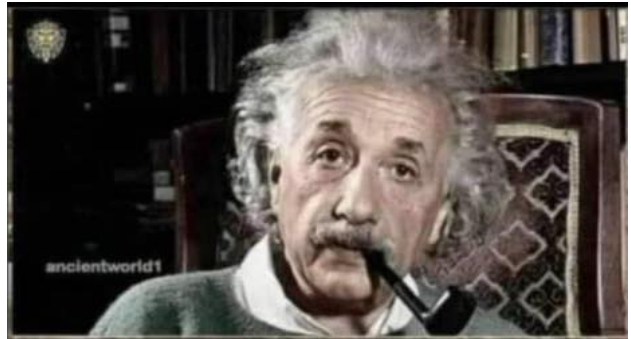
و معاویه برای حکومت

۶۵۹ میلادی ← فتح مصر

۶۶۱ میلادی ← علی کشته می‌شود.

۶۶۲ میلادی ← مصر به دست مسلمانان می‌افتد

۶۶۶ میلادی ← مسلمانان به سیسیل (ایتالیا) حمله می‌کنند



**”مذهب باید از انسان موجودی صبورتر،
 آزادتر، مهربان‌تر و دلیرتر بسازد، اگر
 مذهبی نتوانست اینکار را انجام دهد چیزی
 جز شر، پلیدی و حقه‌بازی نیست...“
 آلبرت انیشتین**

ماهیت دین اسلام وقایع صدر اسلام و تاریخ آن

۶۱۰ میلادی ← محمد ادعا میکند در غار «حرا» جبرئیل
 را ملاقات کرده است. (اولین وحی)

۶۱۳ میلادی ← محمد ادعای رسالت نمود و به همه اعلام
 میکند که رسول «الله» است (دومین وحی)

۶۲۲ میلادی ← محمد از مکه به مدینه مهاجرت می‌کند

۶۲۳ میلادی ← جنگ ودان

۶۲۳ میلادی ← جنگ صفوان

۶۲۳ میلادی ← جنگ نوالعشیر

۶۲۴ میلادی ← جنگ بدر

۶۲۴ میلادی ← جنگ بنی سلیم

۶۲۴ میلادی ← جنگ بنی قینقاع

۶۲۴ میلادی ← جنگ سویق

۶۲۴ میلادی ← جنگ بنی قطفان

۶۲۴ میلادی ← جنگ بحران

۶۲۵ میلادی ← جنگ احد

۶۲۵ میلادی ← جنگ حمراءالاسد

۶۲۵ میلادی ← جنگ بنی النضیر

۶۲۵ میلادی ← جنگ ذات الرقاع

۶۲۶ میلادی ← جنگ بدر الاخره

۶۲۶ میلادی ← جنگ دومه الجندل

۶۲۶ میلادی ← جنگ بنی المصطلق

۶۲۷ میلادی ← جنگ خندق

۶۲۷ میلادی ← جنگ بنی قریظه

۶۲۷ میلادی ← جنگ بنی لحيان

۶۲۷ میلادی ← جنگ غیبه

۶۲۷ میلادی ← جنگ خیبر

۶۳۰ میلادی ← نبرد فتح مکه

۶۳۰ میلادی ← جنگ حنین

۶۳۰ میلادی ← جنگ تبوک



در ادیان ابراهیمی، زن کالایی بیش نیست؟!!

این مقاله کوتاه را خانمهای هموطن ایرانی حتماً به خوانند

کتاب «دوترونومی» (Deuteronomy) پنجمین کتاب انجیل قدیم مسیحی یا همان تورات یهودیان است که در بخش ۲۲ قسمت ۲۸-۲۹ چنین بیان میکند:

«اگر مردی به زن باکره‌ای که از دواج نکرده است تجاوز کند و آنها را در حال انجام آن عمل ببیند (یعنی زن بعداً نمیتواند ادعا کند که مورد تجاوز قرار گرفته و باید در حین عمل دیده شود) بر عهده مرد متجاوز است که به پدر دختر ۵۰ «شکیل» (واحد پول قدیم) نقره پرداخت کرده و دختر را هم به زنی بگیرد!»

بعبارتی دیگر، در چشم باورمندان ادیان ابراهیمی، زن کالایی است قابل خرید و فروش! فکر کنید دختر بدبخت مجبور به ازدواج با متجاوز خود می‌شود، آنهم با پرداخت پول به پدرش! در قرآن نیز در سوره مؤمنون، آیه ۵ و ۶ و سوره معراج آیه ۲۹ و ۳۰ می‌بینیم:

«و آنان که اندام تناسلیشان را از عمل حرام نگاه می‌دارند. مگر بر جفت‌هاشان (که زنان عقدی آن‌ها باشند) یا کنیزان ملکی متصرفی آن‌ها که هیچ‌گونه ملامتی (در مباشرت این زنان) بر آن‌ها نیست!»

بعبارتی اگر مردی با پول کنیزی را بخرد و یا در جنگ زنی را به کنیزی تصرف کند، طبق دستور الهی تجاوز به او رواست و نظر کنیز هم مهم نیست چرا که مرد، مالک او محسوب می‌شود!؟

البته در اسلام تجاوز به کنیزان (استمتاع) امری نکوهش شده تلقی نمی‌شود؛ در اسلام غرامتی هم نباید پرداخت شود و حتی صاحبان کنیزان می‌توانستند آنها (کنیزان) را برای تجاوز، در اختیار مردان دیگر بگذارند!؟

خلاصه اینکه بانوانی که خود را پیرو ادیان ابراهیمی بخصوص اسلام میدانید، ارزش واقعی آنان در ادیان ابراهیمی بسیار روشن است.

۶۶۷ میلادی ← محاصره قسطنطنیه

۶۸۷ میلادی ← جنگ کوفه

۶۹۱ میلادی ← جنگ دیر الجلیغ

۷۰۰ میلادی ← حملات نظامی به شمال افریقا انجام

می‌گیرد

۷۰۲ میلادی ← جنگ دیر الجمیرا

۷۱۱ میلادی ← مسلمانان به جبل الطارق حمله می‌کنند

۷۱۱ میلادی ← فتح اسپانیا

۷۱۳ میلادی ← فتح ملتان (منطقه‌ای در پاکستان)

۷۱۶ میلادی ← حمله به قسطنطنیه

۷۳۲ میلادی ← جنگ در فرانسه

۷۴۰ میلادی ← جنگ نوبلز

۷۴۱ میلادی ← جنگ بگدورا در شمال افریقا

۷۴۴ میلادی ← جنگ عین‌الجر

۷۴۶ میلادی ← جنگ روپار ثوثا

۷۴۸ میلادی ← جنگ ری

۷۴۹ میلادی ← جنگ اصفهان

۷۴۹ میلادی ← جنگ نهاوند

۷۵۰ میلادی ← جنگ زب

۷۷۲ میلادی ← جنگ حنبی در شمال افریقا

۷۷۷ میلادی ← جنگ ساراگوسا در اسپانیا

توجه داشته باشید که اسلام دین صلح و دوستی است و خوشبختانه همه با آغوش باز اسلام را پذیرفتند!

نتیجه‌گیری:

مسلمانان تا به تمام جهانیان ثابت نکنند که اسلام دین صلح است، دست از جنگیدن برنخواهند داشت و هنوز نیز یا با خودشان یا با دیگران در حال جنگ و جدال هستند!

نظر نیچه درباره اسلام



آنچه را که محمد به عنوان دین و آیین به پیروان خود داده است و به جهانیان پیشکش نموده است. اگر نام دین بر آن نمی‌گذاشتند آدمی چنین می‌پنداشت که این گفتار مشتی مردم جنگلی است که به شهر نشینها پیشنهاد کرده اند.

زیرا دین که نمی‌تواند چنین خشن و دور از انسانیت باشد. دینی که پر از فرمان کشتن و بریدن دست و پا و ربودن و تصاحب زنان مردم باشد و یا دستور چاپیدن دارایی و هستی مردم را بدهد دین نیست بلکه فرمان نابودی اندیشه و روان و کالبد است.

من دینی به این بیدادگری و ستم پیشگی ندیده‌ام. راست است که این دین از بیابان آمده و بنابراین درخور همان بیابان نشینهاست و جایی در میان مردم متمدن ندارد و نمی‌تواند داشته باشد

از کینه و بغض و خشم آکنده شدیم

برمرکب انقلاب نازنده شدیم

فریاد زدیم که شاه مردم‌خوار است

شیخ آمد و ما ز شاه شرم‌منده شدیم

حجاج تبریزی، حجتان مقبول!

دومین گروه حجاج تبریزی نیز که قرار بود امسال به حج بروند مثل حاجیان یزد منصرف شدند!

انصراف چهارصد نفر دیگر از هموطنان تبریزی جای تشکر و قدردانی فراوان دارد. ضمناً هزینه سفر حج این گروه جهت تهیه جهیزیه پنجاه نوعروس و مدرسه‌سازی در نقاط محروم سیستان و بلوچستان و نقاط کپر نشین صرف خواهد شد.

لطفاً اطلاع‌رسانی کنید تا همه ایرانی‌ها انصراف بدهند تا عزت ایرانی‌ان بدست آل سعود خدشه‌دار نشود. حاجیان شهر تبریز زیارت قبول، حاجی واقعی شما باشید.



خبرهایی از ایران و جهان

رقم صادرات فرش ایران «خجالت‌آور است»

در دهه شصت خورشیدی میزان صادرات فرش دستباف ایران بیش از یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار بود، اما اکنون این رقم به ۵۰ میلیون دلار کاهش یافته است که برای کشوری که به‌عنوان پایتخت فرش جهان شناخته می‌شود، نزدیک به صفر است!

روند نزولی صادرات فرش ایران از زمان ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد آغاز شد و اکنون در غیاب ایران، رقبا بازار فرش جهان را تصاحب کردند!

کشورهایی مثل هندوستان، پاکستان و ترکیه به‌عنوان کشورهای که اکنون حضور جدی در بازار فرش جهان دارند، می‌باشند و اخیراً افغانستان هم به‌جمع این کشورها اضافه شده است!

در بهمن‌ماه سال گذشته نیز رئیس اتحادیه صادرکنندگان خشکبار از کاهش ۷۰ درصدی صادرات خشکبار در سال ۱۴۰۱ خبر داده بود.

افت شدید صادرات فرش و خشکبار، به‌ویژه پسته ایران که محصولات شناخته‌شده صادرات غیرنفتی کشور به‌شمار می‌روند، در حالی است که دولت ابراهیم رئیسی وعده داده بود با وجود تحریم‌های بین‌المللی، صادرات ایران را افزایش می‌دهد!؟

چندی است برخی آقایان معمم، ضمن اشاره به اشتباهات خود در پشتیبانی اولیه از شورش خمینی زیر عنوان جمهوری اسلامی، آشکارا اعتراف می‌کنند که سیاست‌ها و حکومت‌داری پادشاه فقید درست و در جهت منافع ملی ایران بوده و آنچه آنها در باره رژیم جانشین (ملایان) اندیشیده بودند، سرابی بیش نبوده است.

اعتراف به اشتباه و بازگشت به مسیر درست نیازمند اراده و شجاعت اخلاقی است. البته همه اشخاص دارای چنین صفت پسندیده‌ای نیستند و همواره تا آخرین لحظه زندگی در الویگیهای خود غوطه می‌خورند، ولی بسیاری دیگر در حلقه بالانشینان رژیم که به سرانجام نامطلوب آن اطمینانی ندارند بایستی به واقعیت‌ها گردن نهند و تا دیر نشده، خود را از سر اهریمن و همچنین انتقام ملت ایران نجات دهند.

۱_ آینده همیشه تغییر پذیر است

۲_ کافیست که انسان بیدار و آگاه

شود

۳_ زمانی که انسان‌های زیادی به

آگاهی و بیداری برسند

۴_ خرد جمعی جهان تغییر میکند

و زمانی که خرد جمعی تغییر کند

۵_ تغییر آینده نیز امکان پذیر است



تنها پروازی که خسارت فرود آمدنش،

بیش از انفجار بمب اتمی در هیروشیما (ژاپن) بود

شورش سال ۵۷ کشور عزیزمان ایران، وحشتناکترین بمب اتمی بود که در آن سال به‌دست خمینی و همکاری نهضت آزادی، جبهه ملی، مجاهدین خلق، چریک‌های کمونیست خلق و سایر ایران‌ستیزان داخلی و خارجی (جیمی کارتر و دول اروپایی) در کشورمان منفجر شد تا ایران و فرزندان رشید و پاک‌سرشت‌اش را نابود کنند.

شایسته است در تاریخ نوشته شود عده‌ی وطن‌فروشی که به‌قدرت رسیدند توسط رضاشاه کبیر و محمدرضا شاه پهلوی برای کسب دانش و تکنولوژی روز به‌امریکا و انگلیس با بورسیه ملت ایران فرستاده شده بودند، ولی به جای خدمت به‌میهن، مهدی بازرگان و سایر دارودسته وطن‌فروش‌اش با کلاشینکوف و ژ ۳ به ایران بازگشتند و انسانهای بی‌گناه را با همراهی فلسطینی‌های اجیر شده در خیابانهای شهرها به خاک و خون کشیدند و تمام کشتارهای میدان ژاله تهران و آتش زدن سینما رکس آبادان و سینمایی در قم را با اطلاع هاشم صباغیان (بنا به افشای عامل آتش زدن سینما در دادگاه)، به گردن شاه و سربازان در خیابان انداختند؟!

این شیطان‌صفتان، خون گاو و گوسفندان را از کشتارگاهها می‌گرفتند و داخل جوی‌های شهرها ریخته و دست‌ان‌شان را به‌آن آغشته می‌کردند و نعره می‌زدند:

«این خونهای کسانی است که همه به‌دستور شاه کشته شده‌اند!» از آن زمان تا به امروز ۴۴ سال گذشته است و آنان همچنان به‌قتل و غارت مردم ایران مشغول هستند و متأسفانه دنیای غرب هم در سکوتی مرگبار نظاره‌گر تمامی این جنایات و وحشیگریها می‌باشد.

شوربختانه کشوری که میرفت به گذشته‌ی تاریخی و پرافتخار خود بازگردد، دچار سونامی مرگباری شد و تمامی افتخارات تاریخی خود را از دست داد و هنوز هم پس از 4 دهه توان ندانم‌کاریها و اعتماد به‌آخوندهای مزور، ایران‌ستیز و دروغگو را پس میدهد.

ملت شریف ایران، به‌ویژه نسل جوان بایستی با آگاهی کامل از دشمنی ملایان دیوسیرت با ایرانیان آزاده، «راه» را از «چاه» تشخیص داده و این دشمنان بشریت را هرچه زودتر روانه‌ی ذباله‌دانی تاریخ نماید.

قیاس به نفس علی خامنه‌ای و خشم وی

علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری ایران‌ستیز اسلامی، روز یکشنبه ۱۴ خرداد ماه ۱۴۰۲ در سخنرانی خود به‌مناسبت سالروز مرگ روح‌الله خمینی، مردمی ایران را که طی ماه‌های گذشته در اعتراض به‌جمهوری اسلامی به خیابان‌ها آمده و علیه حکومت آخوندها تظاهرات کردند، «اراذل و اوباش» و «احمق» خواند؛ القابیکه که سزاوار خود و دیگر آخوندها و ملایان می‌باشد!؟

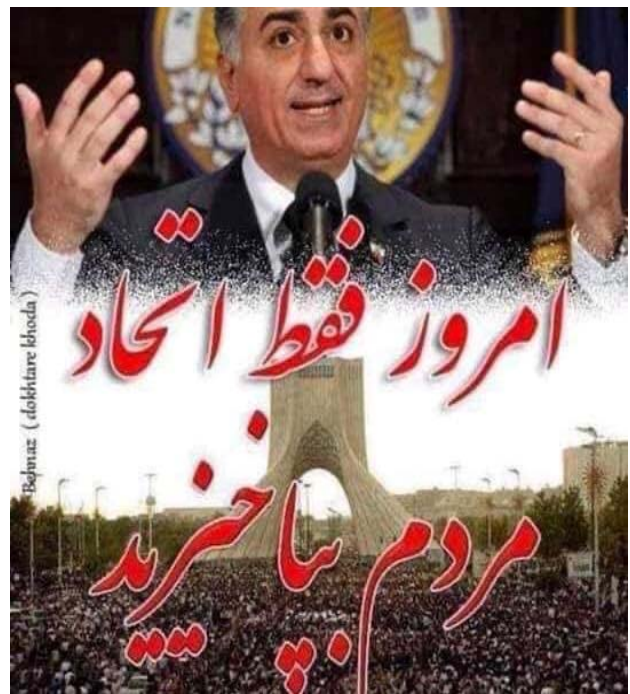
مذاکره و اشنگتن و سؤل

برای آزادسازی ۷ میلیارد دلار پول ایران

روزنامه «کره اکونومیک دیلی» خبر داد کره جنوبی و ایالات متحده در حال مذاکره درباره راه‌هایی برای آزادکردن منابع مالی هفت میلیارد دلاری ایران هستند که در این کشور آسیایی نگهداری می‌شود .

بر اساس این گزارش، جمهوری اسلامی میتواند از این پول فقط برای مقاصد عمومی مانند پرداخت حق عضویت و عوارض سازمان ملل و خرید واکسن کووید-۱۹ استفاده کند . به گفته منابع آگاه، در صورت موفقیت‌آمیز بودن مذاکرات، پول مسدود شده مستقیماً به ایران منتقل خواهد شد، بلکه به‌شعب بانک‌های ایرانی در کشورهای همسایه ایران منتقل می‌شود .

«بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» در اوایل اسفندماه اعلام کرد که دولت بایدن در حال انجام مذاکرات غیرمستقیم با جمهوری اسلامی برای آزادکردن گروگان‌های آمریکایی است و در مقابل دولت آمریکا ۷ میلیارد دلار از اموال بلوکه شده ایران را به حکومت ایران تحویل خواهد داد.



مدارس دولتی ایران

برای ثبت نام دانش آموزان افغان از آنها رشوه می گیرند

سایت دیده بان ایران به نقل از «انجمن یاری کودکان» نوشته که مدارس دولتی از «۵۰۰ هزار تومان تا مبالغ میلیونی» را از این دانش آموزان می گیرند که «رشوه» محسوب می شود. به گفته یکی از مددکاران این انجمن که به نام وی اشاره ای نشده، هرچند درباره دریافت این هزینه های غیرقانونی باید به اداره آموزش و پرورش گزارش داده شود اما در این زمینه «موانعی» وجود دارد و از سوی دیگر، خانواده این افراد هم چندان «پیگیر» این مسئله نیستند.

سرطان علی خامنه ای و..... سرطان فساد در ایران

مهدی خاموشی، رئیس سازمان اوقاف در روزهای گذشته در مرکز توجه رسانه ها قرار گرفته است. او پسردایی همسر میثم خامنه ای است. میثم، کوچکترین فرزند علی خامنه ای است که در سال ۱۳۵۷ به دنیا آمد و جز ارتباط سببی اش با دو خانواده ثروتمند لولاجیان و خاموشی و نقش او در مسکوت گذاشتن پرونده های فساد واگذاری پتروشیمی به خانواده خاموشی کمتر درباره او در رسانه ها مطلبی منتشر شده است. حال یک ماجرای جدید درباره فساد خاموشی ها رسانه ای شده است. آن هم پس از آنکه تب و تاب فساد پتروشیمی گیت و مداخله علی نقی خاموشی (عموی مهدی خاموشی) کم کم رنگ می باخت.

مهدی خاموشی که پیش از آغاز ریاستش بر اوقاف در سال ۹۷، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی بود، نقش مهمی در دستگاه رهبری جمهوری اسلامی دارد. سیادت و قرابت فامیلی خاموشی و البته منصب هایی که رهبر جمهوری اسلامی به او هبه کرده است او را یکی از گزینه های رهبری آینده می کرد. البته گزینه ای به نسبت کم فروغ در مقایسه با دیگر رقبا. شاید فردی در ردیف دوم لیست رهبران احتمالی آینده برای جمهوری اسلامی.



یک نکته از این معنی،.... گفتیم و همین باشد

عکس بالا «از کوین کارتر» عکاس افریقای جنوبی در ماجرای قحطی سالهای ۹۴-۱۹۹۳ سودان است. کرکسی (لاشخور) منتظر است تا کودکی گرسنه به میرد و جسدش او را طعمه خود کند!

این عکس برنده جایزه عکاسی، شهرت و در عین حال موجب مرگاش شد، زیرا پس از مشهور شدنش مصاحبه های بسیاری کرد تا اینکه یک نفر تلفنی از او سرنوشت نهایی کودک را پرسید و کارتر جواب داد:

«نمیدانم، چون پرواز داشتم و زود منطقه را ترک کردم!» و طرف مکالمه گفت:

«پس اونجا دو تا کرکس بود... و یکی دوربین داشت!» کارتر که گویی از خوابی گران برخاسته بود از لحظه قطع تلفن دگرگون شد و بزودی در اثر شدت افسردگی مُرد! امروز که پس از سالها دوباره این عکس را دیدم، به این فکر افتادم که در میهن من نه یکی.... نه دو تا..... بلکه صدها و هزارها کرکس در لباس حاکم و سیاستمدار، صاحب ثروت و آقازاده و... و... قحطی زدگان ایرانی را می بینند و منتظرند و شک ندارند که:

اگر لاشه ای هم سهمشان نشود، در غنیمت عکس گرفتن و جایزه گرفتن شکی نیست!؟

جهت اطلاع این حضرات اضافه می شود که امروزه از هزاران دال (کرکس) کوهستانهای زادگاه من حتی یکی باقی نمانده؛ نسلشان منقرض شده و حتی سفیدیهای مدفوعشان هم که یکی از غیرمحلول ترین موادی است که با تحقیق و کنجکاوی تاکنون دیده شده از روی سنگها، هرچند دیر، پاک شده و پاک می شوند!

از (دال گوی بند Dale goy band) یعنی صخره ای که رویش آثار مدفوع دال درجای جای البرز فراوان بود، فقط اسمی باقیمانده با یک دنیا نفرت از لاشخورها! به وعده های ارباب که شما و مکتب اتان را جاودانه و دزدیهایتان را طبیعی و از آثار ناگزیر تقابل کفر و ایمان می شمارد، دل خوش نکنید که دروغ است، دروغ..... به قول حافظ:

یک نکته از این معنی، گفتیم و همین باشد.



فاطمه روحانی ملی پوش سابق تیم
تکواندوی ایران به آلمان پناهنده شد

عرشه انجمن

ساختار سازمانی کودتای پایگاه هوایی شاهرخی در ایران و پاریس پی‌ریزی شده و نیروهای مخالف داخلی و خارجی و نیز جریان‌های سیاسی مخالف در داخل و خارج کشور شناسایی و یک هسته اطلاعاتی وسیع برای اجرای این رستاخیز بزرگ پی‌ریزی شد.

کودتای پایگاه شاهرخی توسط ستادی از پاریس به رهبری مرحوم دکتر شاپور بختیار هدایت می‌شد، این ستاد با هدف جذب آیت‌الله محمدکاظم شریعتمداری یکی از مراجع تقلید وقت، فعالیت می‌کرد

در دی ماه ۱۳۵۸، یکی از هواداران دکتر شاپور بختیار به نام مهندس قادسی، نمودار سازمانی را تهیه کرد و نام آن را «نقاب» گذاشت. نقاب متشکل از حروف اول «نجات قیام انقلاب بزرگ بود». او در آبان ماه وارد ایران شد.

پایگاه شاهرخی همدان به‌عنوان مبدا و محور عملیات انتخاب شد. این پایگاه به دلایل زیر انتخاب شد:

- ۱- دارا بودن هواپیما
 - ۲- نزدیک بودن به تهران
 - ۳- خارج از شهر قرار داشتن
 - ۴- وجود عناصر مستعد و قابل جذب
- با شروع عملیات قرار بود ابتدا منطقه مسکونی جماران که منزل خمینی نیز در آن منطقه بود، بصورت وسیع بمباران شود. پس از بمباران هوایی، صدا و سیما، ستاد نیروی زمینی ارتش، ستاد کل ارتش، پادگان حر، پادگان قیصر، پادگان جمشیدیه و زندان اوین باید توسط کماندوهای تیپ ۲۳ نوه تسخیر می‌شدند.

کلیه برنامه‌ها تا ۴۸ ساعت قبل از کودتا طبق برنامه پیش می‌رفت، اما شب قبل از حادثه یکی از خلبانانی که برای کودتا پیش بینی شده بود دچار تردید شده و سرانجام وی موفق به ملاقات با علی خامنه‌ای شد و اطلاعات مؤثر و کارا از کودتا را تا مقدار زیادی افشا می‌کند.

همچنین یکی از درجه داران تیپ ۲۳ نوه هم به ستاد مشترک مراجعه و جریانی مشابه را بازگو می‌کند.

بلافاصله پس از بررسی اطلاعات، طرح حمله به پایگاه هوایی شاهرخی و پارک لاله که محل تجمع ۴۰ تن خلبانان کودتا بود، کشیده شد.

عملیات خنثی سازی کودتا با حضور نیروهای سپاه پاسداران و عده‌ای از کارکنان ارتش آغاز شد و پس از محاصره پایگاه شاهرخی، نیروها وارد عمل شدند و همه کودتاگرها را دستگیر کردند.

همه عوامل و رهبران این کودتا از جمله سرهنگ زندانداری، سرهنگ هادی ایزدی، سرهنگ ایرج خلف بیگی، تیمسار محقق، سروان محمد ملک، ستوان ناصر رکنی، سرهنگ داریوش جلالی، استوار عبدالعلی سلامت، استوار غلامحسین قایق‌ور، سرگرد کوروش آذرتاش و تعدادی دیگر در دادگاه‌های انقلاب در سال ۱۳۵۹ به اعدام محکوم شده و تیرباران شدند.



جاویدنام تیمسار سرتیپ خلبان آیت محقق

قیام نوژه

به یاد جان باختگان راه آزادی ایران.....

در پاسخ بکسانی که ناظر بر وقایع اخیر جهان و ایران

هستند و افسوس نداشتن ارتش ملی را میخورند، بایستی

یادآوری شود که ما هم ارتش داشتیم، ولی خائنین به

ایران و ایرانی و وطن‌فروشان از همان آغاز حکومت

دستاربندان ایران ستیز، ارتشیان را از بین بردند.

درود بر جانبختگان نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران،

یاد و خاطره‌اشان ماندگار و گرامی باد.

۱۸ تیرماه، سالگرد رویداد پایگاه هوایی شاهرخی

نیروی هوایی شاهنشاهی که پنجمین نیروی هوایی غیراتمی دنیا بود در دهه ۷۰ با پیوستن تامکت‌ها (اف - ۱۴) به ناوگان نیروی هوایی حتی شوروی با استعداد ۳۰۰۰ جنگنده بمب‌افکن جرئت نقض حریم هوایی کشورمان را نداشت.

کودتای پایگاه شاهرخی یا قیام پایگاه شاهرخی نام طرحی نظامی با نام کامل نجات قیام انقلاب بزرگ بود که در آن تنی چند از نیروهای مسلخ شاهنشاهی ایران با تمرکز افسران نیروی هوایی برای بازگردانی دکتر شاپور بختیار به ایران و حذف خمینی و نابودی نظام جمهوری اسلامی طرح ریزی کرده بودند که با لو رفتن کودتا در ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹ و محاکمه عوامل و دست‌اندرکاران آن، متأسفانه این اقدام با شکست مواجه شد.

سرگرد محمدحسین عزیزیان، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سرگرد کاووس علیزاده، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سرگرد حسن گوهری، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سرگرد اسماعیل نوری مقدم، نیروی زمینی شاهنشاهی

افسران و ستوان یاران جاویدنام

سروان علی حیدر آریانا، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سروان خلبان کریم افروز، نیروی هوایی شاهنشاهی
 سروان اسماعیل اصغری، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سروان بیژن ایران‌نژاد ثابت، افسر فنی نیروی هوایی
 سروان محمد براتی، نیروی زمینی شاهنشاهی ستوان ابرهیم
 سروان خلبان امید علی بویری، نیروی هوایی شاهنشاهی
 سروان خلبان محمد بهروز فرد، نیروی هوایی شاهنشاهی
 سروان غلامرضا ثابتی آزاد، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سروان سیروس دهقان، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سروان فضل اله رئیسی، نیروی زمینی شاهنشاهی
 ستوان محمد تاجداری، نیروی زمینی شاهنشاهی
 ستوان خلبان ناصر رکنی، نیروی هوایی شاهنشاهی
 سروان خلبان ناصر زرنندی، نیروی هوایی شاهنشاهی
 سروان هرمز زمان پور، نیروی هوایی شاهنشاهی
 سروان نوراله نجف نژاد، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سروان خلبان علی اصغر سلیمانی، نیروی هوایی شاهنشاهی

سروان خلبان علی شفیق، نیروی هوایی شاهنشاهی
 سروان خلبان محمد ملک، نیروی هوایی شاهنشاهی
 ستوان دوم ایوب حبیبی، نیروی زمینی شاهنشاهی
 ستوان خلبان محمد علی ثقفی، نیروی هوایی شاهنشاهی
 ستوان دوم محمدرضا جوادی، نیروی زمینی شاهنشاهی
 ستوان خلبان حسین شکری، نیروی هوایی شاهنشاهی
 ستوان خلبان محمدمهدی عظیمی فرد، نیروی هوایی شاهنشاهی
 ستوان دوم جعفر راستگو، نیروی هوایی شاهنشاهی
 ستوان ناصر مروتی، نیروی زمینی شاهنشاهی
 ستوان یکم خلبان نجات یحیی، نیروی هوایی شاهنشاهی
 ستوانیار سوم فیروز آذریان، نیروی هوابرد - چتر باز
 ستوانیار سوم اصغر الماسی، نیروی زمینی شاهنشاهی
 ستوانیار شکراله احمدی، نیروی زمینی شاهنشاهی
 ستوانیار سوم سیاوش پورفهمیده، نیروی زمینی شاهنشاهی
 ستوانیار سوم فریدون جواهرنیا، نیروی هوابرد - چتر باز
 ستوانیار منوچهر رهبری نژاد، نیروی زمینی شاهنشاهی
 ستوانیار سوم محرم علی زاهدی، نیروی هوابرد - چتر باز
 ستوانیار محمدرضا قربان نجف آبادی، نیروی زمینی
 ستوانیار حسین هالکی، نیروی زمینی شاهنشاهی
 ستوانیار رسول یحیی پسند کبوجانی، نیروی زمینی شاهنشاهی
 جلال عسگری، نیروی هوایی شاهنشاهی
 استاد محمد نظری، نیروی زمینی شاهنشاهی

همافران و درجه داران جاویدنام

همافر یوسف پوررضایی، نیروی هوایی شاهنشاهی
 همافر جعفر مظاهری کاشانی، نیروی هوایی شاهنشاهی
 سربازان و درجه داران جاویدنام
 استوار عنایت اله آزاد یگانه، نیروی زمینی شاهنشاهی
 استوار حبیب اله احمدی، نیروی زمینی شاهنشاهی



جاویدنام تیمسار سپهبد خلبان سعید مهدیون

اسامی جانباخته‌گان خیزش ۱۸ تیر داد ۱۳۵۹

امیران جاویدنام

تیمسار سپهبد خلبان سعید مهدیون، نیروی هوایی شاهنشاهی
 تیمسار سرتیپ خلبان آیت محقق، نیروی هوایی شاهنشاهی

سرهنگان جاویدنام

سرهنگ احمد آزموده، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سرهنگ هادی ایزدی، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سرهنگ سعید امیری، شهربانی کل کشور
 سرهنگ خلبان داریوش جلالی، نیروی هوایی شاهنشاهی
 سرهنگ دوم خلیفه سلطانی، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سرهنگ رحمت اله خلیفه بیگی، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سرهنگ دوم خسرو زرینه، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سرهنگ منوچهر صادقی، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سرهنگ علی فاریا، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سرهنگ حسین مصطفوی قزوینی، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سرهنگ محمدرضا نادری نیروی، هوابرد - چتر باز
 سرهنگ نادر وحدتی پور، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سرهنگ غلامعلی وارسته پور، شهربانی کل کشور

سرگردان جاویدنام

سرگرد کورس آذرتاش، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سرگرد بهمن پرتوی، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سرگرد محسن جلالی قاجار، نیروی هوابرد - چتر باز
 سرگرد خلبان فرخزاد جهانگیری، نیروی هوایی شاهنشاهی
 سرگرد ایرج خلف بیگی، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سرگرد خلبان ایرج سلطانی جی، نیروی هوایی شاهنشاهی
 سرگرد سیروس ستوده، نیروی زمینی شاهنشاهی
 سرگرد محمدهاشم صبحی مقدم، نیروی زمینی شاهنشاهی

ما ایرانی هستیم تازی نمی پرستیم

نقش رستم، تخت جمشید خاک شد؛
کربلا و کاظمین آباد شد؛

ای عزیزان جملگی همت کنیم؛
سنت اعراب خاکستر کنیم



دریغ است ایران که ویران شود

چو بخت عرب بر عجم چیره گشت
همه روز ایرانیان تیره گشت
جهان را دگرگونه شد رسم و راه
تو گویی نتابد دگر مهر و ماه
ز می نشنه و نغمه از چنگ رفت
ز گل عطر و معنی ز فرهنگ رفت
ادب خوار گشت و هنر شد وبال
ببستند اندیشه را پر و بال
جهان پر شد از خوی اهریمنی
زبان مهر ورزید و دل دشمنی
کنون بی‌غمان را چه حاجت به می
کران را چه سودی ز آوای نی
که در بزم این هرزه‌گردان خام
گناه است در گردش آریم جام
به‌جایی که خشکیده باشد گیاه
هدر دادن آب باشد گناه
چو با تخت، منبر برابر شود
همه نام ابوبکر و عمر شود
ز شیر شتر خوردن و سوسمار
عرب را به جایی رسیده است کار
که تاج کیانی کند آرزو
تفو بر تو ای چرخ گردون تفو
دریغ است ایران که ویران شود
کنام پلنگان و شیران شود

گروه‌بان محمدباقر افتخاری، نیروی زمینی شاهنشاهی
درجه دار محمدرسلول ابریشمی، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار محمد بهرامی، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار جمشید بختیار، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار حسن کریم پورتاری، نیروی هوایر - چتر باز
استوار علی پورکرباسی، نیروی زمینی شاهنشاهی
درجه دار محمد تیغ تیز، نیروی زمینی شاهنشاهی
درجه دار محمد عابدینی مقدم، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار ابراهیم جوادزاده، نیروی زمینی شاهنشاهی
گروه‌بان یکم محمدحکیم آبادچی، نیروی زمینی شاهنشاهی
درجه دار مصطفی حجازی، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار محمدتقی خاتون آبادی، نیروی زمینی شاهنشاهی
درجه دار خلیل خباز هاشمی، نیروی زمینی شاهنشاهی
درجه‌دار غلامحسین خرقانی خوب، نیروی زمینی
استوار ایرج درخشنده، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار خداداد رحمتی، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار جمشید رنجبر، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار منصور ساجدی، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار ناصر ساجدی، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار یکم سلامت، نیروی زمینی شاهنشاهی
گروه‌بان یکم علی سعادت، نیروی هوایر - چتر باز
استوار محسن عسکریان، نیروی هوایر - چتر باز
استوار خلیل عطری، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار علی‌اکبر عیوض زاده، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار اسداله علیپور کرباس دهی، نیروی زمینی
استوار محمدعلی فرزام، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار محمدحسین فرنژاد، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار جهانگیر فاتح پیروز، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار جهانبخش فاتح جو، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار منوچهر فتاحی نوده ای، نیروی زمینی شاهنشاهی
گروه‌بان مرتضی فرح پور، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار غلامحسین قایق رو، نیروی مخصوص
استوار حسن کاظمی، نیروی هوایر - چتر باز
استوار علی کمپانی، نیروی زمینی شاهنشاهی
گروه‌بان منصور کثیرلو، نیروی زمینی شاهنشاهی
گروه‌بان بخشعلی کریمیان، نیروی هوایی شاهنشاهی
گروه‌بان محمود کیانی فر، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار لطفعلی لطف الهی، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار یکم مجتبی مرادی، نیروی هوایر - چتر باز
استوار ایرج مرودستی، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار یکم محمدعلی مهربانی، نیروی زمینی شاهنشاهی
گروه‌بان علی مرواریدی، نیروی زمینی شاهنشاهی
گروه‌بان احمد محمدی، نیروی زمینی شاهنشاهی
درجه دار میرلکی، نیروی زمینی شاهنشاهی
درجه دار محمد جواد میرمالکی، نیروی زمینی شاهنشاهی
درجه دار خسرو محمدی کوبانی، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار قاسم نقیب زاده، نیروی هوایر - چتر باز
گروه‌بان یکم سیاوش نوروزی، نیروی زمینی شاهنشاهی
استوار غلامحسین همدانی، نیروی هوایر - چتر باز



چهره‌ی واقعی ایران در جهان:

رتبه‌های اول کشور ایران در «کتاب گینس»:

در چه زمینه‌هایی ایران در جهان مقام اول را دارد؟

رتبه‌های اول ایران در دنیا:

- ۱- بیشترین تولید پسته جهان
- ۲- بیشترین تولید خاویار جهان
- ۳- بیشترین تولید خانواده توت
- ۴- بیشترین تولید زعفران (۸۰ در صد کل تولید جهانی)
- ۵- بیشترین تولید زرشک
- ۶- بیشترین تولید میوه آلبومی (از قبیل شفت، گیلاس و غیره)
- ۷- بالاترین دمای ثبت شده روی سطح زمین (۷۰/۷ درجه سانتیگراد در کویر لوت)
- ۸- بیشترین تلفات انسانی در سرما و کولاک برفی (۴۰۰۰ نفر در کولاک سال ۱۳۵۰ کشته شدند، میزان بارش برف ۸ متر در ۵ روز)
- ۹- بزرگترین واردکننده گندم
- ۱۰- بیشترین فرار مغزها
- ۱۱- بیشترین نسبت زن به مرد در مدارس و دانشگاهها (۱/۲۳ زن در مقابل هر مرد)
- ۱۲- بالاترین میزان تشعشعات زمینی، با شدت سالانه ۲۶۰ میلی سیورت در رامسر (مقایسه = یک عکس رادیوگرام سینه ۰/۰۵ میلی سیورت، میدانهای اطراف چرنوبیل ۲۵ میلی سیورت)
- ۱۳- بیشترین تعداد زمین‌لرزه‌های بزرگ (بالای ۵/۵ ریشتر)
- ۱۴- دقیق‌ترین تقویم دنیا (تقویم جلالی)
- ۱۵- بیشترین مصرف تریاک و هرویین (آمریکا بیشترین مصرف کوکاییین را دارد!)
- ۱۶- بیشترین تعداد تغییر پایتخت در طول تاریخ (تهران سی و دومین پایتخت ایران است)

۱۷- کهن‌ترین کشور دنیا (تاسیس شده در ۳۲۰۰ سال قبل از

میلاد مسیح)

۱۸- میزبان بزرگترین جمعیت مهاجر جهان (اکثراً عراقی

«عربها» و افغانی)

۱۹- بزرگترین تولید کننده فیروزه

۲۰- بزرگترین منابع روی در جهان

۲۱- بزرگترین تولید کننده و صادر کننده فرش‌های دست بافت

(۷۵ در صد کل تولید جهانی)

۲۲- بیشترین شتاب پیشرفت تولید علم و تکنولوژی در جهان

(۳۴۰۰۰٪ رشد در طول ۳۷ سال ۱۳۸۷-۱۳۴۹، شتاب

رشدی یازده برابر متوسط جهان در سال)

۲۳- بزرگترین سیستم بانکی اسلامی (کل سرمایه ۲۳۶ میلیارد

دلار)

۲۴- بالاترین میزان وابستگی به انرژی (بیشترین ائتلاف انرژی

در جهان)

۲۵- بزرگترین منابع انرژی هیدروکربن (گاز و نفت با هم، با

ارزش ۱۴۰۰۰ میلیارد دلار بر حسب قیمت جهانی ۷۵ دلار

هر بشکه نفت)

۲۶- بالاترین تناسب ذخایر به تولید برای نفت در جهان (با

میزان تولید کنونی ایران معادل ۸۹ سال ذخایر نفتی دارد.)

۲۷- ارزانترین پایتخت جهان (طبق تحقیق شبکه خبری سی-

ان-ان تهران ارزانترین پایتخت جهان است)

۲۸- بزرگترین فوران چاه نفت در تاریخ (نشت چاه نفتی قم در

سال ۱۳۳۵ سه ماه ادامه داشت؛ با فوران روزی ۱۲۵۰۰۰

بشکه نفت، ارتفاع فوران ۵۲ متر، مقایسه با نشت نفتی خلیج

مکسیکو با خروج سه ماه ۵۳۰۰۰ بشکه در روز)

۲۹- بالاترین آلودگی دی اکسید گوگرد در هوای شهری

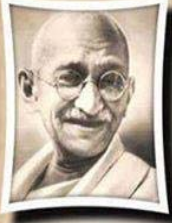
۳۰- قدیمی‌ترین منبع مصنوعی یا دست‌ساز آبی جهان با قدمت

۲۷۰۰ سال (قنات گناباد هنوز هم نیاز آب ۴۰۰۰۰ نفر را

فراهم میکند.)

۳۱- بزرگترین مجموعه جواهرات در جهان (جوهرات

سلطنتی ن در موزه بانک مرکزی ایران.)



“رد من تنهایی نیست؛
بلکه مرگ ملتی است
که گدایی را قناعت،
بی‌عرضگی را صبر، و
با تبسمی بر لب این
حماقت را حکمت
خداوند می نامند”
گاندی



نابودی، نتیجه‌ی بار اضافی و متناوب بر روی جسم و روح انسان

در علم مهندسی درسی به‌نام «استاتیک» وجود دارد؛ خلاصه درس این است که برای ایستادن و نیفتادن یک سازه، باید مجموع نیروهای وارده بر آن سازه در سه جهت X ، Y و Z برابر صفر باشد. این درس پیش‌نیاز درس مقاومت مصالح و آن هم پیش‌نیاز درس تحلیل سازه است.

چندین سال قبل پُلّی در ایالت نیویورک آمریکا فرو ریخت، بعد از ۳۲ سال کارشناسان گزارش دادند که دلیل ریختن پل، فرسودگی (*fatigue*) بوده است!

در علم مقاومت مصالح هیچ مبحثی جذابیت ندارد بجز همین مبحث فرسودگی (خستگی) سازه در اثر بارگذاری متناوب. هیچ یک از این بارگذاری‌ها به‌تندی از توان سازه خارج نیست، اما همین متناوب بودن‌شان است که خسته‌اش می‌کند، طاقت‌اش تمام می‌شود و فرو می‌ریزد.

این دقیقاً همان دلیلی است که بیشتر انسانها بابت آن می‌میرند، بابت تکرار بارهای کوچکی که تمام نمی‌شوند، اما تمام کننده هستند!

انسانها عمدتاً از خستگی (فرسودگی) می‌میرند، فقط اشکال این است که در گزارش مرگ هیچکس نمی‌نویسند دلیل مرگ: «خستگی، یا فرسودگی!»

به‌نظر می‌رسد نه‌تنها یک روز باید علم مقاومت مصالح را به‌علم پزشکی قانونی پیوند بزنند، شاید بهتر باشد به‌روانکاو هم پیوند بخورد، چون خیلی مهم نیست که در گزارش مرگ هر انسانی چه می‌نویسند!

ایکاش همانطور که فرمولی برای اندازه‌گیری میزان تحمل یک سازه در مقابل خستگی وجود دارد، فرمولی هم برای اندازه‌گیری میزان تحمل هر انسانی وجود داشت؛ آن‌وقت شاید می‌شد یک سیستم هشداردهی روی هر کسی نصب کرد تا در مواقع حساس و بعد از تحمل فشارهای متناوب، به‌اطرافیان پیامی مخابره کند مبنی بر اینکه:

«هشدار! انسان مورد نظر به خستگی (*fatigue*) نزدیک می‌شود، لطفاً اگر او را دوست دارید، کمی راحت‌اش بگذارید تا خستگی بارهای متناوب را آزاد کند و آماده ادامه زندگی به‌شود؛ در غیر این‌صورت شاهد فروپاشی و مرگ‌اش خواهید بود!»

لطفاً مراقب بار اضافی و متناوب بر روی جسم عزیزان‌امان باشیم تا در اثر خستگی، سازه‌شان فرو نریزد.

۳۲- کهن‌ترین امپراتوری جهان (هخامنشیان اولین ابرقدرت تاریخ بودند و در اوج قدرت بر ۴۴٪ کل جمعیت جهان حکومت می‌کردند که این بالاترین درصد جمعیت تحت حاکمیت یک کشور در تاریخ هم است که ثبت شده است.)

۳۳- بیشترین تعداد تلفات در جنگ شیمیایی (۱۰۰۰۰۰ کشته و ۱۰۰۰۰۰ زخمی در جنگ با عراق؛ ایران دومین رتبه تلفات تاریخ را بر اثر سلاح‌های کشتار دست جمعی بعد از ژاپن دارد.)

۳۴- اولین آهنگساز تاریخ (باربد جهرمی).

۳۵- بزرگترین تولیدکننده انجیر جهان.

(استهبان همچنین بزرگترین باغشهر دیم جهان میباشد.)

۳۶- بزرگترین غار دست‌ساز جهان (غار سنگ شکنان جهرم).

*- دو چهره زن و یک چهره مرد ایرانی به‌عنوان برترین شخصیت‌های علمی اول جهان نام گرفتند.

۱- مریم میرزاخانی استاد دانشگاه استنفورد (دانشگاه دوم جهان)

برنده جایزه فیلدز ریاضیات و تنها برنده المپیاد ریاضی تا کنون با نمره ۱۰۰ از ۱۰۰ در تاریخ المپیاد ریاضی جهان.

۲- خانم پردیس ثابتی

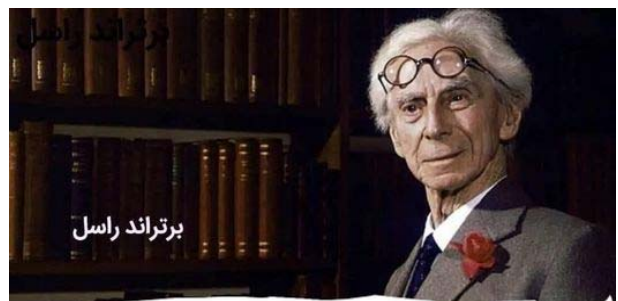
استاد دانشگاه هاروارد (دانشگاه سوم جهان) و سرپرست گروه مبارزه با بیماری بسیار کشنده «ابولا».

خانم ثابتی با معدل ۱۰۰ از ۱۰۰ فارغ التحصیل استثنایی و شاگرد اول رشته پزشکی از دانشگاه هاروارد است.

۳- محمدرضا دانشور

استاد دانشگاه ماساچوست، (دانشگاه اول دنیا) و بزرگترین استاد هوش مصنوعی در جهان با ضریب هوشی ۱۹۰.

به گفته شبکه سی-ان-ان، محمدرضا دانشور، خانم ثابتی و خانم میرزا خانی جزو ۱۰ نابغه اول جهان هستند که دنیا را می‌توانند متحول کنند.



برتراند راسل

روحانیون بزرگ‌ترین تاجران تاریخند.
آنان کالایی را می‌فروشند که هیچ‌کس
آن را ندیده و زمان تحویلش درون قبر و
بعد از مرگ شماست،
مالیات هم نمی‌دهند.

خاطره‌ی «صادق خلخالی» روانی و جنایتکار

از تخریب آرامگاه رضاشاه کبیر

به یزدان که گر ما خرد داشتیم کجا این سرانجام بد داشتیم

خلخانی می‌گوید:

«... ما به دفتر امام رفتیم و طبق معمول از هر دری سخن بهمیان آمد و گفته شد: زمان آن فرارسیده است که مقبره پهلوی خراب شود. این ایام مصادف بود با ورود مجدد شاه به مصر. سادات با پناه دادن به شاه، می‌خواست او را در بازگشت به ایران کمک کند، ولی ما می‌خواستیم به او و یاران او نشان دهیم که دیگر در ایران، هیچگونه ریشه و پایه و خانه‌ای ندارند. یکی از انگیزه‌های ما در خراب کردن مقبره پهلوی همین بود و نیز می‌خواستیم طرفداران او در ایران که همچون ستون پنجم عمل می‌کردند، به‌کلی مایوس شوند. ما آن روز به سپاه رفتیم و ... سرپرست سپاه، امکانات لازم را در اختیار ما گذاشت. ما حدود دویست نفر با هم جمع شدیم و با بیل و کلنگ، به‌طرف حضرت عبدالعظیم به راه افتادیم.

من در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم، سخنرانی پرشوری ایراد کردم و گفتم: دوره قرار گرفتن بناهای زشت و زیبا در کنار هم، پس از انقلاب اسلامی ایران، دیگر به‌پایان رسیده و مردم مسلمان ایران نمی‌توانند در کنار مزار شهیدان به‌خون خفته و چهره‌های درخشان تاریخ اسلام، مانند حضرت عبدالعظیم، مقبره جنایتکارانی مانند رضاخان، ناصرالدین شاه قاجار، حسنعلی منصور و دودمان پهلوی را تحمل نمایند. باید به هر وسیله‌ای که شده، مقبره‌های سردمداران کفر و الحاد تخریب شود!

مردم لحظه‌به‌لحظه تکبیر می‌گفتند و ابراز شادی می‌کردند! من حدود سه ربع ساعت برای مردم صحبت کردم و صحن حرم مملو از جمعیت شد.

با صدور فرمان حرکت به سوی مقبره پهلوی، مردم بسیج شدند؛ آنها در همان دقایق اولیه خیلی تلاش کردند، ولی در عمل مشاهده شد که مقبره به‌قدری محکم ساخته شده که هیچ بیل و کلنگی به آن کارگر نیست! البته، مواد منفجره و سایر لوازم را هم تهیه کرده بودیم. از طرف سازمان رادیو و تلویزیون هم آمده بودند تا فیلمبرداری کنند.

کمی بعد، جناب آقای حاج احمد آقا خمینی، برای دیدن مقبره و در واقع، برای تقویت روحیه اینجانب به آنجا آمد و افراد مستقر در آن محل را تشویق کرد و با این عمل خود فهماند که امام با تخریب مقبره، مخالفتی ندارد و این امر، بی‌اندازه موجب تقویت ما شد. تخریب قبر رضا شاه بیست روز طول کشید. هر روز، مهندسين و کارشناسان درجه یک، به‌عنوان متخصص تخریب از کارخانه سیمان ری می‌آمدند و چه بگویم، متجاوز از بیست روز طول کشید تا آن دکور شیطانی فروریخت و به‌طور کامل تخریب شد.

پس از تخریب، صدای هلهله و شادی از مردم بلند شد و شور و شغف به‌قدری بود که غیر قابل وصف است.»



آیا نام آرامگاه «باباپیر» را شنیده‌اید؟

نفرین به کسی که کورکورانه چیزی را قبول کند!

اخیرا از صدا و سیمای جمهوری اسلامی و شبکه «افق»، مستندی تاریخی/جغرافیایی از منطقه «نهایند» پخش شد؛ مستندی با اطلاعات غیرملی و غیر میهنی!

تلخ‌ترین بخش از این مستند آنجایی است که به‌تپه تاریخی نهایند اختصاص دارد، تپه‌ای که در سال ۲۱ هجری، جنگ بین لشکر متجاوز اعراب و سپاه ساسانی در آنجا روی داد. «جنگ نهایند»، دومین جنگ بزرگ اعراب و ایرانیان پس از «جنگ قادسیه» بود. اعراب، پیروزی در این جنگ را «فتح الفتوح» می‌نامند، چرا که پس از آن تمام شهرهای ایران زیر ستم اسبان تازیان، لگدمال گردید.

از این زمان بود که در هر شهر، گردن مردان و سربازان ایرانی به زیر تیغ رفت، دختران ایرانی اسیر و در بازار برده‌فروشان به فروش رسیدند، به پسران نوجوان تجاوز شد و زن‌های شوهردار از دامان خانواده دزدیده شده و میان سران عرب، تقسیم گردیدند!؟

در جنگ نهایند، بسیاری از سرداران و سربازان دلیر ایرانی کشته شدند و امروز از آرامگاه هیچیک از این شهیدان مدافع وطن، نشانی در دست نیست.

اما طی رویدادی عجیب، مقبره یکی از فرماندهان عرب به‌نام «نعمان بن مقرن» که توسط «پیروزان» سردار رشید ایرانی به درک واصل گردید و در پنج کیلومتری شمال‌غربی شهر دفن شده است، امروزه با عنوان «آرامگاه باباپیر» به‌زیارتگاه هموطنان ناآگاه، تبدیل شده است!؟

عجیب‌تر آن‌که در گوشه‌ای از همین مستند فوق‌الذکر، از مقبره نعمان گزارشی تهیه شده و فرماندهی فاتح نهایند؛ با عنوان دلاور اسلام، ستوده شده است! راوی مستند، با هیجانی توأم با افتخار می‌گوید:

«اینجا محلی است که سپاهیان سردرگم ساسانی، شکست خوردند و سپاه مسلمین، به «فتح الفتوح» دست یافت!؟» در هیچ‌کجای دنیا، ملتی را نخواهید یافت که چنین ناآگاهانه، متجاوزین و قاتلان سرزمین خود را تقدیس کند.

آیا ما مشغول یک خودزنی ملی/فرهنگی هستیم؟ یا این وقایع، به دلیل فقدان شعور و خرد به وقوع می‌پیوندد؟

گفتند در انتخاب نوع حکومت، عاقلانه نیست که نسل‌های بعدی پاسوز رأی و اراده‌ی نسل‌های قبلی شوند؛ این هم دروغ از آب درآمد!

گفتند «شد جمهوری اسلامی به پا، که هم دین دهد هم دنیا به ما»؛ این هم دروغ از آب درآمد!

گفتند آموزش و پرورش باید رایگان باشد؛ این هم دروغ از آب درآمد!

گفتند ما عوض قبرستان‌ها، شهرها را آباد می‌کنیم؛ این هم دروغ از آب درآمد!

گفتند ما برخلاف امثال هویدا، در بطن مردم و در متن جامعه زندگی می‌کنیم؛ این هم دروغ از آب درآمد!

گفتند ما اصول‌گراهای امام صادقی قادریم حتی با وجود تحریم، معیشت ملت را سر و سامان دهیم؛ این هم دروغ از آب درآمد!

گفتند گشت ارشاد مسئولین راه می‌اندازیم؛ این هم دروغ از آب درآمد!

گفتند ارزش پول ملی را متناسب با لیاقت ایرانی‌ها بالا می‌بریم؛ این هم دروغ از آب درآمد!

گفتند فاصله‌ی فقیر و غنی را کم می‌کنیم؛ این هم دروغ از آب درآمد!

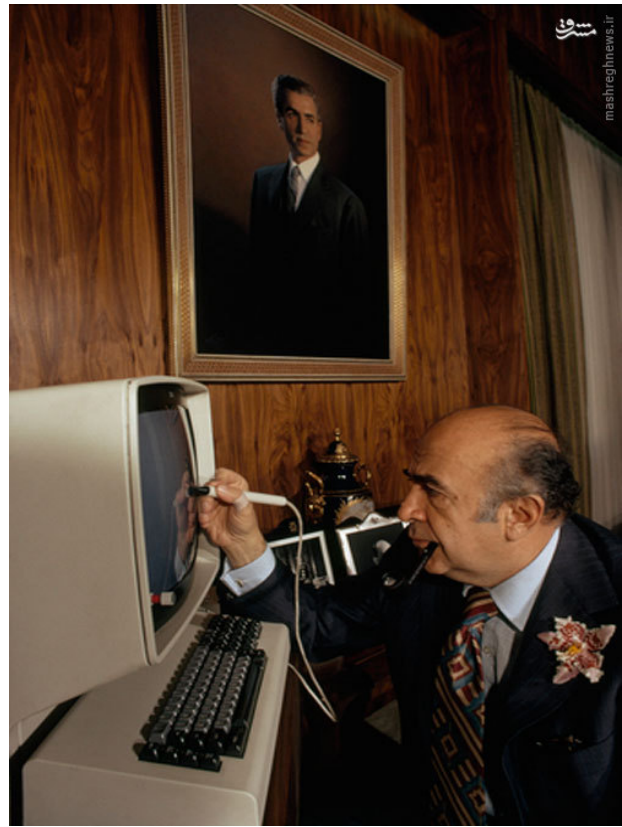
گفتند بوی گل سوسن و یاسمن آمد؛ این هم دروغ از آب درآمد!

احمد خاتمی سوسن است، یا احمد علم‌الهدی یاسمن؟
من نمی‌دانم هویدا را دقیقاً به‌خاطر کدامین «ذنب لایغفر» اعدام کردید؟

اما خوب می‌دانم همه‌ی آنچه به آن مرحوم نسبت دادید، صدبرابرش را خودتان مرتکب شدید!

شما خودتان را فرشته خواندید، ولی به‌گواهی حال و روز امروز کشور، روی هر دیوی را سفید کرده‌اید.

آیا دروغ می‌گوییم دروغ‌گوها؟!



دروغ‌گو دشمن خدا است...؟!

یادداشتی از حسین قدیانی.....

قریب نیم‌قرن از تأسیس نظام عاری از جمهوری و خالی از اسلامی می‌گذرد و آخرش هم هیچ‌کدام از این حضرات مروش، قتل امیرعباس هویدا را به‌گردن نگرقتند و به‌گلوله‌باران کسی که مظهر فساد می‌خوانندش، افتخار که بماند... حتی اعتراف هم نکردند!؟

گفتند ناظر بر اختیار یک دین جعلی، هویدا نه اعتقادی به خدا داشت و نه عقیده‌ای به رسول خدا! بعد معلوم شد که دروغ می‌گفتند!

گفتند به استناد عدم شفافیت مالی، ثروت هویدا سر به آسمان می‌سایید؛ بعد معلوم شد که دروغ می‌گفتند!

گفتند قیر هویدا در اسرائیل است؛ بعد معلوم شد که دروغ می‌گفتند!

گفتند این‌که در عصر نخست‌وزیری هویدا، کشور به حیث اقتصادی از یک ثبات آرامش‌بخش برخوردار بود، اصلاً چیز مهمی نبود؛ بعد معلوم شد که دروغ می‌گفتند!

گفتند توازن قیمت میان دلار و ریال در عصر هویدا خیلی هم حالا هنر نبود؛ بعد معلوم شد که دروغ می‌گفتند!

گفتند هویدا آلوده به‌زندگی در کاخ و حریص در جمع‌آوری انواع مال و اقسام منال بود؛ بعد معلوم شد که دروغ می‌گفتند.

مع‌الاسف آقایان هنوز هم دارند دروغ می‌گویند و عجیب آن‌که با وجود این همه دروغ همه‌ی شهر را با این بیز پر کرده‌اند که «در دروغ‌گویان خیری نهفته نیست.»





فیروز نادری،

نامی که «میلیاردها سال» دور خورشید خواهد چرخید

فیروز نادری، دانشمند ایرانی-آمریکایی و از مدیران پیشین ناسا، روز جمعه ۱۹ خرداد در بیمارستانی در آمریکا درگذشت. وی در سال ۱۳۲۵ در شهر شیراز به دنیا آمد و تحصیلات متوسطه خود را نیز در ایران به اتمام رساند. او پس از مهاجرت به آمریکا، تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسی برق پی گرفت و پس از دریافت دکترای خود در سال ۱۹۷۶ از دانشگاه کالیفرنیا جنوبی، به ایران بازگشت و مدتی در مرکز سنجش از دور ایران فعالیت کرد. اما عمده اهمیت کارنامه حرفه‌ای فیروز نادری مربوط به دورانی است که وی در ناسا (آمریکا) فعالیت داشت. دکتر نادری در مدت ۳۶ سال کار در سازمان ملی هوانوردی و فضایی آمریکا، مشاغل فنی و مدیریتی متعددی را در زمینه ماهواره‌های مخابراتی متحرک، رادارهای سنجش از دور، رصدخانه‌های تحقیقاتی اختر فیزیک، اکتشاف مریخ و سایر اجرام منظومه شمسی بر عهده داشت. او همچنین مدتی معاون مدیر بخش‌های مختلف آزمایشگاه پیش‌رانش جت ناسا بود و از سال ۲۰۰۰ مدیریت برنامه مریخ را در دست گرفت که تحقیقات مربوط به مریخ را هدایت و برنامه‌ریزی می‌کند.

دکتر نادری درباره تلاش‌های ناسا درباره مریخ گفته بود: «قرار است این تلاش‌ها به این پرسش پاسخ دهند که آیا مریخ هیچ وقت در چهار و نیم میلیارد سال سابقه‌اش شاهد حیات بوده و یا آمادگی داشتن حیات را داشته است یا خیر؛ و اگر داشته، آیا زندگی و حیات روی آن جریان داشته است؟» او افزود: «روشی که ما توانستیم با آن لایه‌های زمین را بررسی کرده و بفهمیم، با کمک امواج زمین‌لرزه بوده است. قدم بعدی اینست بتوانیم امواج زلزله در مریخ را هم بررسی و بتوانیم درک بهتری از لایه‌های مریخ به‌دست آوریم.»

از کار درباره مریخ تا نامگذاری سیارک «نادری»

زمانی که دکتر نادری مدیریت برنامه مریخ ناسا را برعهده گرفت، ناسا در مریخ دو بار شکست خورده بود و دو سفینه‌اشان موفق نبودند، اما حضور دکتر نادری موجب شد که در سال ۲۰۰۴ دو خودرو ناسا با موفقیت در مریخ فرود آیند. شایان ذکر است که «مدیریت کل اکتشافات منظومه شمسی ناسا» مهم‌ترین مقامی بود که او در این سازمان به دست آورد. وی در این مقام، در تلاش‌های «ناسا» برای ارسال روبات‌های مختلف به چهارگوشه منظومه شمسی برای بررسی کره‌ها و ماه‌های مختلف مشارکت داشت؛ از جمله سفینه‌ای که برای بررسی سیاره‌های کیوان و مشتری در نظر گرفته شده بود. دکتر نادری سرانجام در زمستان سال ۱۳۹۵ بازنشسته شد و همزمان با آغاز بازنشستگی، «ناسا» پیشنهاد داد که سیارک ۵۵۱۵ با نام ELI ۱۹۸۹ به اسم «نادری» نامگذاری شود و کمیته نامگذاری اجرام کوچک سماوی این سازمان نیز بعد از بررسی، موافقت خود را اعلام کرد.

پس از این نامگذاری، دکتر نادری در فروردین ۱۳۹۵، در پیامی نوشت: «پس از من این سیارک تا میلیاردها سال دور خورشید خواهد گشت.»

سیارک «نادری» با قطر ده کیلومتر هر ۴/۴ سال یکبار به‌دور خورشید می‌گردد. این سیارک هر پنج ساعت و ۲۰ دقیقه یک بار نیز به دور خودش در گردش است و در کمربند بین مریخ و مشتری در حرکت می‌باشد.

دکتر فیروز نادری در همان زمان آغاز بازنشستگی خود گفته بود که دوست دارد از این به بعد به جوانان کمک کند: «اصولاً من کمک به جوان‌هایی را دوست دارم که ایده‌های تازه‌ای داشته و می‌خواهند عرضه کنند و دقیقاً نمی‌دانند چه مسیری را پیش بروند.»





سرنوشت اعضای تیم اکروجت تاج طلایی ایران

- ۱- عبدالحسین مینوسپهر بهدرجه سرلشگری رسید و اولین فرمانده پایگاه هشتم شکاری اصفهان (خاتمی) شد و بکارگیری هواپیمای اف-۱۴ را بهسرانجام رساند. او بعد از شورش ۵۷ به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرد.
- ۲- امیربهمن باقری بهدرجه سرلشگری رسید. وی در تابستان ۱۳۵۸ بهفرماندهی نیروی هوایی منصوب و بهآشفنگی در این نیرو پایان داد، ولی بعد از واقعه طیس برکنار و بهریاست سازمان هواپیمایی کشوری رسید و بعد از ۲ ماه بازداشت شد و بینایی خود را در زندان از دست داد. او در سال ۱۳۸۹ در آمریکا درگذشت.
- ۳- آیت محقق به درجه سرتیپی رسید و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ فرمانده پایگاه یکم شکاری مهرآباد بود. بعد از پاکسازی از نیروی هوایی در ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹ فرمانده فاز هوایی کودتای «نقاب» یا نوزده بود که بازداشت و ده روز بعد در ۲۸ تیرماه ۱۳۵۹ توسط آخوندها به شهادت رسید.
- ۴- فریبرز پایور. این خلبان تیم تاج طلایی در سال ۱۳۴۶ و در سن ۳۶ سالگی در یک سانحه هواپیمایی بهشهادت رسید.
- ۵- تیمسار ارتشید امیرمحمد خاتمی، فرمانده نیروی هوایی شاهنشاهی که با کاپیت سقوط کرد و بهشهادت رسید.
- ۶- جاویدنام تیمسار سیهبد نادر جهانبانی، در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ معاون فرمانده نیروی هوایی شاهنشاهی بود، وی در محل کار بازداشت و بعد از یک محاکمه نمایی در ۲۲ اسفندماه ۱۳۵۷ توسط صادق خلخالی در تهران بهشهادت رسید و در این شهر به خاک سپرده شد.
- ۷- نادر یوسفی بهدرجه سرتیپی و جانشینی معاونت عملیات نیروی هوایی شاهنشاهی رسید و پس از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بهایالات متحده مهاجرت کرد.
- ۸- اصغر ایمانیان بهدرجه سرتیپی رسید و در ۲۲ بهمن فرمانده پایگاه دوم شکاری تبریز بود. وی از ۸ اسفند ۵۷ تا ۲۱ مرداد ۵۸ فرمانده نیروی هوایی شد؛ سپس استعفاء و بازنشسته شد! او در ایران ماند و در فروردین ۱۳۹۴ در تهران درگذشت و با تشریفات نظامی بهخاک سپرده شد.

بلندآسمان جایگاه اوست

متن دفاعیه جاویدنام تیمسار سیهبد خلبان نادر جهانبانی آنچه که شما مطرح کردید آنقدر مسخره و احمقانه است که من لزومی بهپاسخگویی نمی‌بینم، اما همراه با اتهام زدن‌ها، شما چند دروغ بزرگ گفتید که نشان میدهد حکم شما علیه من قبلاً صادر شده و همچنین حکایتگر این حقیقت است که شما نه تنها مسلمان نیستید، بلکه عده‌ای بی‌وطن، بی‌دین و مزدورید که بهدستور اربابان اتان فقط و فقط قصد ویرانی کشور و ارتش سرزمین مرا دارید!

پدر من جاسوس روس نبوده، بلکه افسری ایرانی بود که در روسیه درس خواند و من هم هرگز عامل هیچ کشور خارجی نبوده‌ام، بلکه در سالهایی که شما برای لقمه‌ای نان مزدوری، سر حسین را از این منبر به آن منبر می‌کشاندید، من در آمریکا به‌عنوان بهترین و با استعدادترین خلبان ایرانی، بر اوج آسمانها و ابرها پرواز میکردم؛ حال شما چگونه بهخود اجازه میدهید که به من تهمت خیانت بزنید؟

شما از خودتان خجالت نمی‌کشید؟ شما از مردم شرم نمی‌کنید؟ شما از هزاران جوان ایرانی که من در راه فراهم کردن وسایل ورزشی و ایجاد امکانات جهت تربیت روح و جسم آنها در ماههای گذشته کوشیده‌ام، آرم نمی‌کنید؟

شما جمعی غارتگر، خونخوار و دور از هر نوع صفت انسانی هستید! آیا کسان دیگری را می‌شناسید که چون شما بر هر آنچه سرمایه ملی و ایرانی است تیغ بکشند؟

آقایان من ۵۱ سال با افتخار زندگی کرده و قرارگاه آسمانها بوده است؛ من پاسخی به یاهوگوییهای شما ندارم! به دستوری که اربابانتان داده‌اند عمل کنید، اما مطمئن باشید که مردم ایران خیلی زود از خواب غفلت بیدار میشوند و این تبی که شما با دروغ و تزویر در جان و روح آنها رخنه کرده‌اید، بسیار سریعتر از آنچه فکر کنید فرو خواهد نشست!

آنگاه شما هستید و خشم ملتی که تار و پودتان را به‌آتش می‌کشد. من هیچوقت بر ضد میهنم کاری نکرده‌ام؛ بهر حال دیگر مهم نیست و من آماده‌ی اعدام فرمایشی شما هستم!؟



تیمسار سیهبد نادر جهانبانی



عالیجناب دکتر عباسعلی خلعتبری

سالها پیش وزیر امور خارجه‌ای داشتیم به‌نام «عباسعلی خلعتبری»؛ وی دارای دکترای حقوق بین‌الملل از دانشگاه پاریس بود و در سال 1321 به‌استخدام وزارت امور خارجه ایران درآمد و پس از 30 سال وزیر امور خارجه ایران شد. در ایران شورش شد، ولی وی در ایران ماند. به‌خانه‌اش ریختند، متهم و دستگیرش کردند؛ جرم او امضای قرارداد 1975 الجزایر (یکی از ارزشمندترین قراردادهای تاریخ ایران) و قرارداد احداث نیروگاه اتمی بوشهر اعلام شد. استدلال این بود، ایران با داشتن منابع نفت و گاز نیازی به‌نیروگاه اتمی ندارد و این عمل مصداق تضییع بیت‌المال بوده است! سرانجام در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۵۸ دادگاه انقلاب! به ریاست خلخال برپا شد، خلعتبری مفسد الارض شناخته و در همان روز به همراه ۱۱ نفر از مقامات سابق در زندان قصر اعدام شد.

پس از اعدام با خانواده وی بدرفتاری‌ها شد. هرچه خلعتبری، همسر و فرزندانش داشتند مصادره شد. همسرش سالها با زحمت فراوان در تهران زندگی را می‌گذرانید تا بالاخره توانست اثبات کند که بخشی از اموال مصادره شده ارثی بوده است و به همین دلیل یک خانه‌ی کوچک به او دادند! گذشت و گذشت، جسد عباسعلی خلعتبری زیر خروارها خاک پوسید ... جنگ شد، رسیدیم به قرارداد 598 با عراق، یکی از درخواست‌های دولت ایران عمل به مفاد قرارداد 1975 بود، اما خلعتبری خائن بود!!

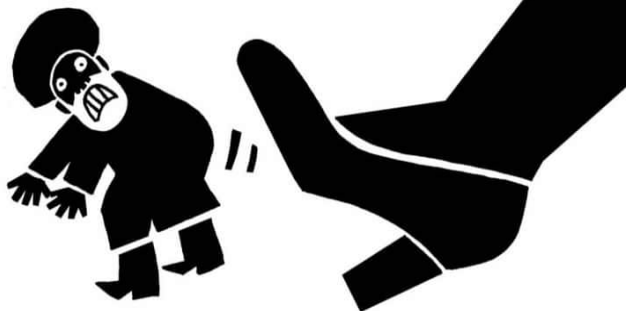
انرژی اتمی شد حق مسلم ما، قراردادهای امضا کردیم، ولی باز هم خلعتبری داستان ما خائن بود!!

خاندان پهلوی دبستان ساخت، دبیرستان ساخت، دانشگاه ساخت، دادگستری ساخت، راه آهن ساخت، جاده‌ها را ساخت، پل‌ها را ساخت، مرزها را مشخص کرد، امنیت را آغاز کرد، کشور در حال تجزیه را یک پارچه کرد، نفت را ملی کرد، بهترین پالایشگاه جهان را ساخت، بیمه را ایجاد کرد، دزدهای گردنه را نابود کرد، شهربانی ایجاد کرد، امریکا را تحریم نفتی کرد، انگلیس را از خلیج فارس بیرون کرد، جزایر تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی را از انگلیس، پیش از حمله‌ی عربها گرفت، 104 بار با عراق جنگ کرد و بدلیل نیرومندی ارتش ایران مردم ایران حتی نمی‌دانستند با عراق می‌جنگند.

از ائتلاف امریکا و شوروی به نفع ایران سود برد و موتور صنعت ایران را راه انداخت، سرمایه‌های اتحادیه‌های ورشو و ناتو را جذب ایران کرد، ماشین سازی اراک و تبریز را ساخت و از غرب و امریکا نفت و گاز و خودرو، تکنولوژی را وارد کرد، حق رای به زنها داد، زنان را از آشپزخانه‌ها در آورد و مدیر، وزیر و نماینده از آنها ساخت، آموزش را رایگان ساخت و همگانی، ورزش ایران را در جهان مطرح کرد، پول ایران را به جمع 10 ارز جهانی برد، یعنی اگر ژاپن با استرالیا میخواست تجارت کند، می‌توانستند با ریال ایران این کار را انجام دهند، در تهران بازی‌های آسیایی برگزار کرد، در سازمان ملل ایران داری اتاق ایران شد، اوپک را ایجاد کرد تا نفت را به جهان گران‌تر بفروشد، همیشه رییس اوپک بود، مدارس تغذیه رایگان داشتند، آزادی پوشش بود، فروشگاه‌ها شبانه روزی باز بودند، بسیاری از خارجی‌ها در دانشگاه‌های ایران درس می‌خواندند، آزادی دین وجود داشت، روحانیان احترام داشتند، سرکردگان کشورهای پیشرفته‌ی آن‌روز حتی برای گذراندن تعطیلات به ایران می‌آمدند، و...

تخمین زده شده که 93% از مردم این متن را برای دیگران ارسال نخواهند کرد، زیرا آنها تنها به‌خود می‌اندیشند، ولی اگر شما جزء آن 7% باقی مانده هستید، کپی و به اشتراک بگذارید.

زن، زندگی، آزادی



معمولا همگان برای درست کردن چای همان آب موجود در کتری را چندبار جوش می‌آورند، اما این کار خطرناک و برای سلامتی شما بسیار مضر است. در صورتیکه هر بار به آب جوشانده شده آب تازه اضافه کنید می‌توانید آن را دوباره بجوشانید و خطری برای شما ندارد. اما اگر آب تازه اضافه نکنید، جوشاندن دوباره آب باعث غلظت مواد معدنی و نمک در آن می‌شود و این می‌تواند به کلیه‌ها آسیب برساند و باعث سنگ کلیه شود.

فواید نوشیدن آب گرم، مخصوصاً با معده‌ی خالی

ای کاش بتوانیم این مقاله را به دست همه‌ی انسانها برسانیم متخصصین قلب می‌گویند: کسیکه این متن بدست‌اش میرسد به‌دست کسانی که می‌شناسد برساند، باعث نجات زندگی او شده است! درمان با آب گرم (در حدی که دهان را نسوزاند) اتحاد بیماریهای ژاپنی آخرین تجربه درمان با آب گرم که نتایج صد درصد برای بیماریهای زیر را دارد منتشر کرد: سردرد شدید، فشار خون، کم خونی، درد مفاصل، فلج، ضربان شدید یا تند قلب، صرع، چربی، سرفه، التهاب حلق، آسم، سل، التهاب شرایین، هر مرضی که به مجاری ادرار مربوط میشود، زیادی ترشح اسید و التهاب معده، کم اشتها، و هر مرضی که به چشم، گوش و حنجره مربوط میشود.

طریقه درمان با آبی که بجوش آمده

هر روز صبح که از خواب بیدار می‌شوید، یک لیوان آب گرم با معده خالی بنوشید. آب باید گرم باشد ولی نه آنقدر که دهان را بسوزاند و تا 45 دقیقه بعد هیچگونه غذایی نخورید و پس از هر وعده غذا تا 2 ساعت آب ننوشید بعضی از افراد یا مریضها در اوایل برای نوشیدن دو لیوان آب در یک زمان مشکل دارند، آنها میتوانند کمتر آب بنوشند و یواش یواش به 2 لیوان برسانید.



بهداشت و سلامتی

کشف آنتی‌بیوتیک جدید با کمک هوش مصنوعی

دانشمندان با استفاده از هوش مصنوعی (AI) آنتی‌بیوتیکی جدید کشف کرده‌اند که می‌تواند گونه‌کشنده ابرمیکروب را از بین ببرد. هوش مصنوعی با کاهش هزاران ماده شیمیایی بالقوه به تعدادی انگشت‌شمار امکان آزمایش آن‌ها را در آزمایشگاه فراهم کرد. نتیجه این آزمایش، تولید یک آنتی‌بیوتیک آزمایشی و قوی به نام «آبوسین» بود که قبل از استفاده همگانی از آن به آزمایشات بیشتری نیاز دارد. محققان در کانادا و آمریکا می‌گویند هوش مصنوعی این قدرت را دارد که به کشف داروهای جدید به‌طور گسترده‌ای سرعت ببخشد. این تازه‌ترین نمونه از آزمایشاتی است که نشان می‌دهد چگونه «هوش مصنوعی» می‌تواند انقلابی در علم پزشکی ایجاد کند.

با خوردن روزانه یک آووکادو «تنت به ناز طیبیان نیاز مباد»

روزنامه بریتانیایی «دیلی میل» به نقل از تارنمای ژورنال غذایی آورده است که جدید ضرب‌المثل معروف «روزی یک سیب شما را از پزشک دور می‌کند»، اکنون در مورد آووکادو می‌تواند به‌کار رود، زیرا تیمی از دانشمندان آمریکایی اعلام کردند خوردن روزانه آووکادو می‌تواند به‌حفظ میکروب‌های مفید روده و تجزیه الیاف و کاهش اسیدهای ناسالم کمک کند. تیمی از دانشمندان دانشگاه «ابلینوی» گفتند که آووکادو، کالری زیادی دارد، اما میزان توصیه شده روزانه الیاف و مواد مغذی مانند پتاسیم را برای بدن تأمین می‌کند.

۲ بار جوشاندن آب برای چای و قهوه خطرناک است!

یک کارشناس بریتانیایی نسبت به ۲ بار جوشاندن آب برای درست کردن چای یا قهوه هشدار داد. ویلیام گورمن، کارشناس انجمن چای و نوشیدنی‌های بریتانیا گفت جوشاندن آب بیش از یکبار برای سلامتی انسان خطرناک است؛ این کار باعث کاهش اکسیژن و نیتروژن در آب می‌شود.

قانون سلامتی



- ۱) نمک کمتر، سرکه بیشتر
- ۲) غذا کمتر، جویدن بیشتر
- ۳) نگرانی کمتر، خواب بیشتر
- ۴) عصیانیت کمتر، خنده بیشتر
- ۵) گوشت کمتر، سبزیجات بیشتر
- ۶) رانندگی کمتر، پیاده روی بیشتر

اثر شگفت‌انگیز مصرف حبوبات بر روی ماهیچه‌ها

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد افرادی که از حبوبات، تخم مرغ و گوشت سفید به مقدار مناسب استفاده می‌کنند، کمتر به تحلیل ماهیچه‌ها دچار می‌شوند.

کاهش حجم عضلات با افزایش سن، سبب بروز بیماری به نام «سارکوپنی» یا تحلیل ماهیچه‌ها می‌شود که بر اثر آن توده عضلانی تحلیل رفته و عملکرد عضلات تغییر می‌یابد.

لیلا آزدبخت درباره این بیماری توضیح داد:

«این اختلال نه تنها باعث از دست دادن عضلات می‌شود، افراد

مسن را مستعد زمین خوردن و شکستگی می‌کند.»

او گفت: هرچند با افزایش سن به صورت فیزیولوژیک این بیماری رخ می‌دهد، اما دریافت مناسب پروتئین‌ها در حفظ توده‌های ماهیچه‌ای نقش مؤثری داشته و می‌تواند از شدت بیماری بکاهد.

متخصص تغذیه و رژیم درمانی ادامه داد: مطالعات نشان می‌دهند که استفاده از ریزمغذی‌ها مانند منیزیم، کلسیم و پروتئین برای حفظ ماهیچه بسیار حائز اهمیت است.

استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران بیان داشت:

«استفاده از غلات سبوس‌دار و منابع مناسب پروتئین‌ها مانند تخم مرغ می‌تواند در سلامت ماهیچه افراد نقش بسیار مهمی ایفا کند.»

او به ارتباط چربی‌های غذایی مصرفی با عوامل خطر بیماری‌های مزمن اشاره کرد و گفت: در رژیم غذایی باید استفاده از اسیدهای چرب امگا ۳، روغن‌هایی مانند زیتون، کنجد و کانولا و همچنین استفاده از ماهیان در نظر گرفته شود تا سلامت افراد تضمین شود.

آزادبخت ادامه داد:

منابع گیاهی اسیدهای چرب امگا ۳ مانند گردو می‌تواند در سلامت مردان و زنان نقش مهمی داشته باشد و آنان باید مصرف اینگونه مواد غذایی را در برنامه‌های غذایی خود قرار دهند.

او استفاده از کلسیم را بسیار ضروری دانست و گفت:

«توجه به کلسیم خیلی حائز اهمیت است و با مصرف مناسب انواع لبنیات از جمله شیر در طول روز می‌توان کلسیم مورد نیاز بدن را تأمین کرد.»



کدام خوراکی‌ها را نباید با معده خالی خورد؟

حتی اگر غذاهای سالم انتخاب شما باشند، مصرف آنها در زمان اشتباه و بخصوص با معده خالی، می‌تواند در دسرهای جدی برای دستگاه گوارش ایجاد کند.

به گزارش «Focus Online»، متخصصان تغذیه تأکید می‌کنند صبح‌ها و در صورت ناشتا بودن، هرگز سراغ انواع ماست نروید.

اسید لاکتیک موجود در ماست باعث تقویت فلور روده و افزایش باکتریهای مفید دستگاه گوارش می‌شود، اما یک مشکل اساسی برای مصرف این ماده غذایی با معده خالی وجود دارد؛ معده در این زمان سرشار از اسید است و می‌تواند باکتریهای مفید موجود در ماست را از بین ببرد.

قبل از مصرف ماست، کمی آجیل یا جوی دو سر میل کنید. در میان میوه‌ها، موز و بخصوص نوع رسیده آن بالاترین میزان کالری را دارد. ۲۵ درصد موز را قند تشکیل می‌دهد و مصرف این حجم از قند با معده خالی، بلافاصله سطح انسولین را بالا خواهد برد.

همچنین مصرف موز هنگام ناشتا بودن، سطح منیزیم خون را به شدت بالا می‌برد و بر بدن (بخصوص سلامت قلب) تأثیر منفی می‌گذارد.

اما لیمو، پرتقال و گریپ فروت اگرچه سرشار از ویتامین C هستند، اما نباید هنگامی که ناشتا هستید، سراغ آنها بروید. اسید موجود در مرکبات سبب تحریک و آسیب به غشاهای مخاطی معده می‌شود. اگر معده حساسی دارید و سوزش شبانه سر دل را احساس می‌کنید، صبح‌ها سراغ این میوه‌ها نروید.

مصرف خیار و گوجه‌فرنگی به همراه پنیر، اگرچه سالم به نظر می‌آیند، ولی سبزیجات خام زمان زیادی برای هضم و جذب در دستگاه گوارش لازم دارند. اگر معده شما خالی باشد، این سبزیجات باعث سوزش سر دل، نفخ شکم و حتی معده درد می‌شوند.

انواع شیرینی‌های حاوی شکر را به‌عنوان اولین وعده غذایی انتخاب نکنید. شکر موجود در شیرینی‌ها به سرعت قند خونتان را افزایش می‌دهند. در این زمان اگرچه به سرعت احساس سیری می‌کنید، ولی به همان سرعت، قند خون اُفت کرده و علاوه بر احساس خستگی، دوباره گرسنه می‌شوید.



مصرف آتے بیوتیک در ایران برابر با کل مصرف اروپاست.

نتایج آب درمانی برای امراض زیر در مدت معین زیر ثابت شده است:

- * - قند ۳۰ روز
- * - فشار خون ۳۰ روز
- * - مشکلات معده ۱۰ روز
- * - انواع سرطان ۹ ماه
- * - سل و التهاب شرايين ۶ ماه
- * - کم غذایی ۱۰ روز
- * - مشکلات مجاری ادرار ۱۰ روز
- * - مشکلات بینی و گوش و حنجره ۲۰ روز
- * - مشکلات قلب و انواع آن ۳۰ روز
- * - سردرد شدید ۳ روز
- * - کم خونی ۳۰ روز
- * - چربی ۴ ماه
- * - صرع و فلج ۹ ماه
- * - مشکلات دستگاه تنفسی ۴ ماه

مضرات نوشیدن آب یخ

آب یخ باعث چسبیدن چربی به‌دور عروق قلب شده و عامل انسداد ۴ رگ اصلی قلب و سکنه یا ایست قلبی میشود. شاید شنیده باشید افراد جوانیکه ایست قلبی میکنند و از دنیا میروند، علت اصلی این اتفاق، نوشیدن آب یخ می‌باشد. آب یخ اولین و بزرگترین علت سیروز کبد و نابودی آن است، چون آب یخ باعث چسبیدن چربی به‌دور جداره کبد میشود. متأسفانه بیش از ۹۰ درصد کسانی که در انتظار پیوند کبد هستند، به نوشیدن آب یخ و یا بسیار خنک عادت داشتند. بطور کلی، نوشیدن آب یخ باعث از کار افتادن لوزالمعده و بیماری دیابت می‌گردد. همچنین آب یخ باعث از بین رفتن «آج»‌های روده و معده شده و موجب سرطان دستگاه گوارش می‌گردد. ابوعلی سینا در اینمورد می‌گوید: «اگر آب یخ شما را در جوانی بیمار نکند، در میان‌سالی شما را سخت بیمار خواهد کرد.»



مضرات نوشیدن آب یخ!

فواید نوشیدن آب گرم، مخصوصاً با معده‌ی خالی!

دکتر حسن نوری

اگر کسانی که این مقاله را می‌خوانند، محتوی آنرا به‌آگاهی دیگران برسانند، باعث سلامتی و نجات زندگی آنها می‌شوند.

درمان با آب گرم (در حدی که دهان را نسوزاند)

اتحاد بیماریهای ژاپنی آخرین تجربه درمان با آب گرم که نتایج صد درصد برای بیماریهای زیر را دارد منتشر کرد:

- سردرد شدید،
- فشار خون،
- کم خونی،
- درد مفاصل،
- فلج،
- ضربان شدید یا تند قلب،
- صرع،
- چربی،
- سرفه،
- التهاب حلق،
- آسم،
- سل،
- التهاب شرايين،

هر مرضی که به مجاری ادرار مربوط میشود،
زیادی ترشح اسید و التهاب معده،
کم اشتها،
و هر مرضی که به چشم، گوش و حنجره مربوط میشود.

طریقه درمان با آبی که به جوش آمده است

هر روز صبح که از خواب بیدار می‌شوید، یک لیوان آب گرم با معده خالی بنوشید و تا ۴۵ دقیقه بعد هیچگونه خوراکی نخورید.

شایان ذکر است پس از هر وعده خوراک، تا ۲ ساعت آب ننوشید. بعضی از افراد یا مریض‌ها در اوایل برای نوشیدن یک لیوان در یک زمان مشکل دارند؛ آنها میتوانند کمتر آب بنوشند و یواش یواش به ۲ لیوان برسد.



توصیه‌های پزشکی، برای سلامتی

دکتر رحیم پورعابد، پزشک ایرانی، از دانشگاه هاروارد توصیه میکند:

* هرگز چهار زانو و دو زانو نه‌نشینید! نشستن چهار زانو یا دو زانو باعث ایجاد زانو درد، کمر درد، افزایش فشارخون، دردهای عصبی و فشار شدید بر وریدهای واریسی بدن میشود.

* بین مغزها، گردو تنها مغزی است که مصرف آن معادل با مصرف ماهی برای دریافت اسیدهای چرب امگا ۳ است. تقریباً هر دو یا سه گردوی درسته، به اندازه حدود ۲۰۰ گرم گوشت ماهی، امگا ۳ دارد!

* سماق یکی از ۱۰ آنتی‌اکسیدان برتر گیاهی است که تا ۳ برابر خرما اثر ضدسرطانی دارد. سماق خواص ضد میکروبی بسیار قوی دارد و به همین دلیل باید با گوشت خورده شود.

* خیار بخورید، چون میزان آب موجود در خیار، حدود ۹۶ درصد است و از عطش جلوگیری میکند.

همچنین خیار سرشار از فیبر است و از یبوست جلوگیری و ترکیبات آن، باکتری‌های عامل بوی بد دهان را نیز می‌کشند.

* پیاز قرمز بخورید. محققان دریافته‌اند ترکیب موجود در پیاز قرمز به موجب ایجاد محیطی نامساعد برای سلول‌های سرطانی شده و با اختلال در ارتباط بین سلول‌های سرطانی مانع از رشد آنها میشود.

* میوه درشت نخرید، چون هرچه میوه درشت‌تر باشد، نیترات جذب شده آن بیشتر است! نیترات باعث کم‌خونی، سقط جنین و انواع سرطان‌ها میشود!

(هر کیلو سبب زمینی یا پیاز باید ۷ تا ۸ عدد شود) * مسواک زدن بلافاصله پس از صرف غذا " اشتباه "

است، چون با حرکت مسواک، مواد اسیدی غذا روانه لایه زیرین دندان شده و به آن آسیب می‌زند! حداقل نیم ساعت بعد از صرف خوراک، دندانها را مسواک کنید.

* وقتی انار یا انگور می‌خورید، هسته آنرا هم بجوید و بخورید، چون هسته انار و انگور حاوی آنتی‌اکسیدان و اسیدهای چرب بسیار مفیدی هستند که با پیری مبارزه میکنند.

* از لیموترش منجمد شده استفاده کنید. لیموترش سرشار از ویتامین ث است، اما یخ زده آن ۱۰ برابر حاوی مواد معدنی، روی، پتاسیم، منیزیم، کلسیم و ۳ برابر ویتامینهای «ای، آ و بی» دارد.

* ترس ناگهانی؛ هنگامی که شخص بطور ناگهانی می‌ترسد، خون در قلب لخته شده و در دراز مدت در بدن انسان تبدیل به توده ی سرطانی میشود! پس سعی کنیم عزیزان خود را هیچ وقت برای شوخی هم که شده، نترسانیم.

* بجای آسپرین، گوجه فرنگی بخورید، چون دانه‌های گوجه فرنگی همانند آسپرین عمل می‌کنند و از لخته شدن خون جلوگیری می‌کنند.

بدین ترتیب، عوارض احتمالی مصرف آسپرین هم که خون ریزی معده است، منتفی میشود.

* صبح‌ها بیش از حد نخوابید؛ خوابیدن بیش از حد موجب تولید هورمون‌های استرس شده و باعث افزایش گرسنگی می‌شود. همچنین خوابیدن بیش از ۱۰ ساعت منجر به شاخص توده بدنی بالاتر میشود.

* خاکشیر را اگر در آب سرد ترکیب و بنوشید، باعث درمان اسهال و اگر در " آب گرم" ترکیب و میل شود، درمان کننده "یبوست" خواهد بود.

* روزتان را با " شکلات تلخ " آغاز کنید. شکلات تلخ انرژی و تمرکزتان را افزایش داده، شما را سرحال میکند و برای سلامت پوست وحتىی برای دندانها مفید است. همچنین ضدافسردگی، حمله قلبی، استرس، فشار خون بالا و دیابت نوع ۲ است.

* در طول روز، «گلاب» بو کنید! بوییدن گلاب و اسپری کردن آن روی صورت یا در فضای اتاق، به رفع عطش کمک میکند و همچنین تقویت کننده قلب و سیستم عصبی است و احساس گیجی و خواب‌آلودگی را رفع می‌کند.

* سیب زمینی آب‌پز شده را اگر بیش از یکی دو روز نگه دارید، دارای میکروبی به نام «باسیلوس پروتوس» میشود که میتواند حتی سبب مرگ شود!

* درمان ۷ بیماری با ۷ میوه

- پوکی استخوان با کشمش

- خستگی مفرط با خرما

- نقرس با گیلاس خشک

- فشارخون بالا با زردآلو خشک

- عفونت مثانه با زغال اخته خشک

- یبوست با آلو خشک

- کم‌خونی با انجیر خشک

* ناشتا چند عدد خرما بخورید، زیرا کلسیم و ویتامین‌های موجود در آن باعث شادابی و طراوت پوست شده، از کم‌خونی جلوگیری کرده، موها را پرپشت و بوی بد دهان را رفع میکند. همچنین ضد سرطان بوده و برای تعادل اعصاب مفید است.



کشکول، کشکول، کشکول

پدیده‌ای به نام «اثر کبری» چیست؟

در قرن هیجدهم زمانی که انگلیس، هند را به استعمار خود درآورده بود، تعداد مارهای کبری در سطح شهر دهلی زیاد شده بود و دولت برای مدیریت این شرایط تصمیم گرفت برای هر مار مُرده‌ای که مردم تحویل می‌دهند، جایزه نقدی به آنها پرداخت کند.

تصمیم در ابتدا با تحویل مارهای مرده زیاد به دولت، بسیار موفق‌آمیز بود و به‌نظر می‌آمد که در طول زمان تعداد مارها کمتر خواهد شد. اما در نهایت تعجب تعداد مارهای مرده‌ای که مردم تحویل می‌دادند روز به روز بیشتر می‌شد! دولت از پیامد این کار غافل شده بود، چرا که بسیاری از مردم فقیر دهلی با تصور اینکه این کار درآمد خوبی دارد به پرورش مار روی آورده بودند!

البته این آخر ماجرا نبود؛ پس از مدتی دولت اعلام کرد که دیگر برای مارهای کبری جایزه نمی‌دهد، لذا مردم شهر هم که متوجه شده بودند پرورش مار دیگر برای آنها سودی ندارد، هر کدام مارهای خود را در هر طرف شهر به‌حال خود رها کردند و در نتیجه تعداد مارهای کبری افزایش پیدا کرد و وضعیت از حالت اولیه نیز بدتر شد.

از این پدیده در علوم سیاسی و اقتصادی به نام «اثر کبری» یاد می‌شود که در آن نداشتن افق تصمیم‌گیری مناسب برای بکارگیری راه حل یک مسئله، به شدت آن اضافه کرده و عواقب ناخواسته یا پیش‌بینی نشده‌ای به همراه خواهد داشت. متأسفانه تاکنون نمونه‌های بسیاری از اینگونه تصمیم‌گیرها توسط آخوندها در عرصه‌های مدیریتی، سیاسی و اقتصادی ایران گرفته شده است.

رابطه‌ی زر با زور (پیش‌آهنگ همه‌ی بلاها طمع است!)

گویند در شهر نیشابور موشی به‌نام «زیرک» در خانه‌ی مردی زندگی می‌کرد. زیرک درباره‌ی زندگی خود چنین می‌گوید: «هرگاه مرد صاحب‌خانه خوراکی برای روز دیگر نگه‌می‌داشت، من آن را ربوده و می‌خوردم و مرد هرچه تلاش می‌کرد تا مرا بگیرد، کاری از پیش نمی‌برد، تا اینکه شبی مهمانی برای مرد آمد؛ او انسان با هوشی بود!

هنگامیکه مهمان برای مرد سخن می‌گفت، صاحب‌خانه برای آن‌که ما را از میان اتاق رفت و آمد می‌کردیم براند و فراری دهد، دست‌هایش را به‌هم می‌زد.

مهمان از این کار مرد خشمگین شد و گفت:

«من سخن می‌گویم آنگاه تو کف می‌زنی! مرا مسخره می‌کنی؟»

مرد گفت: برای آن دست می‌زنم که موش‌ها بر سر سفره نریزند و آن‌چه آورده‌ام را نهرند.

مهمان پرسید:

آیا هرچه موش در این خانه‌اند همگی جرات و توان چنین کاری را دارند؟

مرد گفت:

نه! یکی از آنها از همه دلیرتر است!

مهمان گفت:

بی‌گمان این جرات او دلیلی دارد و من گمان می‌کنم این کار را به پشتیبانی چیزی انجام می‌دهد. پس تیشه‌ای برداشت و لانه‌ی مرا کند؛ من در لانه، گفته‌های او را می‌شنیدم!

در لانه‌ی من ۱۰۰۰ دینار بود که نمی‌دانم چه‌کسی آن‌جا گذاشته بود، اما هرگاه آن‌ها را می‌دیدم و یا به آن‌ها می‌اندیشیدم، شادی و نشاط و جرات من چند برابر می‌شد!

مهمان زمین را کند تا به زر رسید و به صاحب‌خانه گفت:

«دلیل شجاعت موش این زر بود، زیرا که مال پشتوانه‌ای بس نیرومند است. خواهی دید که از این پس موش دیگر زبانی به تو نخواهد رسانید!»

من این سخن‌ها را می‌شنیدم و در خود احساس ناتوانی و شکست می‌کردم. دانستم که دیگر باید از آن سوراخ، به‌جایی دیگر رفت! چندی نگذشت که در بین موش‌های دیگر، کوچک شمرده شدم و جایگاه خود را از دست دادم و دیگر مانند گذشته بزرگ نبودم. حتی کار به‌جایی رسید که دوستان مرا رها کردند و به دشمنانم پیوستند! پس من با خود گفتم؛

«هرکس مال ندارد، دوست، برادر و یار ندارد.»

مهمان و صاحب‌خانه، زر را بین خود تقسیم کردند.

صاحب‌خانه زر را در کیسه‌ای کرد و بالای سر خود گذاشت و خوابید، من خواستم از آن چیزی باز آرم تا شاید از این بدبختی رهایی یابم.

هنگامیکه به‌بالای سر او رفتم، مهمان بیدار بود و یک چوب بر من زد که از درد آن بر خود پیچیدم و توان بازگشت به لانه‌ام را نداشتم. به‌سختی خود را به لانه رساندم و پس از آن‌که دردم اندکی کاسته شد، دوباره آن مرا برانگیخت و بیرون آمدم!

مهمان چشم به‌راه من بود، چوبی دیگر بر سر من کوفت، آن‌چنانکه از پای درآمدم و افتادم. با هزار نیرنگ خود را به‌سوراخ رساندم.

درد آن زخم‌ها، همه‌ی جهان را بر من تاریک ساخت و دل از مال و دارایی‌م کندم. آن‌جا بود که دریافتم، پیش‌آهنگ همه‌ی بلاها طمع است.

پس از آن، به‌ناچار کار من به‌جایی رسید که به آن‌چه در سرنوشت است خشنود شدم. بنابراین از خانه‌ی آن مرد رفتم و در بیابانی لانه ساختم.

کلیله و دمنه

عدد استثنایی «۲۵۲»

در علم ریاضیات، یک عدد باعث تعجب همه‌گان شده است: عدد ۲۵۲۰ که بر تمام اعداد از ۱ تا ۱۰ قابل تقسیم می‌باشد. نکته عجیب و غریب این عدد که نخبه‌گان ریاضی را به تعجب وا داشته است این است که این عدد به تمام اعداد ۱ تا ۱۰ چه زوج و چه فرد قابل تقسیم است (وقتی می‌گوییم قابل تقسیم است، یعنی بدون اعشار).

$$2520 \div 1 = 2520$$

$$2520 \div 2 = 1260$$

$$2520 \div 3 = 840$$

$$2520 \div 4 = 630$$

$$2520 \div 5 = 504$$

$$2520 \div 6 = 420$$

$$2520 \div 7 = 360$$

$$2520 \div 8 = 315$$

$$2520 \div 9 = 280$$

$$2520 \div 10 = 252$$

پس از آنکه نخبه‌گان ریاضی در فهم آن درماندند به این نتیجه رسیدند که این عدد حاصل ضرب اعداد « $7 \times 30 \times 12$ » است که با نگاه اول فکر می‌کنید اعدادی تصادفی باشند، ولی نکته قابل تامل اینجا است که این اعداد حاصل ضرب:

روزهای هفته (۷ روز)، ضرب در روزهای ماه (۳۰ روز) و ضرب در ماه‌های سال (۱۲ ماه) است! معلوم است شب و روز، ماه و سال همانند سایر پدیده‌های طبیعی بر مبنای محاسبه بسیار بسیار ... دقیق بوجود آمده‌اند. لطفاً شب و روزها تونو به راحتی از دست ندید.

امپراتوری عادل... یا ظالم!؟

فردریک کبیر، که از سال ۱۷۴۰ تا ۱۷۸۶ بر کشور آلمان حکومت می‌کرد معتقد به آزادی اندیشه بود و رشد فکری مردم را در گرو آن می‌دانست.

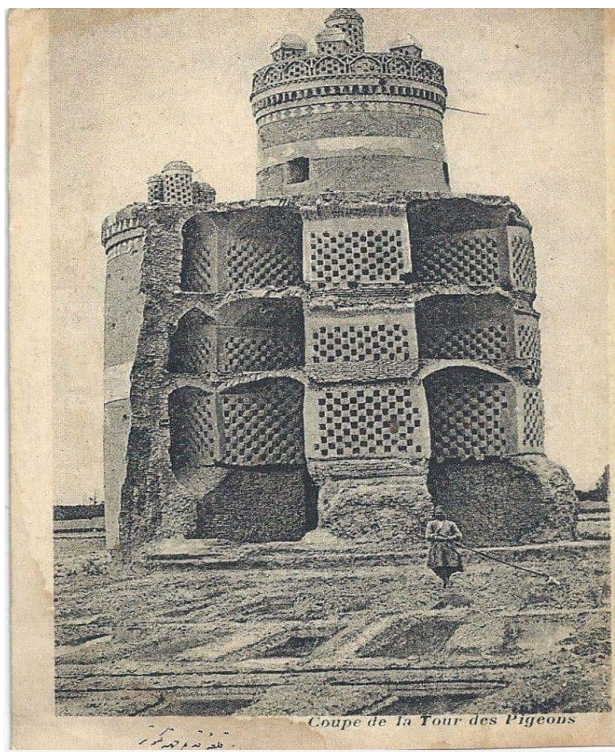
مشهور است که او یک روز سوار بر اسب با همراهانش از یکی از خیابان‌های برلین می‌گذشت؛ گروهی از مخالفان اعلامیه تندى علیه او بر دیوار چسبانده بودند.

فردریک آن را به دقت خواند و گفت:

«بی انصافها چقدر اعلامیه را بالا چسبانده‌اند؛ ما که سوار بر اسب هستیم آنرا به راحتی خواندیم، ولی افراد پیاده برای خواندنش به زحمت می‌افتند. آن را بکنید و پایین‌تر بچسبانید تا راحت‌تر خوانده شود.»

یکی از همراهان با حیرت گفت: «اما این اعلامیه بر ضد شما و اساس امپراتوری است.»

فردریک با خنده پاسخ داد: «اگر حکومت ما واقعاً به مردم ظلم کرده و آنقدر بی‌ثبات است که با یک اعلامیه چند خطی ساقط شود، همان بهتر که زودتر برود و حکومت بهتری جای آن را بگیرد، اما اگر حکومت ما بر اساس قانون، نیک‌خواهی، عدالت اجتماعی و آزادی بیان و قلم است مسلم بدانید آنقدر ثبات و استحکام دارد که با یک اعلامیه از پا نیافتد.»



«قلعه کبوتر» کبوترخانه‌ای قدیمی در حاشیه تهران

از دیرباز، برای استفاده از گوشت و کود کبوتران، ساختن کبوترخان یا کبوترخانه معمول بود. ژان شاردن که در عصر صفوی از ایران بازدید کرده‌است، به پیشینه بناهای کبوترخان و وضعیت آن‌ها در عصر صفویه چنین اشاره کرده‌است:

«اصولاً برای تزئین نساخته بودند، بلکه به منظور انتفاع و بهره‌برداری، به ساختن کبوترخان اقدام می‌کردند، حتی در زمان حاضر نیز یکی از مناظری که در اطراف دهات ایران دیده می‌شود، همین برج‌های کبوترخان است، که صدها سوراخ چهارگوش در آن تعبیه شده‌است... در ایران گوشت کبوترها را می‌خورند و از همه بالاتر فضولات آن‌ها را که کود حیوانی بسیار گرانبهایی است، جمع می‌کنند.

جالب‌های معروف خربزه اصفهان در سایه همین کود بارور می‌شود و قرن‌هاست که این کار معمول است.» تاورنیه که در سال ۱۶۷۷ میلادی سفرنامه خود را نوشته، می‌گوید در اطراف اصفهان بیش از سه هزار کبوتر وجود داشته‌است.

همه چیز را شکستند، ولی شیشه‌های مشروب را دزدیدند!

جک استراو، وزیر سابق امور خارجه انگلیس، کتابی بنام «کار، کار انگلیسی‌هاست» (The English Job) نوشته و به تجزیه و تحلیل روابط ایران و انگلیس از زمان ناصرالدین‌شاه قاجار تا تاریخ معاصر پرداخته‌است.

در قسمتی از کتاب به تسخیر سفارت انگلستان در ۸ آذر ماه ۱۳۹۰ اشاره جالبی می‌کند؛ او می‌نویسد:

«در حمله به سفارت انگلیس، همه چیز را شکسته و ویران کرده بودند، اما شیشه‌های مشروب را دزدیده بودند!»

نفرین به کسانیکه کور کورانه چیزی را قبول کند!

اخیراً از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ستیز و شبکه «افق»، مستندی تاریخی/جغرافیایی از منطقه «نهایند» پخش شد. مستندی غیر ایرانی و با ایرادهای مشهود.

تلخ‌ترین بخش از این مستند آنجایی است که به تپه تاریخی نهایند اختصاص دارد، تپه‌ای که در سال ۲۱ هجری، جنگ میان لشکر متجاوز اعراب و سپاه ساسانی در آنجا روی داد.

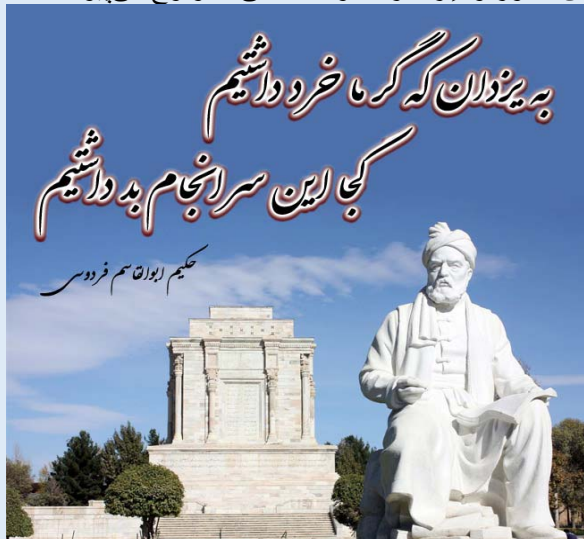
«جنگ نهایند»، دومین جنگ بزرگ اعراب و ایرانیان پس از «جنگ قادسیه» بود. اعراب، پیروزی در این جنگ را «فتح الفتوح» می‌نامند. چرا که پس از آن، تمام شهرهای ایران در مقابل لشکر متجاوزین، بی‌پناه ماند و به زودی کل ایران، زیر ستم اسبان تازی، لگدمال گردید. از این زمان بود که در هر شهر، گردن مردان و سربازان ایرانی به زیر تیغ رفته، دختران ایرانی اسیر و در بازار برده‌فروشان به فروش رسیدند، به پسران نوجوان تجاوز شد و زن‌های شوهردار از دامان خانواده دزدیده شده و میان سران عرب، تقسیم گردیدند.

در جنگ نهایند، بسیاری از سرداران و سربازان دلیر ایرانی کشته شدند و امروزه از آرامگاه هیچ‌یک از این شهیدان مدافع وطن، نشانی در دست نیست. اما طی رویدادی عجیب، مقبره یکی از فرماندهان عرب به نام «نعمان بن مقرن» که توسط «پیروزان» سردار رشید ایرانی به درک واصل گردید و در پنج کیلومتری شمال غربی شهر، دفن شد، با عنوان «آرامگاه باباپیر»، به زیارتگاه هموطنان ناآگاه ما، تبدیل شده است!

در قسمتی از همین مستند، از مقبره نعمان گزارشی تهیه شده و فرماندهی فاتح نهایند با عنوان دلاور اسلام، ستوده شده است! راوی مستند، با هیجانی توأم با افتخار می‌گوید:

«اینجا محلی است که سپاهیان سردرگم ساسانی، شکست خوردند و سپاه مسلمین، به "فتح الفتوح" دست یافت؟!»

در هیچ‌کجای کره‌ی زمین، ملتی را نخواهید یافت که چنین احمقانه، متجاوزین و قاتلان سرزمین خود را تقدیس کند. آیا ما مشغول یک خودزنی ملی/فرهنگی هستیم؟ یا این وقایع، به دلیل فقدان شعور و خرد فردی و اجتماعی به وقوع می‌پیوندد؟



آیا واقعاً «جغد» شوم است؟

در متن‌های کهن باستانی، «جغد» را «هومورو»، یعنی «پرنده دانا» می‌خواندند. در کتابهای قصه نیز این پرنده عینک به‌چشم دارد و به‌بقیه‌ی حیوانات پند و اندرز می‌دهد، اما شومی جغد بعد از ورود اعراب به ایران بر سر زبانها افتاد. اعراب به دلایلی این پرنده را شوم دانسته و می‌دانند! شایان ذکر است در «اوستا» از جغد با نام «اشوزشت»، یعنی فراری دهنده دیوها و پلییدی‌ها یاد شده است.

خرخوان و... خرخوانی!!

تصور می‌شود «خر» ربطی به «الاغ» ندارد. در فارسی داریم خرپشته، خرگوش، خرگاه، خرمهره،... و خربزه؛ تمام این خرها دال به‌زیادی و انبوهی و شدت است. این لغت در زبان انگلیسی *cramming* و در زبان فرانسوی *bachoter* است. در انگلیسی این واژه یعنی چپانیدن!

در عمل «خرخوانی» ما می‌کشیم با صرف زمان و خواندن بسیار، مطالب را در مغز خود به‌چپانیم! اما در فرانسوی، *bachot* نوعی خمره است و مصدری که از این اسم ساخته می‌شود هم مثل این است که مغز را مثل خمره‌ای پُر کنیم.

در اواخر دهه چهل خورشیدی هم مجله هفتگی و فکاهی «توفیق» خبر از تشکیل «حزب خران» متشکل از شخصیت‌های سیاسی مجرب کشور داده بود تا نقش مشاوره دهنده به مجلسین و دولت را داشته باشند که گویا در حد همان شایعه، احتمالاً از پستوی همان شوخی‌های این نشریه و منتشرکنندگان آن بیرون داده شده بود!

«هر» و «پر»

در میان چوپانان صدای "هر" برای طلبیدن گوسفندان و "پر" برای جلو راندنشان استفاده می‌شد و اگر احیاناً چوپانی این قاعده را نمی‌دانست، دچار مشکل می‌شد و گله نافرمانی می‌کرد. به‌همین دلیل در میان چوپانان صدای "هر" برای طلبیدن گوسفندان و "پر" برای جلو راندنشان استفاده می‌شد، و اگر چوپانی آنرا نمی‌دانست یعنی از اصول پرت بود!

به همین دلیل می‌گفتند هر را از پر تشخیص نمیدهد! رب‌المثل فارسی، به‌هنگام ناآگاهی و عدم اطلاع کسی از موضوعی، می‌گفتند و یا هنوز هم می‌گویند:

«فلانی «هر» را از «پر» تشخیص نمی‌دهد!

از شما می‌خواهم پس از اینکه سر من به وسیله گیوتین قطع شد، فوراً آن را روی دست، بالا بگیرد؛ من شروع به پلک زدن می‌کنم، شما تعداد پلک زدن‌هایم را بشمارید تا زمان تقریبی مرگ و از بین رفتن هوشیاری کامل بدست آید!»
شاگردان‌اش اینکار را کردند و «لاوازیه» ۱۰ پلک زد (حدوداً ده ثانیه). جالب است حتی این دانشمند با مرگ‌اش هم به علم خدمت کرد! بعد از اعدام، لاگرانژ گفت:
«تنها یک لحظه وقت آنان برای بریدن سر صرف شد؛ شاید یکصد سال زمان نتواند سر دیگری همانندش بوجود آورد!»

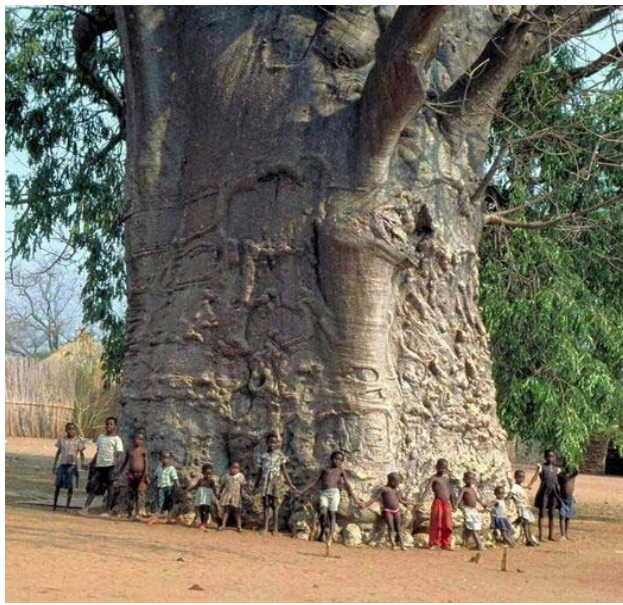
بیماری و شفای آغامحمد خان قاجار

آقامحمدخان قاجار به علت پرخوری دچار بیماری معده شد. طبیب آوردند و طبیب با توجه به امکانات آن زمان اماله (تنقیه) تجویز کرد. (اماله وسیله‌ای به شکل قیف است که انتهای دراز دارد و نوک آن کج و مایعات روان کننده به وسیله آن از پایین به روده بزرگ بیمار وارد می‌گردد.)
آقامحمدخان که فردی متعصب بود و اماله را باعث تحقیر و توهین به خود می‌پنداشت، فریاد زد:
«چه کسی را اماله کنند!»
حکیم ترسید و گفت:

«هیچ قربان، گفتم بنده را اماله کنند تا شما خوب شوید!»

آقامحمدخان بدون تفکر و شاید از روی عصبانیت دستور به اماله حکیم داد!

اتفاقاً در همین زمان درد معده شاه قاجار نیز فروکش کرد و او این را به فال نیک گرفت و از آن به بعد هر گاه آقا محمدخان مریض می‌شد، دستور می‌داد طبیب را دراز کنند و طبیب بی‌چاره مجبور بود در حضور شاه اماله شود!
ایران امروز چنین است؛ هر گاه فسادى برملا میشود، دستور می‌رسد افشاکننده را مجازات تا فساد از مملکت رخت بر بندد!



درختی ۱۵۰۰ ساله در افریقای جنوبی



رضاشاه، روح شاد

باور تون همیشه به زمانی دوران قاجار در تهران چپ دستارو میزدن؟! دست چپ در باور علماء، فقط برای طهارت بود! حتی در مدارس آنقدر بچه‌هارو میزدن تا با دست راست بنویسند تا اینکه رضاشاه چپ دست اومد و دیگه کسیو نزدن! کسیکه تنبه میشد، تا ۱ هفته نمیتونست راه بره؛ رهایی مردم از این نوع تحقیر و تنبیه‌ها رو مدیون خانواده پهلوی هستیم.
آیا ایرانیها می‌دانند در یک قرن اخیر چه بودند و چه شدند؟! آیا زمان این نرسیده دست از مامشات با آخوندهای فاسد بردارند و اشتباه هولناک سال ۵۷ را جبران کنند!؟

حواسمان به دروازه بانانی که در زندگی ما نقش دارند، باشد

در سال ۱۹۳۷ در انگلستان یک مسابقه فوتبال بین تیم‌های «چلسی» و «چارلتون» بعلت آلودگی بی‌حد هوا در دقیقه ۶۰ متوقف شد، اما «سام بارترام» دروازه‌بان «چارلتون» ۱۵ دقیقه پس از توقف بازی همچنان درون دروازه بود!
بعلت سر و صدای زیاد، وی سوت داور را نشنیده بود. او با حواس جمع در دروازه می‌ماند و با دقت به جلو نگاه می‌کند تا به گمان خودش در برابر شوت‌های حریف غافلگیر نشود!
وقتی پانزده دقیقه بعد پلیس ورزشگاه به او نزدیک شد و خبر لغو مسابقه را به او داد، «سام بارترام» با اندوهی عمیق گفت: چه غم‌انگیز است که هم‌تیمی‌هایم مرا فراموش کردند در حالی که من از دروازه آنها حراست می‌کردم. در طول این مدت فکر می‌کردم تیم ما در حال حمله است و به تیم رقیب مجال نزدیک شدن به دروازه‌ی ما را نداده است...!
در میدان زندگی چه بسیار بازیکنانی هستند که از دروازه آنها با غیرت حراست کردیم، اما با مه‌آلود شدن شرایط در همان لحظه اول میدان را خالی و ما را تنها گذاشته‌اند.

چه قدر این گفته آشناست

بعد از پیروزی انقلاب فرانسه، «لاوازیه» به جرم خیانت به ملت، به مرگ محکوم شد. قاضی دادگاهی که این حکم را صادر کرد، گفته بود:

«جمهوری نداشتند می‌خواهد نه شیمیدان!»

اما ماجرای مرگ لاوازیه هم جالب است. وقتی حکم اعدام صادر شد، وی شاگردان‌اش را جمع کرد و به آنها گفت:
«جایگاه حواس و شعور انسان، بایستی در سر انسان (مغز) باشد؛ لذا پس بعد از جدا شدن سر از بدن، احتمالاً باید تا چند لحظه، هنوز هوشیاری و حواس فرد کار بکند.

وصیت نامه خواندنی و زیبای آلبرت اینشتین

روزی فرا خواهد رسید که جسم من آنجا زیر ملحفه سفید پاکیزه‌ای که از چهار طرفش زیر تشک تخت بیمارستان رفته است، قرار می‌گیرد و آدم‌هایی که سخت مشغول زنده‌ها و مرده‌ها هستند از کنارم می‌گذرند.

آن لحظه فرا خواهد رسید که دکتر بگوید مغز من از کار افتاده است و به‌هزار علت دانسته و ندانسته زندگیم به پایان رسیده است.

در چنین روزی، تلاش نکنید به شکل مصنوعی و با استفاده از دستگاه زندگیم را به من برگردانید و این را بستر مرگ من ندانید؛ بگذارید آن را بستر زندگی بنامم. بگذارید جسمم به دیگران کمک کند که به حیات خود ادامه دهند.

چشم‌هایم را به انسانی بدهید که هرگز طلوع آفتاب، چهره یک نوزاد و شکوه عشق را در چشم‌های یک زن ندیده است.

قلبم را به‌کسی هدیه کنید که از قلب جز خاطره‌ی دردهایی پدایی و آزار دهنده چیزی به یاد ندارد.

خونم را به نوجوانی بدهید که او را از تصادف ماشین بیرون کشیده‌اند و کمکش کنید تا زنده بماند تا نوه‌هایش را ببیند.

کلیه‌هایم را به‌کسی بدهید که زندگی‌اش به ماشینی بستگی دارد که هر هفته خون او را تصفیه می‌کند.

استخوان‌هایم، عضلاتم، تک تک سلول‌هایم و اعصابم را بردارید و راهی پیدا کنید که آنها را به‌پاهای یک کودک فلج پیوند بزنید.

هر گوشه از مغز مرا بکاویید، سلول‌هایم را اگر لازم شد بردارید و بگذارید به‌رشد خود ادامه دهند تا به‌کمک آنها پسرک لالی بتواند با صدای دو رگه فریاد بزند و دخترک ناشنوایی زمزمه باران را روی شیشه اتاقش بشنود.

آن چه را که از من باقی می‌ماند به‌سوزانید و خاکسترم را به‌دست باد بسپارید تا گلها به‌شکفند. اگر قرار است چیزی از وجود مرا دفن کنید بگذارید خطاهایم، ضعف‌هایم و تعصباتم نسبت به هموعانم دفن شوند. گناهانم را به شیطان و روحم را به خدا بسپارید و اگر گاهی دوست داشتید یادم کنید. عمل خیری انجام دهید یا به کسی که نیازمند شمامست، کلام محبت آمیزی بگویید.

اگر آنچه را که گفتم برایم انجام دهید، همیشه زنده خواهم ماند.

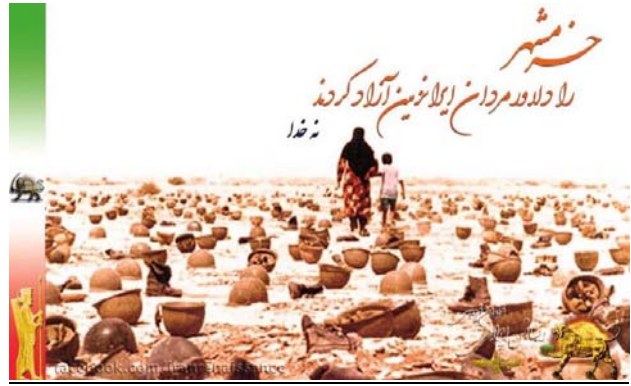
دین چیست؟

آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان و نامسلمان! حرفی زد که هیچ مسلمانی نتوانست جواب او را بدهد.

او گفت:

در چین و هندوستان نزدیک به دو نیم میلیارد نفر با یکصد و پنجاه خدا و هشتصد عقیده‌ی مختلف در صلح زندگی میکنند، ولی در مقابل، مسلمانان یک خدا، یک پیغمبر و یک کتاب دارند، اما به خون هم تشنه‌اند و خیابان‌هایشان از خون یکدیگر سرخ شده است.

در این کشورها، هم قاتلان و هم مقتولین می‌گویند «الله اکبر!» و کشته‌های دو طرف دعوا و جنگ «شهید» نامیده می‌شوند و است درد بزرگی است که متوجه نه‌شدیم «دین» چیست؟!



خرمشهر را خدا آزاد نکرد!

خرمشهر به بهای خون آزاد شد،

خرمشهر با فداکاری و جان‌دادن سربازان آزاد شد

«خرمشهر» با فداکاری و جانفشانی‌های دلاور مردان و شیرزنان ایرانی آزاد شد. هرگز نگویید «خرمشهر» را خدا آزاد کرد.

خدا اگر میخواست کاری انجام دهد، جان مردم خرمشهر را تضمین میکرد. خرمشهر را جوانان این سرزمین همیشه جاوید آزاد کردند و اروند رود شرمنده‌ی دخترکانی شد که از هراس اسارت، خود را بدان سپردند.

می‌دانی یا برایت بگویم برای آزادی این تکه از خاک مقدس میهنمان چند هزار ایرانی در خاک خفتند و در خون سرخشان غلتیدند؟

نه! خرمشهر را خدا آزاد نکرد...!

خونین شهر را ایرانیان به بهای خوششان آزاد کردند. این پیروزی می‌توانست پرونده این جنگ را پیروزمندانه ببندد، اما جنگ‌طلب حیاتش به جنگ بسته است. سالروز آزادی خرمشهر بر تمامی ایرانیان، فرخنده باد.



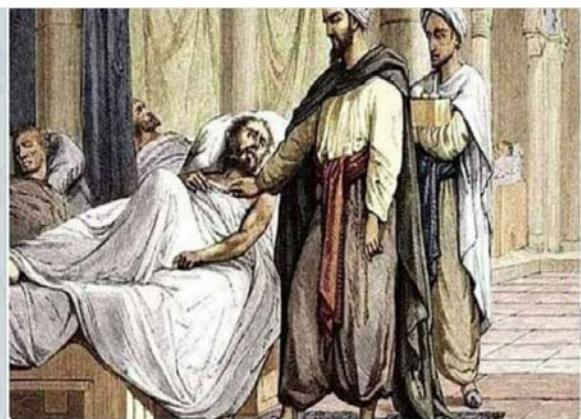
خدایی که خرمشهر را آزاد کرد
این شکلی بود!

این خانمها

خانم مسنی عصا زنان بهداروخانه رفت تا برای درد مفاصل‌اش دارو بخرد. داروفروش با لبخندی پرسید: خوشگل خانم چی لازم داری؟ خانم فوری کمرش را راست کرد و گفت: روژ لب میخوام!

درکش نکنی، کعبه و بتخانه یکی است

باران که شدی می‌رس، این خانه کیست
سقف حرم و مسجد و میخانه یکیست
باران که شدی، پیاله‌ها را نشمار
جام و قدح و کاسه و پیمانہ یکیست
باران! تو که از پیش خدا می‌آیی!
توضیح بده عاقل و فرزانه یکیست
بر درگه او چونکه بیفتند به خاک
شیر و شتر و پلنگ و پروانه یکیست
با سوره‌ی دل، اگر خدا را خواندی
حمد و فلق و نعره‌ی مستانه یکیست
از قدرت حق، هر چه گرفتند به کار
در خلقت حق، رستم و موریانه یکیست
گر درک کنی، خودت خدا را بینی
درکش نکنی، کعبه و بتخانه یکیست!

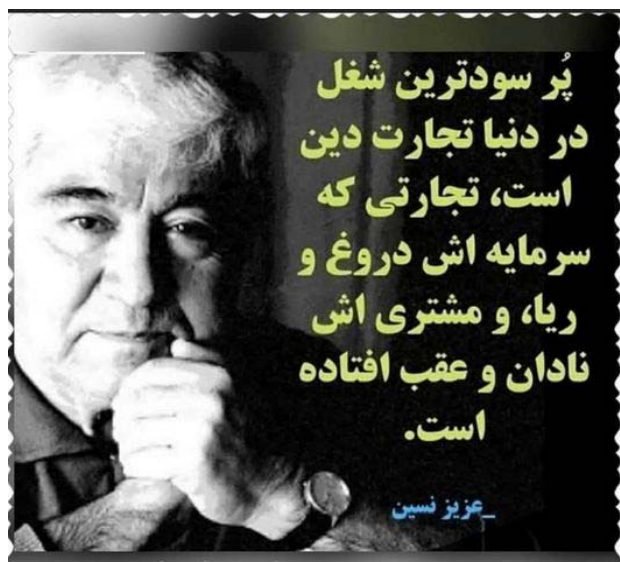


چهل مذهبی پهنایی به درازای تاریخ دارد

زکریای رازی در اواخر عمر به خاطر اعتقاداتش در دادگاه های مذهبی بارها محاکمه شد. اما نارحت کننده است که بدانید در این محاکمه ها آنقدر کتابهایش بر سرش کوبیده شد که بینایی خود را از دست داد و نابینا از دنیا رفت!!

می‌گویند شاگردانش به او گفتند حکیم شما بدتر از این را معالجه نمودی پس چرا خود را معالجه نمی‌کنید. در جواب حکیم گفت:

بینا شوم که چه چیز را بینم سیاهی جهل، قدرت فاسد و روزگار بد و سخت مردمان. گمان کنم همان کور باشم کمتر زجر می‌کشم



گفته‌ها، نکته‌ها..... و لطیفه‌ها

فرمانده

نادر شاه سرباز میانسالی داشت که بی‌محابا به‌قلب دشمن یورش می‌برد و آنها را قلع و قمع می‌کرد.
نادر شاه از آن سرباز پرسید: کجایی هستی؟
سرباز پاسخ داد: اصفهانی
نادر دوباره پرسید: آن زمان که اصفهان به‌دست افغانها فتح شد، چرا این دلاوری را نداشتی؟
سرباز پاسخ داد: این دلاوری را داشتم، اما نادر را نداشتم!؟

زدایش خدایان بی‌شمار یونانی از فرهنگ ایرانی

یکی از شاهانی که در تاریخ کمک زیادی به‌نجات ایران از خرافات کرد، مهرداد دوم از سلسله اشکانیان بود.
او بخش مهمی از آموزش را صرف زدایش آیین هلنی و خدایان بی‌شمار یونانی از فرهنگ ایرانی کرد!



۱۰ نقل قول روانشناسی و فلسفه از «کارل یونگ»

- ۱- دنیا از تو خواهد پرسید کی هستی و اگر ندانی، دنیا به تو خواهد گفت.
- ۲- اگر انسان بیشتر از دیگران بداند، تنها می‌شود.
- ۳- هر چیزی که ما را در مورد دیگران آزار می‌دهد، می‌تواند منجر به برداشت از خودمان شود.
- ۴- زندگی واقعاً از چهل سالگی شروع می‌شود؛ تا آن موقع فقط داری تحقیق می‌کنی.
- ۵- شما همان کاری هستید که انجام می‌دهید، نه آن چیزی که می‌گویید انجام می‌دهید.
- ۶- شناخت تاریکی خود بهترین روش برای مقابله با تاریکی دیگران است.
- ۷- تا زمانیکه ناخودآگاه را به‌ضمیر نه‌سازی، زندگی‌ات را هدایت می‌کند و اسم آنرا تقدیر خواهی گذاشت.
- ۸- به‌خاطر سختی‌ها و چالش‌های خود سپاسگزار باشید، درواقع انسان به دشواری نیاز دارد؛ برای رشد فردی سالم، فردسازی و خودسازی لازم است.
- ۹- هر کسی را که ملاقات می‌کنید چیزی می‌داند که شما نمی‌دانید، اما باید بدانید. از آنها بیاموزید.
- ۱۰- من آن چیزی نیستم که برایم اتفاق افتاد؛ من آن چیزی هستم که انتخاب می‌کنم به‌شوم.

دوره‌ی «زار»

از کسی پرسیدند مال چه دوره‌ی هستی؟

گفت: دوره‌ی زار!

گفتند: دوره‌ی زار کی بود؟

گفت: اون دوره‌ی که :

بستنی بود ۳ زار،

چییس بود ۵ زار،

شیر بود ۵ زار،

ساندویچ بود ۲۵ زار،

تلفن عمومی بود ۲ زار...!



قانون بیل گیتس

برای موفقیت نامحدود هر انسان

۱. کار امروز را به فردا نگذار
۲. هوشمندانه تلاش کن
۳. از تجربه رقبا یاد بگیر
۴. از کاری که می‌کنی لذت ببر
۵. از سوال پرسیدن نترس
۶. از دیروز خودت درس بگیر
۷. با انرژی و انگیزه بخش باش

درود بر همه‌ی خوبان:

خدایا تو را پاس دارم ز پار
که دادی توانم به ایام تار
چو اینک بهار آمد و سال نو
به ما رزق سالم بده تا درو
مرا با تو راز و نیاز این بود
که این زندگی با تو آذین شود
دورویی، ریا را ز ما دور کن
سپاهی و تاریکی از نور کن
به ما بینشی بخش سال جدید
که کار نکو آید از ما پدید
به ما یاری آن بده در جهان
شتابیم بریاری ناتوان
به آئین کورش، به کاوس و کی
که آزادگی ره بگیریم، پی

کابینه زندگی

زن	نخست‌وزیر!
شوهر	وزیرکار!
خواهر زن	وزیر امور خارجه!
خواهر شوهر	وزیر اطلاعات!
مادر زن	وزیر جنگ!
مادر شوهر	وزیر اغتشاشات!
پدر زن	وزیر ارشاد!
پدر شوهر	وزیر تشخیص مساحت!

حکومت‌ها ابتدا در ذهن‌ها سقوط می‌کنند؟! سعید معدنی

رمان «بینایی» نوشته‌ی «ژوزه ساراماگو» حکایت مردمی است که از حکومت ناراضی هستند و برای نشان دادن اعتراض پای صندوق رای حاضر نمی‌شوند.

این رمان در ادامه رمان دیگری به‌نام «کوری» است که نویسنده پرتغالی به‌خاطر نوشتن رمان «کوری» جایزه‌ی ارزشمند «نوبل ادبی» را گرفته است.

رمان «بینایی» به‌نوعی ادامه «کوری» و در همان شهری که داستان «کوری» اتفاق افتاده ماجرایش می‌گذرد و برخی شخصیت‌ها سرنوشت‌اشان در این رمان ادامه می‌یابد.

داستان کتاب «بینایی» داستان حکومتی است که ذاتا دیکتاتور است، اما ظاهراً برای مشروعیت‌بخشی به‌خود، انتخابات صوری هم برگزار می‌کند!

در یک روز بارانی که روز رفراندم و رای‌گیری است، هیچکس در حوزه‌های رای حاضر نمی‌شود؛ حتی بسیاری از خانواده‌های مسئولان برگزاری انتخابات هم مشارکتی ندارند!

سکوت محضی حاکم است؛ ابتدا مسئولان فکر می‌کنند که شاید بارش باران و شرایط آب و هوایی باعث شده، اما وقتی باران قطع و هوا مساعد است باز هم خبری از حضور مردم نیست و این شکست بزرگی برای حکومت است.

رئیس جمهوری و سایر مسئولان به تکاپو، توصیه و التماس می‌افتند که مردم شرکت کنند؛ سر انجام مردم در بعد از ظهر به سوی حوزه‌های رای‌گیری هجوم می‌آورند، اما روز بعد که آرا را می‌شمارند معلوم می‌شود همه‌ی رای‌ها سفید است!

این عدم مشارکت ابتدایی و از دست‌رفتن مشروعیت سیستم و یا سفیدی رای‌های اعتراضی نشان می‌دهد حکومت‌های دیکتاتوری که ادای دموکراسی را درمی‌آورند، ابتدا در ذهن مردم سقوط می‌کنند و سپس در ادامه، سقوط عینی و واقعی اتفاق می‌افتد.

یک نظام سیاسی که بر ابدان حکومت می‌کند نه بر قلب‌ها، خود را به نابینایی! می‌زند و چشم بر مشکلات می‌بندد و سعی می‌کند با تبلیغات دروغین همه چیز را عادی نشان دهد، اما حاکمان زمانی به‌خود می‌آیند که دیگر دیر شده است. در مقابل، مردم به‌آگاهی رسیده و «بینا» شده‌اند و دیگر حاضر نیستند مفت و مجانی به حکومتگران فاسد، نالایق و ناتوان سواری دهند و مشروعیت به‌بخشند.

در رمان «بینایی» ماجراهای دیگری هم اتفاق می‌افتد؛ تعقیب، ترور و قتل هم وجود دارد. به‌کسانی که رمان «کوری» و «بینایی» را مطالعه نکرده‌اند پیشنهاد می‌شود ابتدا رومان «کوری» و سپس «بینایی» را به‌خوانند.

کتاب و مردم

مردم کتاب رایگان نمی‌خوانند، چون رایگان است!

کتاب پولی هم نمی‌خوانند، چون گران است!

فقط حرف می‌زنند، چون مفت و مجانی است!؟



**یک سیب از درخت به‌زمین افتاد، جهان از قانون
جاذبه باخبر شد؛ ولی هزاران جسد به‌زمین
افتاد، اما بشر معنی انسانیت را درک نکرد!؟
چارلی چاپلین**

سیاست ایران مانند رانندگی‌اشان است!؟

زمانی که «مایک ولاس» به‌ایران آمد و با احمدی نژاد مصاحبه کرد، در برگشت مقاله‌ی فوق‌العاده‌ی نوشت.
او نقل می‌کرد:

«از فرودگاه با اتومبیلی عازم محل مصاحبه با احمدی نژاد شدم. خیابان همچون سیلی از اتومبیل بنظر می‌رسید و راننده‌ی ما بطرزی هولناک رانندگی می‌کرد و در سبقت بارها و بارها رو در روی اتومبیل جلویی قرار می‌گرفت و بطرز معجزه‌آسایی نجات می‌یافتیم!!»

به‌ترجم با نگرانی ترسم را بیان کردم؛ او پاسخ داد:

«نگران نباشید، اینها مهارت دارند و در آخرین لحظه کنار می‌کشند و خطر رفع می‌شود!»
آقای ولاس در ادامه می‌گوید:

هنگام مصاحبه با احمدی نژاد، وی چنان سخن میگفت که بوی جنگی وحشتناک به‌مشام می‌رسید!

خدای من، هیچگاه حتی در زمان جنگ سرد هم چنین رجزخوانی‌هایی را ندیده و نشنیده بودم!
به‌هنگام بازگشت به‌فرودگاه، نگرانی‌ام را به‌ترجم بیان کردم؛ او پاسخ داد:

نگران نباشید! سیاست ایرانیان نیز مانند رانندگی‌اشان است؛ خیلی پرمخاطره می‌رانند، اما در آخرین لحظه با کنار گرفتن، از خطر اجتناب می‌کنند!؟

حقیقتی تلخ که امروز گریبانگیر مردم ایران شده است

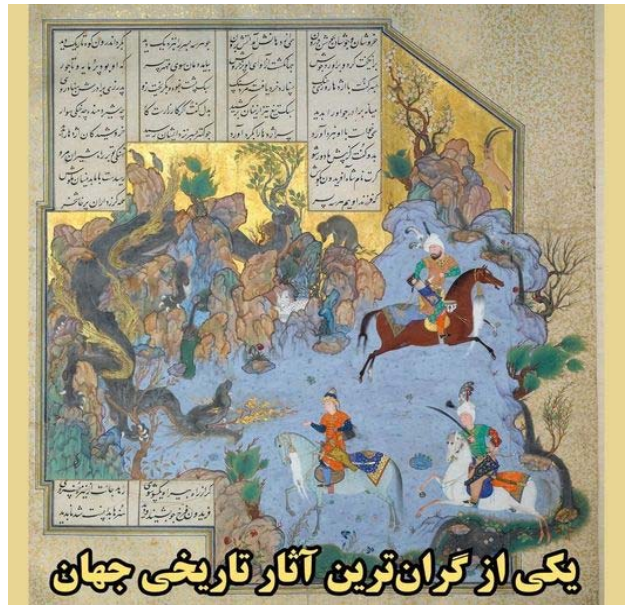
استالین در یک جلسه با سران شوروی یک مرغ زنده را که گرسنه بود می‌آورد و شروع میکند پره‌های مرغ را کندن! مرغ درد میکشد و جیغ میزند و سعی میکند خود را برهاند. وقتی تمامی پره‌های مرغ کنده می‌شود، استالین یک مشت دانه جلوی آن میریزد و مرغ شروع به خوردن دانه میکند. استالین رو به حاضرین میکند و میگوید: «مهم نیست چه بلایی سر مردم می‌آورد! تا وقتی گرسنه باشند همه چی آرام است.»

بی‌خبر از دینداری

دوش دیدم وسط کوچه روان پیری مست
بر لبش جام شرابی و سبویی در دست
گفتم نکنی شرم از این می‌خواری؟
گفتا که مگر حکم به‌جلبم داری؟
گفتم تو ندانی که خدا مست ملامت کرده؟
در روز جزا وعده به آتش کرده؟
گفتا که برو بی‌خبر از دینداری
خود را به از باده‌خوران پنداری؟
من می‌خورم و هیچ نباشد شرمم
زیرا به‌سختی خدا دل گرمم
من هر چه کنم گنه از این می‌خواری
صد به ز توام که دایما هشیاری
عمر زاهد همه طی شد به تمنای بهشت
او ندانست که در ترک تمناست بهشت
این چه حرفیست که در عالم بالاست بهشت
هر کجا وقت خوش افتاد همانجاست بهشت
دوزخ از تیرگی بخت درون من و توست
دل اگر تیره نباشد، همه دنیاست بهشت
صائب تبریزی

فروشی «برج ایفل»؟!

«ویکتور لوستیگ» یکی از بزرگترین کلاهبرداران تاریخ بود که برج ایفل را فروخت! او مقاله‌ای خواند که در آن آمده بود برج ایفل نیاز به تعمیرات اساسی دارد و هزینه این کار برای دولت کمرشکن خواهد بود.
در ذهن لوستیگ ایده‌ای شکل گرفت: «فروش برج ایفل»؟! به‌همین دلیل او اسناد و مدارکی تهیه کرد که در آن‌ها خود را به‌عنوان «معاون ریاست وزارت پست و تلگراف» جا زد و برج ایفل را به یک تاجر به‌نام «آندره پویسون» فروخت؟! «ویکتور لوستیگ»



یکی از گران‌ترین آثار تاریخی جهان

یکی از گران‌ترین آثار تاریخی جهان

در فروردین ۱۳۹۰ خورشیدی یک برگ از شاهنامه‌ی تهماسبی به ارزش حدود ۱۲ میلیون دلار در حراجی «ساتبیز» لندن فروخته شد.
شاهنامه‌ی تهماسبی بعنوان یکی از نفیس‌ترین شاهنامه‌های جهان بدستور شاه اسماعیل صفوی و توسط خوشنویسان و نگارگران «مکتب تبریز» تهیه شده است.
۱۱۹ برگ از این شاهنامه‌ی در ایران، ۷۸ برگ در موزه‌ی «متروپولیتن» آمریکا، ۱۰ برگ در موزه‌ی آقاخان کانادا و ۳ برگ در موزه‌ی هنرهای اسلامی قطر نگهداری می‌شود.

گفته‌های «شاه بابا»

* - مسجد، معبد، کلیسا و هر چیزی که در چشم است را خراب کنید، اما قلب یک انسان را نه‌شکنید، چون خدا آنجاست!
* - چه مدت میتوان حقیقت را پنهان کرد؟ روح تنها چیزی است که باید در آن حقیقت را بدانیم.
* - شما که هزاران کتاب در مورد دانش خوانده‌اید، آیا تا به‌حال سعی کرده‌اید خودتان را به‌خوانید؟
* - شما هرگز به‌تنهایی عاشق نمی‌شوید؛ عشق شما را اسیر خود می‌کند.
* - عشق زمانی به‌سراغت خواهد آمد که واقعا به آن نیاز نداشته باشی و زمانی به‌پایان می‌رسد که بیشتر به آن نیازمند هستی!

سرود جشن فارغ‌التحصیلی در حوزه علمیه قم

ما ملای خندانیم، ما دزدان ایرانیم
ما کشور ایران را، ارث پدر میدانیم
ما باید دانا باشیم، هوشیار و بینا باشیم
در دزدی از بیت‌المال، باید توانا باشیم
آباد باشی غزه، آباد باشی لبنان
از بهر حفظ ملا، ویران باشی ایران



کوروش، پادشاهی که تنها یک همسر برگزید

بانو «کاساندان» دختر «فرناسپه» از شاهدختان خاندان هخامنشی و از اصالت ایرانی برخوردار بود. کوروش در زندگی خود یک زن اختیار کرد و او «کاساندان» نام داشت. کاساندان قبل از کورش درگذشت و بعد از او کورش در اندوهی فراوان ماند و برای همیشه و به احترام همسرش تنهایی را برگزید. مقبره کاساندان در پاسارگاد، در کنار آرامگاه کوروش می‌باشد.

پس از کورش بزرگ، «کاساندان» (ملکه ۲۸ کشور آسیایی) نخستین شخصیت قدرتمند کشور بزرگ ایران بود که کورش بر آنها پادشاهی می‌کرده است. مورخین یونانی و «گزنفون» از وی با نیکی و بزرگمنشی یاد می‌کرده‌اند.

«کاساندان» ملکه ایران ۵ فرزند با نام‌های کمبوجیه، بردیا، آتوسا، رکسانا و ارتیستونا داشت.

بی‌شک «کاساندان» مادری نمونه بود که چنین فرزندان بزرگی پرورش داد که هر یک نامی نیک در تاریخ دارند. وی همچنین همسری نمونه بود چرا که در همه مراحل سخت دوشادوش کوروش بزرگ حضور داشت.

نوشته‌های تاریخی نشان می‌دهد کوروش نه تنها در امور سپاهگیری دارای نبوغ نظامی و در جهانگشایی و کشور داری بسیار انسان دوست و نوع پرور بوده، بلکه در امور خانوادگی نیز یکی از وفادارترین مردان روزگار بوده است.

درگذشت «کاساندان»، ۲۱ اسفند ایرانی، ۲۶ آذر آرامی، ۱۹ مارس میلادی است. (شماره این روز را به دلیل تخریب متن کتیبه نمی‌توان خواند. اما به احتمال در روز پیش از آغاز سوگواری بوده است که با شش روز سوگواری، یک دوره هفت روزه تکمیل می‌شده است).

همه‌ی ما نابینا هستیم، هر کدام امان به نوعی

آدم‌های خسیس نابینا هستند، چون فقط طلا را می‌بینند، آدم‌های ولخرج نابینا هستند، چون امروزشان را می‌بینند، آدم‌های کلاهبردار نابینا هستند، چون خدا را نمی‌بینند، آدم‌های شرافتمند نابینا هستند، چون کلاهبردارها را نمی‌بینند، و خود من هم نابینا هستم، چون حرف می‌زنم، اما نمی‌بینم که شما گوشه‌هایی شنوا ندارید!

ویکتور هوگو

فریاد و سکوت

دو چیز انسانیت را در وجود انسانها از بین می‌برد:

فریاد، وقتی بایستی سکوت کرد!

سکوت، وقتی بایستی فریاد زد!

آلفرد نوبل را چگونه می‌شناسند؟

آلفرد نوبل از جمله افراد معدودی بود که این شانس را داشت تا قبل از مردن، آگهی وفاتش را بخواند!

زمانی که برادرش بنام «لودویگ» فوت کرد، روزنامه‌ها اشتباهاً فکر کردند که «آلفرد نوبل» معروف (مخترع دینامیت) مرده است.

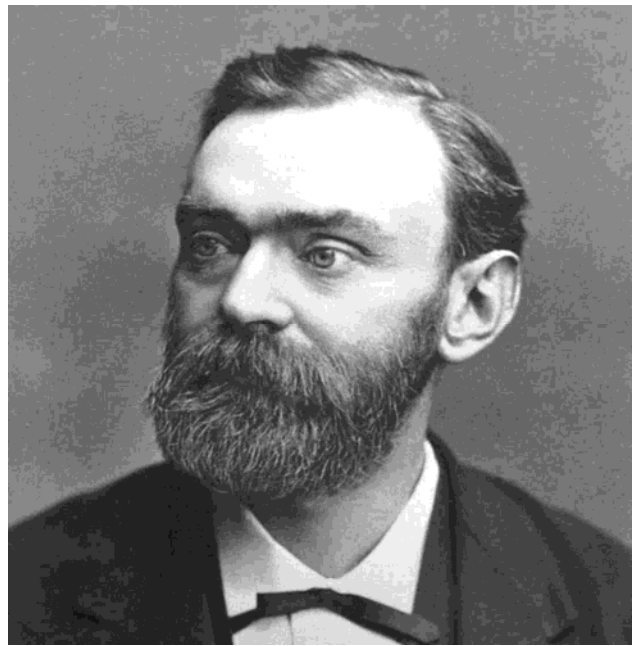
آلفرد وقتی صبح روزنامه‌ها را می‌خواند با دیدن تیتراصفحه اول، می‌خکوب شد:

«آلفرد نوبل، دلال مرگ و مخترع مرگ‌آورترین سلاح بشری، مُرد!»

آلفرد، خیلی ناراحت شد؛ با خود فکر کرد:

«آیا خوب است که مرا پس از مرگ اینگونه به‌شناسند؟»

بدینجهت در وصیت‌نامه‌اش جمله‌های بسیاری را خط زد و اصلاح کرد. وی پیشنهاد کرد ثروت‌اش صرف جوایزی از جمله برای صلح امروزه جهان، هزینه شود.



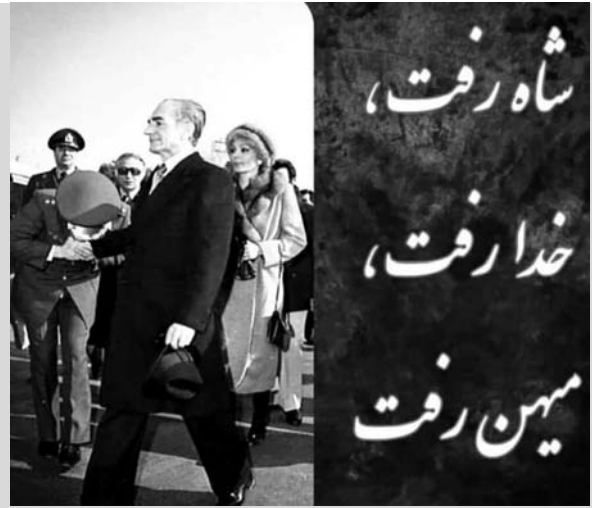
آلفرد نوبل

آیا آگاهی دارید؟

- * آیا میدانید قرارداد «ترکمن چای» قراردادادی صد ساله است و هم اکنون به پایان رسیده و بایستی ایروان و نخجوان به ایران بازگردانده شوند؟
- * آیا می دانید «ارمنستان» هم اکنون باید جزیی از خاک ایران باشد؟
- * آیا می دانید «هفده شهر قفقاز» بایستی دوباره به خاک ایران بازگردند؟



پاینده ایران



چند سؤال از ملت ایران

کدام دشمن می توانست در مدت ۴۴ سال:

- جنگلهایمان را نابود
 - رودخانه هایمان را بی آب
 - دریاچه هایمان را باتلاق
 - تالاب هایمان را خشک
 - مزارع امان را ویران
 - دشت هایمان را کویر
 - آثار باستانی امان را تخریب
 - صنایع امان را ورشکسته
 - فرهنگ امان را نابود
 - هویت امان را تحقیر
 - کشاورزی امان را در بدر
 - معلمانمان را محتاج
 - کاسبان امان را دزد
 - پزشکان امان را بی وجدان
 - جوانان امان را معتاد
 - زنان امان را منزوی
 - نخبه هایمان را فراری
 - دانشگاه های امان را بی خاصیت
 - دانشجویان امان را کم سواد
 - اساتید امان را منفعل
 - بازنشست هگان امان را محتاج
 - کارمندان امان را بیکار
 - کارگران امان را گرسنه
 - کارآفرینان امان را بدهکار
 - بانکهایمان را کم رقم
 - مسئولان امان را اختلاسگر
 - مدیران امان را رانتی
 - پاسپورت امان را بی اعتبار
- و پول ملی امان را چهار هزار برابر بی ارزش کند!؟

امیر غفور، ارزشمندترین بازیکن والیبال ایران به رایید بخارست پیوست

امیر غفور، پشت خط زن باتجربه تیم شهداب یزد که یکی از عوامل اصلی قهرمانی این تیم در لیگ برتر والیبال ایران بود، به باشگاه رایید بخارست رومانی پیوست و از حضور در اردوهای آماده‌سازی تیم ملی انصراف داده است.

رایید بخارست برای جبران ضعف‌هایی که منجر به ناکامی این تیم در فصل گذشته والیبال رومانی شده است، امیر غفور و «دژان وینچیچ» پاسور اسلونیایی تیم «فریدریش هافن» آلمان را خریداری کرده است.

قوری و کتری، جایزه‌ی قهرمان دوم جهان؟!

بازیکن سابق تیم ملی راگی و عضو فعلی تیم قایقرانی ایران که اخیراً در مسابقات جهانی صاحب مدال نقره شده بود، در ویدئویی که در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد به هدیه‌ای که از مسئولان شهرش دریافت کرد، طعنه زد.

او در این ویدئو گفت: «مسئولان شورای شهر کرج بعد از هفت روز به‌دیدارش آمده و به پاس قدردانی از دستاورد ورزشی‌اش یک قوری و کتری به او هدیه داده‌اند!»

این ورزشکار صاحب مدال به طعنه خطاب به مسئولان گفت:

«ایشالا برای المپیک فلاسک بیاورید!»

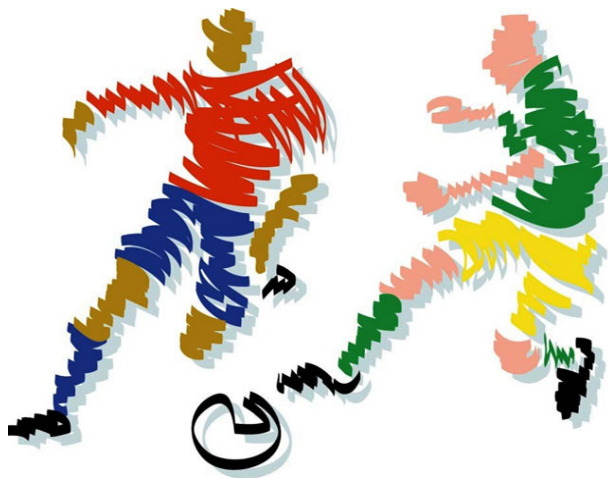
او در مسابقات قایقرانی آب‌های آرام قهرمانی جوانان زیر ۲۳ سال و پاراکانو آسیا به میزبانی ازبکستان در اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ صاحب مدال نقره شد.

سارا عبدالملکی در این باره گفت:

«من تنها قایقران ملی‌پوش در استان البرز هستم، اما آدمی نیستم که بخواهم از کمبودها ناله و گلابه کنم. تا الان هم هیچ حمایتی در استان نشده‌ام، اما به‌خاطر عشق به ورزش و کشورم تلاش کرده‌ام. مسائل مالی برایم اهمیتی ندارد، به‌طوریکه حتی برای فعالیت قدرتمندتر در ورزش قرض هم کرده‌ام، اما رفتاری که اخیراً با من شد، توهین‌آمیز بود.»



عبدالملکی، مدال آورزن، قوری و کتری هدیه گرفت



ورزش در پژوهش

تیم ملی فوتبال ایران فاتح نخستین دوره رقابت‌های «کافا» شد

تیم ملی ایران در دیدار پایانی تورنمنت «کافا» شامگاه سه‌شنبه ۳۰ خرداد در ورزشگاه «بنیادکار» تاشکند به‌مصاف ازبکستان رفت که در پایان یک بر صفر میزبان خود را شکست داد و فاتح نخستین دوره این رقابت‌ها شد.

نیمه نخست این دیدار با تساوی بدون گل به پایان رسید و سردار آزمون در دقیقه ۴۸ تک گل ایران را به‌ثمر رساند. این مسابقه سیزدهمین فینال در رقابت‌های بین‌المللی بود و تیم ایران به حسرت ۱۵ ساله جام ملی خاتمه داد.

از مهمترین قهرمانی‌های ایران در عرصه ملی می‌توان به ۲ عنوان قهرمانی جام ملت‌های آسیا اشاره کرد.

در این مسابقات تیم ملی فوتبال ایران پس از کسب دو پیروزی پرگل ۶ بر یک مقابل افغانستان و ۵ بر یک برابر قرقیزستان به‌دیدار پایانی راه یافته بود.

ازبکستان نیز عمان را ۳ بر صفر، ترکمنستان را ۲ بر صفر و تاجیکستان را ۵ بر یک شکست داده بود.

مبارزه با نژادپرستی؛ تیم ملی فوتبال برزیل سیاه‌پوش شد

تیم ملی فوتبال برزیل در نیمه اول دیدار مقابل گینه که در اسپانیا برگزار شد، در راستای کارزار مبارزه با نژادپرستی‌اش با لباس سراسر سیاه در زمین حاضر شد.

برزیل که همواره با لباس زرد بازی می‌کند، در این مسابقه که در ورزشگاه اسپانیول شهر بارسلونا برگزار شد، حریفش را ۱-۴ شکست داد.

این اقدام تیم ملی برزیل به‌دلیل حمایت از «وینیسیوس جونیور»، ستاره این تیم بود که در رقابت‌های فصل گذشته فوتبال اسپانیا بارها از سوی هواداران رقیبان رئال مادرید هدف توهین‌های نژادپرستانه قرار گرفته بود.

قبل از بازی، بازیکنان دو تیم پشت بنری ایستادند که روی آن به زبان پرتغالی نوشته شده بود:

«با نژادپرستی، بازی‌ای وجود نخواهد داشت.»



دونده زن ایرانی؛ هم رکورد شکست هم طلا گرفت

رکورد دو ۱۰۰ متر بانوان ایران شکسته شد

بانو حمیده اسماعیل نژاد دونده سرعت کشورمان از سبزوار در رقابت‌های بین‌المللی دو و میدانی شهر «ارزروم» در کشور ترکیه با ثبت زمان ۱۱/۴۳ ثانیه ضمن شکستن رکورد دو ۱۰۰ متر بانوان ایران، به مدال طلای این مسابقات دست یافت.

خانم اسماعیل نژاد در حالی موفق به این رکورد شکنی شد که سرعت باد منفی ۱/۳ بوده است.

رکورد قبلی این رشته با زمان ۱۱/۴۴ ثانیه متعلق به خانم فرزانه فصیحی بود.

رکورد بدست آمده در این مسابقات توسط خانم حمیده اسماعیل‌نژاد پس از منفی بودن تست دوپینگ از سوی کمیته پزشکی ثبت خواهد شد.

نمک ناشناسان

زمانیکه خمینی به ایران آمد، چهره‌های واقعی مردم ناسپاس ایران، از جمله ورزشکاران، نمایان شد. در این رابطه دو وزنه‌بردار و نمک‌ناشاس کشورمان، آقایان محمود نامجو و محمد نصیری بدیدار خمینی شتافتند.

محمود نامجو بعد از کسب مقام سوم در مسابقات وزنه‌برداری المپیک ۱۹۴۸ لندن مبلغ یکصد هزار تومان (آن زمان) دریافت کرد، چرا که وی توانسته بود نخستین مدال را برای ایران به ارمغان بیاورد.

محمد نصیری نیز علاوه بر کم‌های مالی، به‌خاطر افتخاراتی که برای ایران آورده بود از جانب علیاحضرت فرح پهلوی، ورزشگاهی که در تهران، خیابان حافظ بود به نام «ورزشگاه محمد نصیری» نامگذاری شد.

اما آنها به دیدار خمینی رفته و از او درخواست کردند به‌جای سرود شاهنشاهی، سرود اسلامی برای ایران تهیه کنند!؟

خداحافظی و ریای غفاری از مستطیل سبز

وریا غفوری اسطوره مردمی فوتبال کشورمان (زاده‌ی ۲۹ شهریور ۱۳۶۶ سنندج) از دنیای فوتبال به‌عنوان بازیکن خداحافظی و به جرگه مربیان پیوست.

وریا غفوری کاپیتان سابق باشگاه استقلال، بازیکنی بزرگی که همیشه و همواره در کنار مردم ایستاد و به‌همین دلیل محبوب دل همه هواداران فوتبال ایران زمین شد.

شاید بتوانند او را به ورزشگاه راه ندهند، اما سال‌هاست که او در دل بسیاری از مردم (چه فوتبالی و چه غیرفوتبالی) جایگاه ویژه‌ای پیدا نموده است.

این شعار زیبا را که بارها در ورزشگاه‌ها شنیدیم هرگز فراموش نخواهیم کرد:

وریا با غیرت حرف تو حرف ملت

۱۰ بازیکن برتر تاریخ فوتبال جهان از نگاه هوش مصنوعی

ربات مکالمه «بارد» که توسط شرکت گوگل، غول دنیای فناوری، در فوریه سال جاری توسعه یافته است، فهرست ۱۰ بازیکن برتر تاریخ دنیای فوتبال را مشخص کرد.

ادسون آرائنتس دو ناسمینتو ملقب به «پله»، ابراسطوره فوتبال جهان، جایگاه نخست این لیست ۱۰ نفره را از آن خود کرد.

«پله» که به‌عنوان بازیکن سه مرتبه (۱۹۵۸، ۱۹۶۲ و ۱۹۷۰) به‌همراه برزیل قهرمان جام جهانی شده است، در سال ۱۹۹۹ توسط کمیته بین‌المللی المپیک به‌عنوان بازیکن قرن بیستم برگزیده شد. او در ۱۳۶۳ بازی موفق شد ۱۲۷۹ گل به‌ثمر برساند.

دیگو مارادونا، ابراسطوره آرژانتینی فوتبال جهان، در رده دوم و بالاتر از دو فوق ستاره عصر جدید یعنی لیونل مسی (سوم) و کریستیانو رونالدو (چهارم) قرار گرفته است.

یوهان کرایف، زین‌الدین زیدان و فرانتس بکن‌بائر به‌ترتیب در جایگاه‌های پنجم، ششم و هفتم این لیست قرار گرفتند.

آلفردو دی‌استفانو اسطوره آرژانتینی باشگاه فوتبال رئال مادرید که در رای‌گیری نشریه «فرانس فوتبال» به‌عنوان دومین بازیکن برتر تاریخ بعد از «پله» شناخته شده بود، از نگاه ربات مکالمه «بارد» در جایگاه هشتم لیست برترین بازیکن تاریخ قرار گرفت.

میشل پلاتینی (فرانسوی) و رونالدینو (برزیلی) هم در رتبه‌های نهم و دهم قرار گرفته‌اند.

پله، معروف به مروارید سیاه



ثروتمندترین باشگاه‌های فوتبال جهان

نشریه «فوربس» در آخرین گزارش خود از با ارزش‌ترین و ثروتمندترین باشگاه‌های فوتبال در جهان رونمایی کرد که طی آن باشگاه «رنال مادرید» همچون سال گذشته در صدر جدول قرار دارد و تیم «پاری‌سن‌ژرمن» نیز سریع‌ترین رشد را در بین باشگاه‌های جهان داشته است.

بنا به ارزیابی‌های مجله «فوربس»، رنال مادرید با ارزش 7/6 میلیارد دلار به‌عنوان ثروتمندترین باشگاه جهان در سال 2023 معرفی شد.

در گزارش «فوربس» آمده است که «سپیدپوشان مادرید» به پنج فینال از 9 فینال اخیر لیگ قهرمانان اروپا رسیده و همه آنها را برده است.

رنال مادرید همچنین نزدیک به 400 میلیون دلار از پروژه «خیابان ششم و افسانه‌ها» به عنوان بخشی از قرارداد 20 ساله برای افزایش درآمد در استادیوم «سانتیاگو برنابئو» دریافت کرده است.

رنال مادرید نسبت به سال گذشته 19 درصد افزایش درآمد داشته است.

منچستر یونایتد با 6، بارسلونا با 5.51 و لیورپول با 5.29 میلیارد دلار در رتبه‌های دوم تا چهارم این فهرست جای گرفته‌اند.

منچستر یونایتد نسبت به سال گذشته 30 درصد رشد کرده و اکنون به 6 میلیارد دلار رسید.

فوربس همچنین نوشت که منچستر یونایتد به زودی با قیمتی در حدود 6 میلیارد دلار فروخته می‌شود که 7.7 برابر درآمد آنها است.

بر اساس گزارش‌ها، مناقصه برای خرید باشگاه منچستر یونایتد اکنون تنها به سر جیم رتکلیف و تاجر قطری شیخ جاسم رسیده است.

«گلیرها»، مالکان فعلی «شیاطین سرخ» در سال 2005، 1.5 میلیارد دلار برای خرید منچستر یونایتد پرداخت کردند و در صورت دستیابی به توافق برای فروش باشگاه، می‌توانند تا چهار برابر سود ببرند.

تیم‌هایی نظیر منچستر سیتی (4.99)، بایرن مونیخ (4.86)، پاری‌سن‌ژرمن (4.21)، چلسی (3.10)، تاتنهام (2.80) و آرسنال (2.26) ارزش دارند.

شایان ذکر است «سن‌ژرمن» برای دومین سال متوالی در بین 10 تیم برتر باقی مانده و به رده هفتم صعود کرده است. فوربس خاطر نشان می‌کند که به احتمال فراوان به زودی از طریق فروش سهام اقلیت پول به دست خواهد آورد که ارزش این تیم را به بیش از 4 میلیارد دلار خواهد رساند، که حدود 5.7 برابر درآمد آن است.

از زمانی که فوربس در سال 2004 شروع به انتشار ارزیابی‌های درآمدهای سالانه باشگاه‌های فوتبال کرد، رنال مادرید و منچستر یونایتد تنها دو تیمی هستند که همیشه در بین پنج باشگاه برتر این لیست قرار گرفته‌اند. در این مدت، رنال هفت و منچستر یونایتد 11 مرتبه در جایگاه نخست ایستاده‌اند.



آغاز ورزش در مدارس ایران

درس ورزش در مدارس ایران در زمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر آغاز شد و از سال 1306 قانونی و به مرحله‌ی اجرا در آمد.

این ورزشها شامل دویدن، شنا رفتن (پوش آب)، قدم آهسته و رژه رفتن بود و به‌دانش آموزان تاکید می‌شد که خمیده نهنشینند و هواره با قدم‌های استوار راه بروند!

خداحافظی رونالدو از دنیای فوتبال

کریستیانو رونالدو: تا زمان همبازی شدن با پسرم به فوتبال بازی کردن ادامه می‌دهم

کریستیانو رونالدو، ابراسطوره پرتغالی فوتبال جهان در جدیدترین مصاحبه‌اش زمان خداحافظی خود از مستطیل سبز را اعلام کرد.

دارنده پنج توپ طلای فوتبال جهان در مورد خداحافظی از فوتبال گفت: «جونپور پسرم از من خواسته تا از دنیای فوتبال خداحافظی نکنم تا بتواند به آرزویش برای بازی با من در یک تیم برسد و بعد از آن خداحافظی کنم.»

رونالدو 39 ساله در زمستان 2022 با قراردادی دو و نیم ساله و با دریافت حقوق سالانه 200 میلیون یورو منچستر یونایتد را به مقصد النصر سعودی ترک کرد.

پیش‌تر، «ماریا دلروس»، مادر رونالدو نیز ضمن تمجید از آمادگی جسمانی پسرش در 39 سالگی، گفت: «پسرم تا سه سال دیگر به بازی کردن در مستطیل سبز ادامه می‌دهد.»



کریستیانو رونالدو و پسرش

حرکت کنیم تا سلامتی و تندرستی با ما بماند...!

با توجه به اینکه پوست «اسید لپتونیک» (هورمون تنبلی) ترشح می‌کند، هرکس راه رفتن (پیاده روی) را ترک کند، سلامتی او را رها خواهد کرد.

چرا باید پیاده روی کنیم؟

پزشکان و کارشناسان اتفاق نظر دارند راه رفتن دارویی است که همه‌ی بیماری‌های زیر را درمان می‌کند.

- ۱- برای مبارزه با استرس، فشارهای روانی پیاده روی کنید.
- ۲- برای کاهش وزن راه‌پیمایی کنید.
- ۳- برای درمان دیابت، کلسترول بد بدن، هرروز راه بروید.
- ۴- پیاده روی کنید تا عملکرد کلیه، کبد، چشم... بهتر شود.
- ۵- برای انرژی بخشیدن به عمل قلب و کاهش سختی رگ‌ها راه‌پیمایی بسیار مفید است.
- ۶- برای جلوگیری از التهاب روده بزرگ و اختلالات گوارشی پیاده روی کنید.

۷- راه بروید تا سیستم ایمنی خود را فعال کنید.

۸- برای فعال کردن ماهیچه‌ها، استخوان‌ها و تقویت سلامت خود هفته‌ای چند روز راه‌پیمایی کنید.

اطباء همچنان تایید می‌کنند پیاده‌روی نقش بسیار مهمی در درمان تمامی بیماری‌های ارگانیک، روانی، روان‌تنی ایفا می‌کند و اگر دارویی به‌اندازه پیاده روی در بازار وجود داشت، پزشکان آن را در تمام نسخه‌ها تجویز می‌کردند.

پیاده‌روی یک درمان موثر و رایگان است، اما متأسفانه بیماران همچنان تمایلی به استفاده از آن ندارند.

یکی از پزشکان برجسته این جمله زیبا را بیان می‌کند: «اگر در اطراف هر بیمارستان زمین ورزشی ایجاد می‌شد و بیماران در آن پیاده‌روی می‌کردند، نیمی از بیماران در آنجا بستری نمی‌شدند و به‌طور قطع آنجا را ترک می‌کردند!



«خانم فاطمه روحانی»

تشدید موج مهاجرت ورزشکاران؛

پناهندگی یک تکواندو کار ملی پوش و مهاجرت دو اسکی باز ایرانی

طی روزهای اخیر و در پی تشدید موج مهاجرت ورزشکاران ایرانی، یک تکواندوکار ملی‌پوش به کشور آلمان پناهنده و دو اسکی‌باز نیز به فرانسه مهاجرت کرده‌اند.

روزنامه «شرق» چاپ تهران در شماره سه‌شنبه بیست و سوم خردادماه خود با اشاره به اینکه «فاطمه روحانی، ملی‌پوش سابق ایران، به آلمان پناهنده شد»، نوشت:

او یکی از «ورزشکاران با سابقه تکواندوی ایران» بود.

به نوشته این رسانه، فاطمه روحانی به دلیل «موضوعات سیاسی» و آنچه به‌طور کلی «ایجاد مشکل بر سر مسیرش» اعلام شده، از ایران رفته و درخواست پناهندگی داده است.

او از جمله چهره‌های فرهنگی - ورزشی بود که در طول اعتراضات سراسری سال گذشته شهرهای مختلف ایران، مطالبی انتقادی در شبکه‌های اجتماعی نوشت و تصاویری بدون «حجاب اجباری» نیز از خود منتشر کرد.

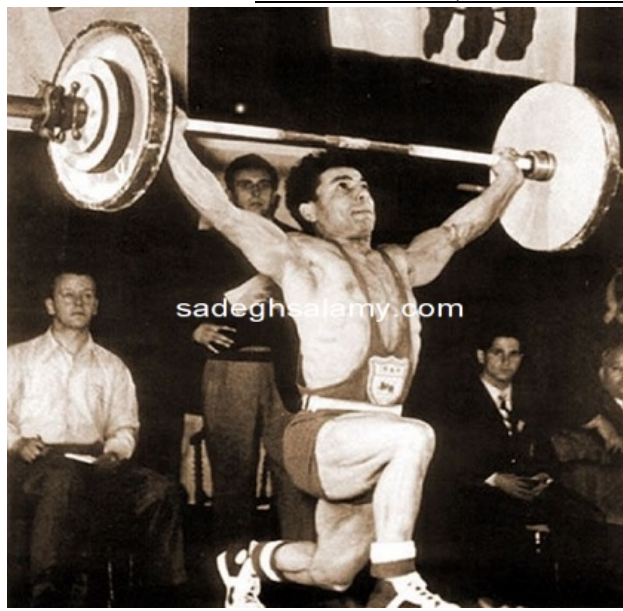
در این حال، برخی رسانه‌ها نیز از مهاجرت مرجان کلهر، نخستین زن المپیک اسکی که «پرچمدار» کاروان ایران در رقابت‌های «المپیک زمستانی ۲۰۱۰ ونکوور» بود نیز اعلام کردند و همراه با همسرش پوریا ساوه شمشکی، کاپیتان پیشین «اسکی آلپاین» به‌کشور فرانسه رفته‌اند.

به‌من‌ماه ۱۴۰۱ و پس از پناهنده شدن عاطفه احمدی، دیگر اسکی‌باز و «پرچمدار» کاروان ایران در رقابت‌های «المپیک زمستانی ۲۰۲۲ پکن» به کشور آلمان، خبرگزاری «مهر» نوشته بود: تا به حال «۶۶ ورزشکار حرفه‌ای» به کشورهای دیگر پناهنده شده و فعالیت‌شان را با پرچمی غیر از پرچم ایران پیش گرفته‌اند.

ستار صید از ملی‌پوشان با سابقه و المپیک و سمیرا زرگری، سرمربی پیشین «تیم ملی آلپاین زنان ایران» هم از دیگر ورزشکاران حرفه‌ای هستند که در ماه‌های گذشته از ایران رفته و کشورهای دیگری را برای ادامه فعالیت خود برگزیده‌اند.

«سونامی مهاجرت» در ایران، دیگر صرفاً شامل دانشگاهیان، فارغ‌التحصیل یا متخصصانی همچون جامعه بهداشت و درمان نیست و علاوه بر پایین آمدن سن آن و رسیدن به قشر دانش‌آموران کشور، میان ورزشکاران حرفه‌ای نیز افزایش چشمگیری یافته است.

شیران بیشه ما نیز جنگالهای آهنین دارند



محمود نامجوی، یکی از پرافتخارترین وزنه‌برداران ایران

محمود نامجوی (۳۰ شهریور ۱۲۹۷ - ۳۰ دی ۱۳۶۸) وزنه‌بردار ایرانی بود. وی با کسب سه مدال طلا، یک مدال نقره و دو مدال برنز در قهرمانی‌های وزنه‌برداری جهان و همچنین یک نشان نقره و یک برنز بازی‌های المپیک و یک نشان طلا و یک برنز بازی‌های آسیایی، یکی از پرافتخارترین وزنه‌برداران ایران می‌باشد. او همچنین دارای عناوین قهرمانی ایران در رشته‌های ورزشی کشتی و زیبایی اندام بود. نام او به عنوان نخستین ایرانی برنده‌ی نشان طلای جهان در ورزش حرفه‌ای به ثبت رسیده است.

محمود نامجوی در سال ۱۲۹۷ خورشیدی در محله‌ی استادسرای رشت به دنیا آمد. پدرش مشهدی تقی به کار آزاد و تجارت اشتغال داشت. او علاوه بر وزنه‌برداری، در ورزش زورخانه‌ای، ژیمناستیک، بدن‌سازی و کشتی نیز فعالیت داشت و در ۱۸ سالگی عنوان قهرمانی کشور در رشته کشتی را به دست آورد.

نامجوی نخستین مدال طلای جهانی وزنه‌برداری را در قهرمانی جهان ۱۹۴۹ لاهه برای ورزش ایران به ارمغان آورد و در بازی‌های آسیایی ۱۹۵۱ دهلی نو نخستین وزنه‌بردار آسیایی شد که توانست رکورد جهانی را ترقی دهد. از شگفتی‌های نامجوی کسب مدال در مسابقات قهرمانی جهان، در سن ۳۸ سالگی بود.

محمود نامجوی سرانجام در ۳۰ دی ۱۳۶۸ در بیمارستان مهر تهران بر اثر عوارض ناشی از تمرین‌های سنگین ورزشی و کهولت سن درگذشت و در قطعه‌ی ۲۲ بهشت زهرا تهران به خاک سپرده شد. از او چهار دختر و یک پسر به جا مانده است.

تندیس او در خیابان نامجوی رشت، روبروی دانشکده‌ی علوم پایه‌ی دانشگاه گیلان نصب شده است.

مدالها و مقامهای ورزشی محمود نامجوی

عناوین قهرمانی محمود نامجوی از سال ۱۹۴۷ قاهره تا سال ۱۹۵۸ توکیو (بدون در نظر گرفتن مدال‌های او در رویدادهای

دوستانه‌ی داخلی و خارجی) به شرح زیر می‌باشد:

* - مدال طلای مسابقات بین‌المللی قاهره ۱۹۴۷

* - مقام پنجم بازی‌های المپیک ۱۹۴۸ لندن

* - مدال طلای قهرمانی جهان ۱۹۴۹ لاهه

* - مدال طلای قهرمانی جهان ۱۹۵۰ پاریس

* - مدال طلای قهرمانی جهان ۱۹۵۱ میلان

* - مدال طلای بازی‌های آسیایی ۱۹۵۱ دهلی

* - مدال نقره بازی‌های المپیک ۱۹۵۲ هلسینکی

* - مدال نقره قهرمانی جهان ۱۹۵۴ وین

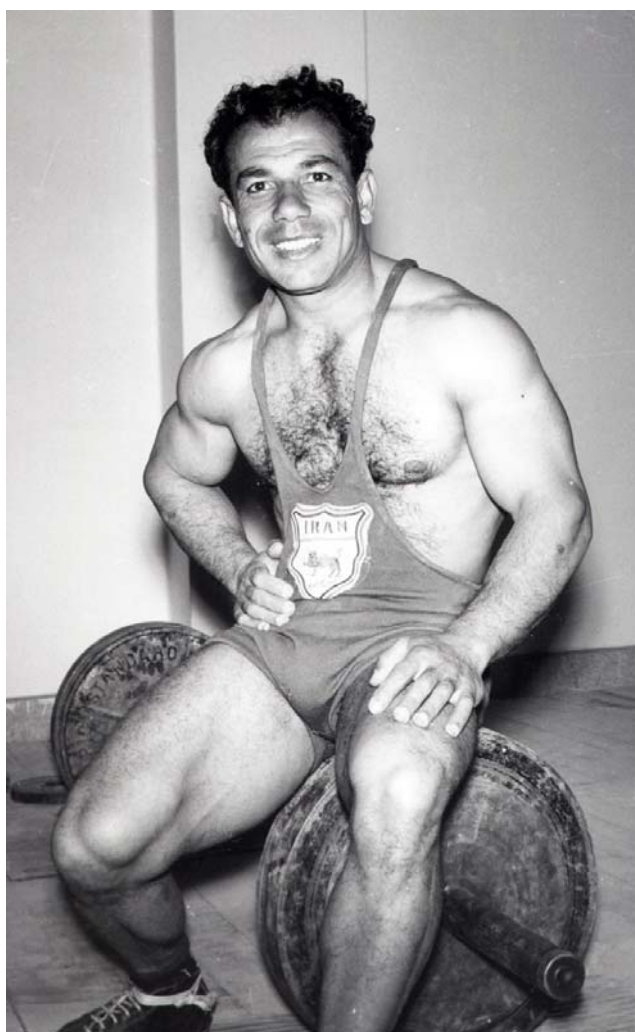
* - مدال برنز قهرمانی جهان ۱۹۵۵ مونیخ

* - مدال برنز بازی‌های المپیک ۱۹۵۶ ملبورن

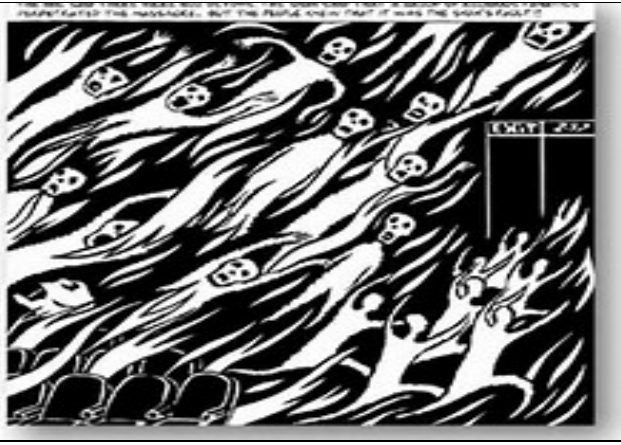
* - مدال برنز قهرمانی جهان ۱۹۵۷ تهران

* - مدال نقره قهرمانی آسیا ۱۹۵۷ تهران

* - مدال نقره بازی‌های آسیایی ۱۹۵۸ توکیو



محمود نامجوی



Iranian People
Never Forget, Never forgive!
Revolutionary Arson 19th August 1978:
470 Burnt Alive

Thirty-nine years ago today, 470 innocent people were burned alive inside the movie theatre in southwest Iran. The movie theatre on the first floor of a shopping arcade. Victims included entire families: mothers, fathers, children and siblings who should have spent a fun day together at the movies.

On 19th August 1978, Cinema Rex in the city of Abadan in the Khuzestan province in south west Iran, was set ablaze by fanatic followers of Ayatollah Khomeini. Despite all the terrorist attacks around the globe since that day, the fire at Cinema Rex still ranks amongst the top five worst terrorist attacks worldwide. Yet this mother of all terrorist acts against ordinary innocent people remains largely unknown outside Iran.

For Khomeini and his followers, cinemas were a symbol of decadence. In their medieval mindset, cinemas promoted corruption and prostitution. Since the inception of the Islamic Revolution in January 1978, when a few seminary students had protested against an article that derided Khomeini's Indian origins and his reactionary views, Islamists had unabashedly burned down more than two dozens cinemas across Iran. Yet when cinema Rex was set on fire, the Shah's opposition -the Islamists, the Communists and the liberal National Front- blamed the state secret police, SAVAK for the tragedy.

The National Front accused the Shah of being behind the arson attack in order to justify a crackdown on the opposition. The Front likened the Rex fire to the burning of Reichstag in Berlin. The international media, in love with the Shah's adversaries, fell for the narrative hook, line and sinker. The Shah's men, incompetent and indecisive, were no match for the opposition's propaganda skills. Indeed the culprit who had lit the match, Hossein Takbalizadeh, had turned himself in and was in custody.

The fake news of that era would have survived to this day, but for two eventualities. First, the families of the victims demanded a public trial and refused to keep silent after the revolution. As importantly, the tormented perpetrator admitted to his crime during the public trial.

He refused to be coerced into giving the revolutionary narrative or seeking remission in the punishment he deserved.

The protests that had began against the Shah in January, 1978, had largely been confined to the religious cities in Iran and Abadan, a cosmopolitan city with the world's largest oil refinery and Iran's main petrochemical industries had played no part in the sporadic disturbances before the fire at cinema Rex. Even in the religious cities, the protests seemed to be running out of steam and the Islamists needed to reignite the protests to keep the momentum going.



It all came down to a petty thief and a drug peddler by the name of Hossein Takbalizadeh to change the course of history for worse. Takbalizadeh was a trained welder but mostly he hung out with his chums and dealt heroin and hashish. He had previous arrests and jail sentences for theft, assault and arson too. At some point he was introduced to radical Islam by someone in his neighbourhood, called Asghar Nowruzi. Together they would go to a religious centre in Abadan, called Hosseinieh, where they made other like minded comrades.

Takbalizadeh was sent to a clinic in Isfahan to cure his addiction. There he was introduced to more revolutionary religious literature. He returned to Abadan with a suitcase full of subversive literature and tape recordings of Khomeini's fiery sermons.

Upon his return to Abadan, Takbalizadeh and his friends from Hosseinieh were further incited by Kiavash, a school teacher who was a Khomeini devotee. Kiavash told them, "the youth from other parts of Iran have sent you women's underwear to wear because they don't think you are man enough in Abadan. Everywhere else in Iran, the youth are taking action against the Shah but not in Abadan"

Takbalizadeh and three of his friends, Faraj, Yadollah and Fallah decided to set a cinema on fire to fan the flames of the Islamic revolution in Abadan. They first went to Soheila cinema. They filled four used drink bottles with paint thinner and poured it over the lobby but it did not catch fire. Takbalizadeh, who had previous experience of arson, recognised that the problem was because the paint solvent they used evaporated too quickly. They decided to add cooking oil to stabilise the solvent. They went back to Soheila cinema but by then it was closed. They planned to come back the next day but intoxicated with revolutionary zeal to do God's work, they remembered another cinema opposite the municipality, that was Cinema Rex.

They bought skewers of liver kebab to eat before the next show. As they watched their liver kebabs cook over the charcoal grill, little did they know they will soon be responsible for more than 400 innocent people burn to death.

Halfway through the film all four went to the lobby. In the absence of any cinema officials there, they poured the solvent on the wall and on the floor and Takbalizadeh lit the match. The flames quickly engulfed the lobby first and then spread to inside the theatre room, many died in their seats suffocated by the poisonous gases. Takbalizadeh himself escaped by the main stairs but the other three perpetrators died too.

Takbalizadeh, agonized and tormented by the terrible crime he had committed, confessed his crime to his friends and to his mother and later to the police who had arrested him for taking part in a brawl, but by then the Shah's government was totally dysfunctional and the revolutionaries were controlling the events.

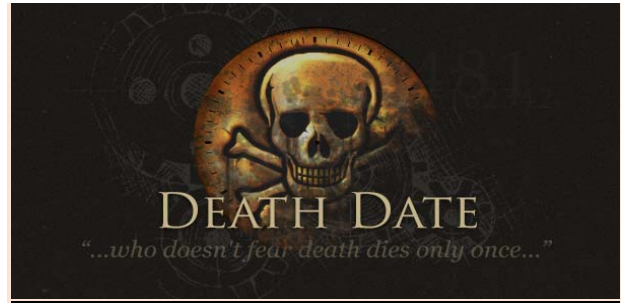
After the revolution's victory, when the prisoners broke loose across Iran, Takbalizadeh too escaped and travelled all the way to Tehran to confess his guilt. He tried to see Khomeini but he could not pass through the crowds at Alavi school to reach him. The interior minister of the new revolutionary government also turned him away.



The men who had provoked and manipulated him were now the dignitaries of the new regime, they told him to go away, keep quiet and forget about it.

Finally when the pressure from the families of the victims forced the new regime to hold an open trial, Takbalizadeh wept and confessed everything in front of the public. The cleric judge, Moussavi-Tabrizi and the prosecutors made a great effort to blame the fire on the Shah's secret police and convince Takbalizadeh that he was manipulated by the agents of the ancien régime led by their American and Israeli puppet masters. The prosecutor even tried to claim the fluid used to set the cinema on fire was military grade fuel only accessible to governments. Takbalizadeh was not bartering for his life. He had just one wish: to confess and ease his conscience. If Takbalizadeh did one thing worthwhile in his entire wretched life, it was the courage he showed in that trial to tell the truth as it was.

Aristotle said "When great interests are at stake, revolutions are often caused by trifles". The trifle in the 1979 revolution in Iran, was a petty criminal called Takbalizadeh. Fortune was riding with the revolutionaries. Terror had paid them handsome dividends. They had got away with burning people alive. They had managed to fool the intellectuals, the media and the world. So much so, that the US ambassador to Iran, William Sullivan, referred to Khomeini as a "Gandhi-like figure" and US Ambassador to the UN at the time, Andrew Young, said "Khomeini will eventually be hailed as a saint"!



2 days after death, some life continues in body!?

Death is more like the slow shutdown of a computer than the flipping off of a light switch, says a scientist, explaining a new study that shows genes in the body remain alive for about two days after the heart stops.

In the study of mice and zebrafish, University of Washington researchers found that gene activity generally decreased after death, as would be expected, per New Scientist.

But 548 zebrafish genes and 515 mouse genes showed peak levels of messenger RNA—which genes use to communicate with cells—up to 48 hours after death in what researchers termed the "twilight of death." In other words, "not all cells are 'dead' when an organism dies," study author Peter Noble tells Seeker.

He believes the same thing occurs in humans, too. The activated genes were associated with fetal development, stress, immunity, inflammation, and cancer, says Noble, who suggests the cells may be "attempting to repair themselves" just as if the body were alive.

It's also possible that they're activated simply because the genes that normally suppress them do turn off after death. Researchers note that a similar activation of cancer genes may explain why organ transplant recipients are more prone to get cancer, though more research is needed to determine possible strategies to rectify this, per a release.

Researchers say a measurement of mRNA in the body after death may also result in more precise times of death, possibly down to the minute. (Scientists are working to reverse death.)



War Hero.....

Brig. General Jalil Zandi

Brig. General Jalil Zandi (Persian: جلیل زندی) (1951–2001) was a fighter pilot in the Iranian Air Force who served for the full Iran–Iraq War. His record qualifies him as an ace and the most successful pilot of that conflict in air-to-air combat. It also made him the highest-scoring pilot in the history of the F-14 Tomcat.

Jalil Zandi's Air Force legend almost never made it off the ground. He joined the Iranian Air Force when it was still the Imperial Iranian Air Force, under Shah Reza Pahlavi. After the 1979 Islamic Revolution, Zandi stayed blue – a risky move at a time when Iranian military officers were being executed for doing their duty to one's country.

But fighter pilots need to be bold and take risks. Zandi did spend some time in a prison cell, sentenced to 10 years for... whatever. Does it matter? In September 1980 – less than a year after the revolution in Iran – Saddam Hussein's Iraqi troops invaded Iran whose military was woefully undermanned. So, Zandi was back in the pilot's seat within six months.

It was a good thing too. Then-Major Zandi had some serious skills at the controls of his F-14 Tomcat. Forget what you think about the governments of Iran and Iraq in this time period, you have to admire a pilot who fought Iraqis in the skies for eight straight years to keep them from shooting chemical weapons at playgrounds. Zandi survived the brutal eight-year-long war, and according to the U.S. Air Force's intelligence assessments, he took down 11 Iraqi aircraft - four MiG-23s, two Su-22s, two MiG-21s, and three Mirage F-1s. His last engagement of the

war saw him go up against eight enemy Mirage F1s over Iraq in 1988. He scored two unconfirmed kills but was badly shot up in the dogfight and had to break off. He was able to fly back to his base in Iran and the war ended that very same year.

He received the Order of Fath 2nd Class for his time in the skies over enemy territory. The Fath Medal is one of the highest awards an Iranian military member can receive and is personally presented by the Supreme Leader. Jalil Zandi's 11 kills in the F-14 make him the highest-scoring Tomcat pilot ever. Zandi died in a car accident near Tehran in 2001, having reached the rank of Brigadier General.



Brigadier General Pilot Ayatollah Mohaghegh

Brigadier General Ayatollah Mohagheghi (died July 19, 1980 in Tehran) was a brigadier general of the Iranian Air Force, the commander of the Mehrabad 1st hunting base, and a member of the Golden Crown acrobat team.

After the 1979 Iranian Revolution, he was a member of the Leadership Council of the Nojeh Coup, known as the "Niqab Uprising," who was arrested, tried, and executed on July 19, 1980, after the coup was discovered.



Dr. Firouz Naderi, passed away

We are saddened to share that Dr. Firouz Naderi, passed away (on Friday, nuje 9, ta (,2023 the age of 77. We extend our sincere condolences to his family, friends, and all who knew him.

Born in Shiraz, Iran, Dr. Naderi came to the United States for college in 1964. He received his undergraduate degree at Iowa State University and his master's and PhD at the University of Southern California, all in electrical engineering.

Since then, he worked in various technical and executive positions at NASA's Jet Propulsion Laboratory where he was in charge of the many programs and projects that expanded our understanding of our galaxy.

He returned to Iran for three years to work for the Iranian Remote Sensing Agency but left in 1979.

During his career, Dr. Naderi worked on cellular communications satellites, radar measurement technology, remote sensing observatories, robotic space missions to planets and moons, and much more.

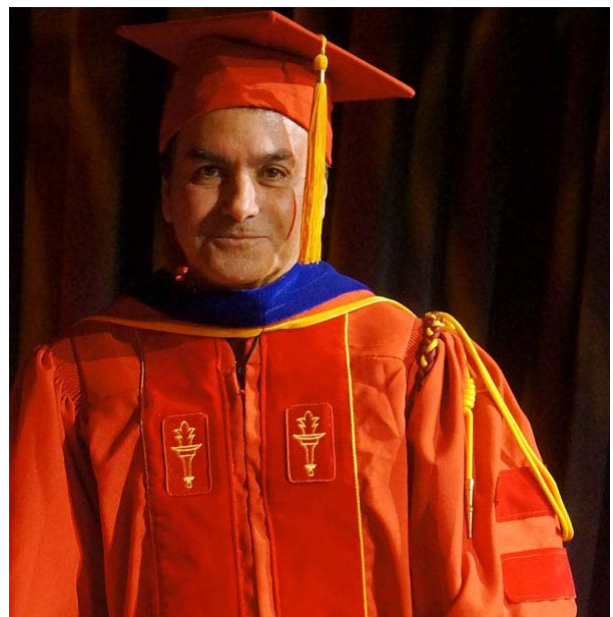
From 1996-2000, he managed the Origins Program in its search for Earth-like planets. This led him to his role as head of the Mars Exploration Program (2000-2005) where he launched six successful Mars landings, including the rovers Spirit and Opportunity. He also led the launch of the Mars Odyssey spacecraft that is still in orbit today.

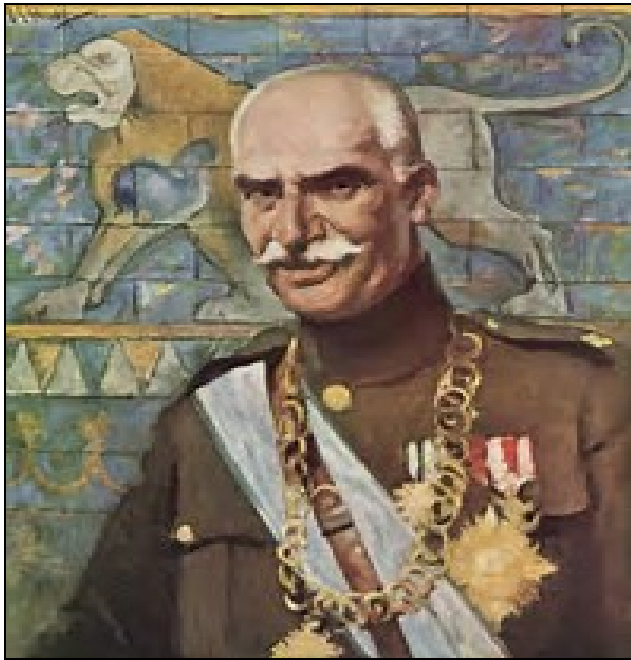
In 2005, Dr. Naderi was named Associate Director of the Project Formulation and Strategy which was followed by his final position as Director for Solar System Exploration. In this role, he sent robotic missions to Jupiter, Saturn, asteroids, and Europa, and led the formation of the first-ever Mars helicopter.

He received numerous awards for his work including NASA's Outstanding Leadership Medal, Space Technology Hall of Fame Medal, and NASA's most prestigious award: the Distinguished Service Medal. Upon his retirement in 2016, the International Astronomical Union even renamed an asteroid after him.

Dr. Naderi was a great boon to the scientific community but also a pivotal figure in the Iranian American community. He served on PAAIA's Board for numerous years, many of which he dedicated to the position of Vice Chair. His leadership provided fundamental support for both PAAIA and the Iranian American community. Dr. Naderi also served on the boards of the Iranica Encyclopaedia, Keep Children in School Foundation, and the International Society of Children with Cancer.

Because of his deep commitment to Iranian American youth, Dr. Naderi mentored thousands of Iranian Americans and young scientists during his lifetime. He also helped establish PAAIA's Pass the Torch program. Along with his many scientific awards, Naderi also received the Ellis Island Medal of Honor in 2003 and the "Great Immigrants: The Pride of America" award by Carnegie Corporation of New York in 2015.





Reza Shah Pahlavi

Reza Shah Pahlavi, also spelled Riza Shah Pahlevi, original name Reza Khan (born March 16, 1878, Alasht, Mazandaran province, Iran—died July 26, 1944, Johannesburg, South Africa), Iranian army officer who rose through army ranks to become shah of Iran (1925–41) and began the regeneration of his country.

Early Career

After the death of his father, Maj. Abbas Ali Khan, Reza's mother took him to Tehrān, where he eventually enlisted as a private in an Iranian military unit under Russian instructors. Tall and powerfully built, the young soldier, from the beginning, showed an uncommonly strong will, remarkable intelligence, and a capacity for leadership. He was highly regarded by his seniors.

Coup Of 1921

After centuries of misrule by its former rulers and the ravages of the war waged by foreign belligerents on its soil from 1914 to 1919, Iran in 1921 was prostrate, ruined, and on the verge of disintegration.

The last of the shahs of the Qājār dynasty, Ahmad Shah, was young and incompetent, and the cabinet was weak and corrupt.

Patriotic and nationalist elements had long been outraged at the domination of Iran by foreign powers, especially Great Britain and Russia, both of which had strong commercial and strategic interest in the country.

This situation led Reza Khan to decide on an attempt at putting an end to the chaos by taking over power and forming a strong government, bolstered by an effective and disciplined military force. He enlisted some young progressive Iranian elements and also received some encouragement from British diplomats for the endeavour. On February 21, 1921, he occupied Tehrān at the head of 1,200 men. A young journalist, Sayyid Zia al-Din Tabataba'i, became prime minister, while Reza Khan took command of all the military forces and was appointed minister of war a few weeks after.

Reza Khan cherished the idea of regenerating the Iranian nation and leading it on the path of progress. Many had imagined that Reza Khan, whom they took to be an unsophisticated regimental officer, would be content with a high-sounding title and a sword of honour given by the shah. But he was not about to step aside to allow a mixed group of inexperienced though sincere idealists and foreign-influenced opportunists to rule the country.

His progress toward supreme power was extraordinarily rapid. Of a forbidding appearance, he talked very little and never revealed his intentions. Displaying great political talent against his opponents, he divided and weakened them. He also understood that to reach his ultimate objective he had to have complete control over a military force and that that required money. Able to levy some taxes, he built up the army with the proceeds and then used the army to collect more taxes, until finally he had gained control over the entire country. As war minister, he was the real power behind several prime ministers in succession until 1923, when he became prime minister himself.

The sovereign, Ahmad Shah, was ill and undergoing a lengthy cure in Europe. In spite of the entreaties of Reza Khan and the speaker of the Majles (Iranian parliament), the shah refused to return to Iran. Reza Khan then considered proclaiming a republic but was dissuaded by the strong opposition to the idea by the majority of the people.

In 1925 the Majles deposed the absentee monarch, and a constituent assembly elected Reza Khan as shah, vesting sovereignty in the new Pahlavi dynasty.

Policies As Shah

After his coronation in April 1926, Reza Shah continued the radical reforms he had embarked on while prime minister. He broke the power of the tribes, which had been a turbulent element in the nation, disarming and partly settling them. In 1928 he put an end to the one-sided agreements and treaties with foreign powers, abolishing all special privileges. He built the Trans-Iranian Railway and started branch lines toward the principal cities (1927–38).

He emancipated women and required them to discard their veils (1935). He took control of the country's finances and communications, which up to then had been virtually in foreign hands. He built roads, schools, and hospitals and opened the first university (1934). His measures were directed at the same time toward the democratization of the country and its emancipation from foreign interference.

His foreign policy, which had consisted essentially of playing the Soviet Union off against Great Britain, failed when those two powers joined in 1941 to fight the Germans. To supply the Soviet forces with war material through Iran, the two allies jointly occupied the country in August 1941.

Reza Shah then decided to abdicate, to allow his son and heir, Mohammad Reza Pahlavi, to adopt a policy appropriate to the new situation, and to preserve his dynasty.

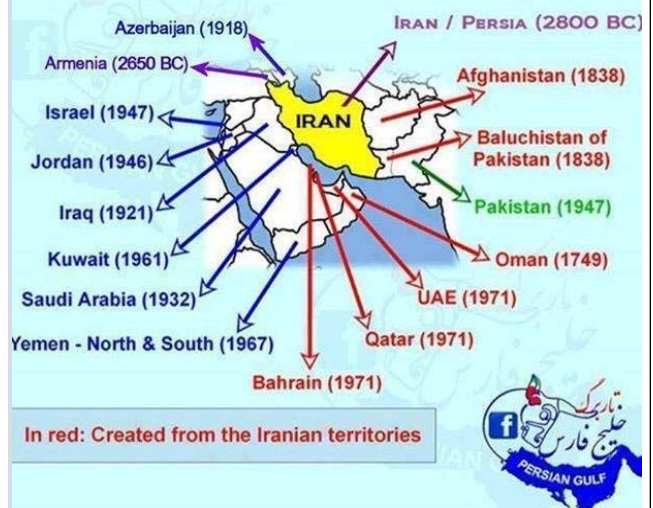
He wanted to go to Canada, but the British government sent him first to Mauritius and then to Johannesburg, where he died in July 1944.



Iranian Holocaust

We remember the Iranian Genocide during World War I perpetrated by English. England alone is responsible for more than 10 million death in Iran. We demand restitution and incorporation of Iranian Genocide in the history books. During World War Two, the English occupied our country as well, bombed everything in their path and killed as many as they could. They didn't even let Iranians take part in WWII memorials in Europe. They still don't. We demand recognition of Iranian Genocide by the World Community if there is such a thing.

Countries Created in the Middle-East by Britain Between 1749-1971





12 Benefits of Walking

Walking is easy to do and offers many benefits, especially for people with arthritis.

What's not to like about walking? It's free. It's easy to do, and it's easy on the joints. And there's no question that walking is good for you. Walking is an aerobic exercise; a University of Tennessee study found that women who walked had less body fat than those who didn't walk. It also lowers the risk of blood clots, since the calf acts as a venous pump, contracting and pumping blood from the feet and legs back to the heart, reducing the load on the heart. Walking is good for you in other ways as well.

1. Walking improves circulation.

It also wards off heart disease, brings up the heart rate, lowers blood pressure and strengthens the heart.

Studies at the University of Colorado at Boulder and the University of Tennessee found that post-menopausal women who walked just one to two miles a day lowered blood pressure by nearly 11 points in 24 weeks. Women who walked 30 minutes a day reduced their risk of stroke by 20 percent – by 40 percent when they stepped up the pace, according to researchers at the Harvard School of Public Health in Boston.

2. Walking shores up your bones.

It can stop the loss of bone mass for those with osteoporosis, according to Michael A. Schwartz, MD, of Plancher Orthopedics & Sports Medicine in New York. In fact, a Brigham and Women's Hospital, Boston, study of post-menopausal women found that 30 minutes of walking each day reduced their risk of hip fractures by 40 percent.

3. Walking leads to a longer life.

Research out of the University of Michigan Medical School and the Veterans Administration Ann Arbor Healthcare System says those who exercise regularly in their fifties and sixties are 35 percent less likely to die over the next eight years than their non-walking counterparts. That number shoots up to 45 percent less likely for those who have underlying health conditions.

4. Walking lightens mood.

A California State University, Long Beach, study showed that the more steps people took during the day, the better their moods were. Why? Walking releases natural pain-killing endorphins to the body – one of the emotional benefits of exercise.

5. Walking can lead to weight loss

A brisk 30-minute walk burns 200 calories. Over time, calories burned can lead to pounds dropped.

6. Walking strengthens muscles

It tones your leg and abdominal muscles – and even arm muscles if you pump them as you walk. This increases your range of motion, shifting the pressure and weight from your joints and muscles – which are meant to handle weight – helping to lessen arthritis pain.

7. Walking improves sleep

A study from the Fred Hutchinson Cancer Research Center in Seattle found that women, ages 50 to 75, who took one-hour morning walks, were more likely to relieve insomnia than women who didn't walk.

8. Walking supports your joints

The majority of joint cartilage has no direct blood supply. It gets its nutrition from synovial or joint fluid that circulates as we move.

Impact that comes from movement or compression, such as walking, "squishes" the cartilage, bringing oxygen and nutrients into the area.

If you don't walk, joints are deprived of life-giving fluid, which can speed deterioration.

9. Walking improves your breath.

When walking, your breathing rate increases, causing oxygen to travel faster through bloodstream, helping to eliminate waste products and improve your energy level and the ability to heal.

10. Walking slows mental decline

A study of 6,000 women, ages 65 and older, performed by researchers at the University of California, San Francisco, found that age-related memory decline was lower in those who walked more.

The women walking 2.5 miles per day had a 17-percent decline in memory, as opposed to a 25-percent decline in women who walked less than a half-mile per week.

11. Walking lowers Alzheimer's risk

A study from the University of Virginia Health System in Charlottesville found that men between the ages of 71 and 93 who walked more than a quarter of a mile per day had half the incidence of dementia and Alzheimer's disease, compared to those who walked less.

12. Walking helps you do more, longer

Aerobic walking and resistance exercise programs may reduce the incidence of disability in the activities of daily living of people who are older than 65 and have symptomatic OA, shows a study published in the Journal of Clinical Outcomes Management.

Honey heals teeth

Did you know that honey is the only type of sugar that actually improves your tooth health instead of harming it? It's true!

Most types of sugar feed bad bacteria that causes tooth decay and bad breath. However, honey is VERY different!

Honey naturally contains anti-microbial compounds that kill harmful bacteria in the mouth and allow good oral bacteria to flourish. In fact, many hunter-gatherer tribes around the world that consume large amounts of honey have been found to have very good oral health and lack of cavities despite their frequent honey consumption.

Not only that, but honey has dozens of health benefits in the body including helping your body produce nitric oxide, which improves blood flow (a big benefit that older men enjoy from honey for both heart health and erectile health!)... Just make sure when choosing honey to choose local when possible and always raw. You want to avoid mass produced honey that came from China which is often fraudulently cut with high fructose corn syrup to make it cheaper.

While honey is one way to reduce bad bacteria in your mouth to improve oral health, there's another newly discovered way below to get specific types of healthy bacteria to prevent cavities and rebuild teeth, improve gum health, and more...

Chewing This Unique Bacteria Stops Cavities & Bleeding Gums, Freshens Breath, and Rebuilds Tooth Enamel...

It may sound odd but it is scientifically proven... According to a Harvard scientist, swallowing these newly discovered bacteria is all you need to do to fix all your dental issues, from gum bleeding and teeth rotting to bad breath and cavities.

These amazingly efficient bacteria work by reconstructing your enamel (the outer layer of your teeth)...

Making them 20x stronger than a normal tooth... Like a titanium shield against cavities, root infection and enamel erosion.

Some say their teeth are now stronger than a dental implant...



BOEING E-6 MERCURY

The Boeing E-6 Mercury (formerly Hermes) is an airborne command post and communications relay based on the Boeing 707-300.

The original E-6A manufactured by Boeing's defense division entered service with the United States Navy in July 1989, replacing the EC-130Q. This platform, now modified to the E-6B standard, conveys instructions from the National Command Authority to fleet ballistic missile submarines, a mission known as TACAMO ("Take Charge And Move Out").

The E-6B model deployed in October 1998 also has the ability to remotely control Minuteman ICBMs using the Airborne Launch Control System.

The E-6B replaced Air Force EC-135Cs in the Looking Glass role, providing command and control of U.S. nuclear forces should ground-based control become inoperable.

With production lasting until 1991, the E-6 was the final new derivative of the Boeing 707 to be built.

DESIGN AND DEVELOPMENT

Like the E-3 Sentry Airborne Warning and Control System (AWACS) aircraft, the E-6 is adapted from Boeing's 707-320 airliner.

Rolled out at Boeing's Renton Factory on 18 December 1986, the first E-6 made its maiden flight on 19 February 1987, when it was flown to nearby Boeing Field in south Seattle for fitting of mission avionics; it was delivered to the Navy for testing on 22 July 1988.

The E-6A, which was initially named Hermes, entered service with squadron VQ-3 on 3 August 1989. A second squadron, VQ-4, received its first E-6As in January 1991, allowing the EC-130Q to be phased out in June that year. The E-6A was renamed Mercury in autumn 1991 by request of the Navy.

Sixteen E-6A planes were delivered from 1988 to 1992.

The E-6B is an upgrade of the E-6A. It includes a battlestaff area and updated mission equipment. The flight deck systems were later replaced with an off-the-shelf 737 Next Generation cockpit. This greatly increases the situational awareness of the pilot and saves significant cost over the previous custom avionics package. The first E-6B was accepted in December 1997. All 16 E-6A aircraft were modified to the E-6B standard, with the final delivery taking place on 1 December 2006.

The E-6 cannot use the probe-and-drogue in-flight refueling method that most other US Navy aircraft use, instead featuring a flying boom receptacle on the upper-forward fuselage, making it, like the USN's Boeing P-8 Poseidon aircraft, reliant on specific U.S. Air Force aircraft (KC-135 Stratotanker, KC-10 Extender, and KC-46 Pegasus) for in-flight refueling.



United States Navy Boeing E-6B Mercury of Strategic Communications Wing ONE, Task Group 114.2, based at Tinker Air Force Base, Oklahoma, high over Colorado Aug. 23, 2019. The E-6B was refueled by a Boeing KC-135R Stratotanker of the 507th Air Refueling Wing, Air Force Reserve.

SPECIFICATIONS (E-6B)

A U.S. Navy E-6B Mercury refuels from a USAF 434th Air Refueling Wing KC-135R Stratotanker (2011).

Data from Jane's all the world's aircraft, 1992–93
The US Navy – Fact File: E-6B Mercury airborne command post.

GENERAL CHARACTERISTICS

Crew: 22

Length: 152 ft 11 in (46.61 m)

Wingspan: 148 ft 2 in (45.16 m)

Height: 42 ft 5 in (12.93 m)

Wing area: 283.4 sq ft (26.33 m²)

Empty weight: 172,795 lb (78,378 kg)

Max takeoff weight: 342,000 lb (155,129 kg)

Powerplant: 4 × CFM International CFM56-2A-2 turbofan engines.

PERFORMANCE

Maximum speed: 530 kn (610 mph, 980 km/h) dash speed

Cruise speed: 455 kn (524 mph, 843 km/h) at 40,000 ft (12,192 m)

Range: 6,600 nmi (7,600 mi, 12,200 km)

Combat range: 6,350 nmi (7,310 mi, 11,760 km)

Endurance: on station at 1,000 nmi (1,200 mi; 1,900 km)

10 hours 30 minutes unrefueled

28 hours 54 minutes with one refueling

72 hours maximum with multiple refuelings

Service ceiling: 40,000 ft (12,000 m)

Wing loading: 112.13 lb/sq ft (547.5 kg/m²)

Thrust/weight: 0.281

Critical field length: 6,700 ft (2,042 m)

Max effort take-off run: 5,400 ft (1,646 m)

Landing run at max landing weight:
2,600 ft (792 m)

AVIONICS

AN/ARC-182 VHF/UHF TxRx

AN/ARC-190 HF

AN/AIC-32 Crew Intercom

triplex Litton LTN-90

LTN-211 VLF/Omega

Smiths SFM 02 digital/analog flight management system

AN/APS-133 colour weather radar



Lemon and Baking Soda:

A Miraculous Combination That Saves Lives!

The combination of lemon and baking soda has 10,000 times stronger effect than chemotherapy!

Citrus fruit can cure cancer. Recent studies have shown that consuming citrus fruits, specifically lemons have prevented and in some cases cured cancer. And by adding baking soda you will normalize the pH of the body which does not allow the cancer to continue to spread.

Lemon has a very strong antimicrobial effect with a very broad spectrum of activity against bacterial and fungal infections. It is effective against internal parasites and worms and regulates blood pressure. This fruit is a powerful antidepressant, reduces stress and nerve crises. Lemon destroys cancer cells in 12 cancer types. It prevents metastasis of cancer cells and it is 10,000 times stronger than drugs like Adriamycin, chemotherapy and narcotic products.

What is more interesting is the fact that the combination of lemon extract and baking soda destroys cancer cells only, without harming healthy cells and tissues. The experiments have shown that patients diagnosed with cancer should drink lemon juice and a teaspoon of baking soda. This treatment can not cure the disastrous side effects of chemotherapy.

The best way to be sure that lemons are organic without any chemicals used is to grow this fruit in your own garden or in a pot. Organic lemons are 100 times more efficient than lemons cultivated with chemical fertilizers and treated with chemicals.